

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۳۱، شماره ۲۳۱، یکشنبه ۱ بهمن ۱۳۹۱ - ۲۰ ژانویه ۲۰۱۳

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، جعفر پویه، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * در یک اقدام جنایتکارانه کرامت الله زارعیان به شهادت رسید...ص ۳
- * یادداشت سیاسی: هی نگید «انتخابات آزاد»، بگید شُعبده بازی «مَعقول» - مهدی سامع...ص ۴
- * سرمقاله: دو طرح برای انتخابات و یک حاشیه بر آن - منصور امان...ص ۶
- * اقتصادی: «زندگی کارگران شبحی از زندگی است.» - زینت میرهاشمی...ص ۹
- بین المللی:
- * دستاوردهای مبارزات جهانی / لزوم تنوع و گوناگونی تاکتیکهای مبارزاتی - لیلا جدیدی...ص ۱۲
- * ژرفش نزاع سیاسی و اعتراضهای مردمی در عراق و پیامدهای آن - آناهیتا اردوان...ص ۱۷
- سیاست، دیدگاه:
- * استبداد سیاه پرتوهای امید را خواهد بلعید - شهره صابری...ص ۲۰
- * چه کسی زنان کرد را در پاریس ترور کرد؟ - سنابرق زاهدی...ص ۲۱
- کارگران و مزدبگیران:
- * برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ماه - زینت میرهاشمی...ص ۲۴
- * چالشهای معلمان در دی ماه - فرنگیس بایقره...ص ۲۹
- * زنان در مسیر رهایی - آناهیتا اردوان...ص ۳۳
- * فرهنگ و هنر: رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۳۷
- اخبار مقاومت: اجلاس میان‌دوره یی شورای ملی مقاومت ایران...ص ۴۲
- گوناگون:
- * آخرین دیدار با سه تن از فعال پ کا کا در دیاربکر ترکیه...ص ۴۴
- * دستگیری دو مظنون در ارتباط با قتل زنان کرد در پاریس...ص ۴۵
- * فراسوی خبرها...ص ۴۶
- * شهدای فدایی...ص ۶۱

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»
 «مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند:

چهل و دومین سالگرد رستاخیز سیاهکل

سخنران: جعفر پویه
 نوزده بهمن، جنبش فدایی و موقعیت کنونی

گفتگو و تبادل نظر: زینت میرهاشمی، لیلا جدیدی، مهرداد قادری و جعفر پویه

برنامه هنری: هنرمند انقلابی، کیسو شاکری
 کارگاه هنر ایران، فریدون رضائی

زمان: شنبه ۹ فوریه ۲۰۱۳ برابر با ۲۰ بهمن ۱۳۹۱

مکان: کلن - آلمان

Bürgerhaus Zollstok
 Rosenzweigweg 3
 Köln 50969

شنبه ۹ فوریه ۲۰۱۳

کلن - آلمان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند

چهل و دومین سالگرد رستاخیز سیاهکل

سخنران: جعفر پویه ۱۹ بهمن، جنبش فدایی و شرایط کنونی

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه، لیلا جدیدی، مهرداد قادری و زینت میرهاشمی

برنامه هنری: هنرمند انقلابی، کیسو شاکری و کارگاه هنر ایران، فریدون رضائی

زمان: شنبه ۹ فوریه ۲۰۱۳ برابر با ۲۰ بهمن ۱۳۹۱

از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ۸ شب

مکان: کلن - آلمان

Bürgerhaus Zollstock

Rosenzweigweg 3

Köln 50969

Germany

در یک اقدام جنایتکارانه کرامت الله زارعیان به شهادت رسید



کرامت الله زارعیان جهرمی فرزند فرج متولد ۱۳۶۴ با رتبه برتر در سال ۱۳۸۲ در رشته طراحی صنعتی دوره روزانه وارد دانشگاه هنرهای زیبای تهران شد.

فعالیت سیاسی وی از همان بدو ورود به دانشگاه آغاز شد. سال ۱۳۸۵ به دلیل فعالیت سیاسی از دانشگاه تهران اخراج شد. مهر

در رشته کارگردانی و تصویربرداری دانشگاه علمی کاربردی صدا و سیما مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۸۸ پس از حوادث انتخابات دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. بعد از مدتی به دلیل نداشتن مستندات و مدارک معتبر، تبرئه و آزاد شد ولی متأسفانه به قدری شکنجه شده بود که حتی قادر به فعالیتهای معمولی زندگی نبود.

بعد از آزادی تحت فشار و تعقیب بود و حتی این فشارها به دانشگاه صدا و سیما نیز انتقال یافت و او را از دانشگاه برای بار دوم اخراج کردند و این در حالی بود که او به طور تجربی بیش از ۵ فیلم کوتاه تهیه کرده و دهها فیلم نامه به رشته تحریر درآورد و در فیلمهای بسیاری تدوینگر، دستیار کارگردان، عکاس بود.

بهمن ماه ۱۳۸۹ دو باره دستگیر شد و در حالی که شکنجه می شد، در مقابل دیدگانش اوراق هویتی او را در دستگاه خورد کن انداخته و به او اعلام کردند که دیگر هیچ هویتی در ایران ندارید. بعد از گذشت چند روز در ۱۰۰۰ کیلومتری تهران (محل دستگیری) با لباس آستین کوتاه در حالی که وسایل شخصی اش را هم ضبط کرده بودند، در یک شب زمستانی بسیار سرد با مشکلات فراوان جسمی رها می شود و توسط خانواده تحت درمان قرار می گیرد.

در این زمان خود او به خانواده می گوید که به دلیل شکنجه های فراوان روحی، جسمی و روانی در سلول خود، گذشت شبانه روز را احساس نمی کرده و بنابراین نمی داند که دقیقاً چند روز در بازداشت بوده است. از این زمان به بعد از دوستان، آشنایان و حتی اعضای درجه یک خانواده (به استثنای پدر و مادر و خواهر کوچکش) دوری می کند و با انتخاب یک زندگی پنهانی، تمامی تلاش خود را برای آسایش خانواده و دوستان خود می کند.

در اثنای سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۱ به طور مرتب تحت تعقیب، بازجویی و شکنجه به فصد اعتراف اجباری به جرمهای نکرده قرار گرفته و چندین بار به وی اخطار می دهند که باید سریعاً تهران را ترک کند.

در روز پنجشنبه ۹ دی ۱۳۹۱ از طرف فردی ناشناس به خانواده او اطلاع می دهند که سانحه ای برای کرامت الله پیش آمده است. با شنیدن این خبر برادر و تعدادی از اقوام او در محل خانه اجاره ای او در خیابان نظام آباد تهران حضور می یابند که متأسفانه با صحنه جنایتی بسیار هولناک مواجه می شوند. جنازه زنده یاد کرامت الله زارعیان با لباس بیرونی و جوراب در کف حمام افتاده بود و به دلیل باز بودن آب جوش و بخار آب به مدت ۹۶ ساعت، جنازه کاملاً فاسد شده و به خاطر بوی تعفن شدید و متلاشی شدن جسد، به سختی قابل شناسایی و جابجایی بود.

جانینان با بردن مچ دست چپ وی به طول ۶ سانتیمتر، اقدام به صحنه سازی خودکشی کرده بودند که به گفته پزشکی قانونی این زخم کاملاً سطحی بوده و آسیبی به رگ و حتی تاندوم وارد نکرده است. طبق گواهی پزشکی قانونی نامبرده زیر شکنجه شدید، قطع نخاع شده و بر اثر شدت شکنجه جان سپرد.

این صحنه سازیها در این حقیقت که اطلاعات سپاه مسئول قتل این دانشجوی مبارز است خللی ایجاد نمی کند.

منبع: آژانس ایران خبر و چند وبسایت دیگر

هی نگید «انتخابات آزاد»، بگید شعبده بازی «مَعقول»

مهدی سامع

Mehdi.samee@gmail.com

مقام مُعظّم این روزها سخت پریشان حال شده است. گریز از مرکز هر روز افزایش یابنده خودیها و کابوس قیامهای سال ۱۳۸۸ او را رها نمی کند. او در روز سه شنبه ۱۹ دی طی یک سخنرانی در دیدار جمعی از ایادیش از قم، در مورد شعبده بازی انتخابات ریاست جمهوری گفت: «آن کسانی که راجع به انتخابات توصیه هایی می کنند، حواسشان باشد به دشمن کمک نکنند، دائماً نگویند انتخابات باید آزاد باشد».

در همان روز خبرگزاری حکومتی ایسنا متن گفتگو با علی سعیدی، نماینده خامنه ای در سپاه را منتشر کرد. در این گفتگو علی سعیدی می گوید: «وظیفه ذاتی ما مهندسی مَعقول و منطقی انتخابات است... ایده دولت اصولگرا بر محور بازسازی گفتمان اصولگرایی و پالایش عملکرد آنان و آمدن با شعاری نو است... ما اختیارات ولی را معادل اختیارات رسول الله و امام معصوم می دانیم.» او همچنین طرح دولت «وحدت ملی» [بخوانید وحدت خودیها] را «مَلغمه» دانست. یک روز بعد این جناب در اصفهان سخنرانی کرد و گفت: «ایران نقش مهمی در ظهور امام زمان دارد... و... در انتخابات باید درست به هدف زد و فردی را انتخاب نمود که دقیقاً در راستای امام زمان حرکت کند، نه این که نظام را به انفعال بکشاند... باید در صندوقهای رای کسی را انتخاب کنیم که قدرت ایستادگی داشته باشد.» (خبرگزاری حکومتی مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی)

در روز جمعه ۲۲ دی احمد جنتی در نماز جمعه تهران گفت: «کسانی که خود در گذشته با همین انتخاباتها برگزیده شده بودند با چه معیار و استدلال می گویند انتخابات باید آزاد باشد؟» (تلویزیون دولتی شبکه یک)

۲۱۹ تن از برگزیدگان جنتی در مجلس رژیم روز یکشنبه ۲۴ دی طی یک بیانیه اعلام کردند که: «القای آزاد نبودن انتخابات در حقیقت همسویی و همخوانی با دشمنان ملت و رمز فتنه جدید است... به تمام چهره ها و بلندگوهای داخلی که از لزوم انتخابات آزاد دم می زنند هشدار می دهیم که از عاقبت دیگر فتنه گران عبرت گیرند.»

پاسدار ناصر شعبانی، جانشین فرمانده دانشگاه امام حسین که نظراتش در شماره روز دوشنبه ۲۵ دی روزنامه قانون منتشر شده، پیرامون موقعیت کنونی ولایت خامنه ای می گوید: «در هر تحولاتی ممکن است آرایشات به هم بخورد و دوست امروز دشمن فردا شود. ما در حال حاضر در حال درمان مجروحات جنگ نرم در حوادث اخیر هستیم، از آیت الله گرفته تا سردار». معنی این حرف روشن است. قیامهای سال ۱۳۸۸ و رویدادهای پس از آن تعدادی مجروح از آیت الله تا سردار برجای گذاشته که سپاه با توجه به برهم خوردن آرایش نیروها در حال درمان آنهاست. او اضافه می کند که: «در شرایط کنونی چهره های پیچیده تری وجود دارد و در برابر این مسایل باید منتظر باشیم که رهبری چه می فرمایند... متأسفانه احمدی نژاد امروز از یکی از فرصتهای نظام دارد به تهدید تبدیل می شود... در حال حاضر در میدان جنگ هستیم و در میدان جنگ زین عوض نمی کنند.» بنابراین پاسداران با آگاهی به این که چهره های پیچیده در تعارض با خامنه ای قرار گرفته و احمدی نژاد از فرصت به تهدید تبدیل شده و نباید او (زین) را عوض کرد، منتظر تصمیم خامنه ای هستند. چه اتفاقی افتاده که مقام معظم این همه برآشفته شده و پاسداران او مجبور به تیغ کشی شده اند. باید در نظر داشت که وقتی هاشمی رفسنجانی از «انتخابات آزاد» صحبت می کند، منظورش آزادی و رقابت برای کسانی است که در سالهای ریاست

جمهوری‌ش با او همراه بودند. ترکیبی که رسانه‌های حکومتی آنها را محافظه‌کاران یا اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان و کارگزاران سازندگی می‌نامند. در مورد دولت «وحدت ملی» هم همین ترکیب مورد نظر هاشمی رفسنجانی است. او هرگز طرفدار انتخابات آزاد آن گونه که در دموکراسی‌های غربی تعریف می‌شود نبوده و نیست. در مورد دولت وحدت ملی او می‌گوید: «برای اجرای طرح دولت وحدت ملی باید مجموعه اقداماتی که ما را از وضع نامساعد فعلی در عرصه بین‌الملل و داخلی خارج کند، بهره‌گرفت... نسخه کوچک این طرح، همان بود که ما در دولت بعد از جنگ انجام دادیم... در آن دوره در عرصه داخل هم اختلافات تشدید شده بود، راهکار من این بود که دولتی تشکیل دهیم که ترکیبی از جناح‌های مؤثر انقلاب باشد.» (خبرگزاری فارس وابسته به بنیاد تعاون سپاه، پنجشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۱) در نسخه کوچک طرح رفسنجانی پاسداران نقشی نداشتند. لابد در نسخه بزرگ آن پاسداران و امنیت‌ها هم وارد می‌شوند. به هر رو مسلم است که دعوا بر سر یک تحول دمکراتیک و یک انتخابات واقعاً آزاد نیست. دعوا بر سر «نسخه» رفسنجانی با طرح «ریل‌گذاری جدید» خامنه‌ای است. خامنه‌ای آن چنان که طی نزدیک به ۸ سال گذشته شاهد بودیم، راه نجات ولایت را در حذف شرکای قدیم و تمرکز قدرت به دست خودش و تعدادی از گماشتگان گوش به فرمانش می‌داند. اما وقتی بهترین گماشته که در ابتدا برای طرح خامنه‌ای یک فرصت بود، این گونه به تهدید تبدیل می‌شود، برای ولی فقیه که اتوریته او را قیام‌کنندگان سال ۸۸ درهم شکسته‌اند، چه راهی باقی می‌ماند.

برای ولایت خامنه‌ای شبی تیره و تاریک با گردابی عمیق در پیش است. کابوس قیام‌های سال ۱۳۸۸ او را رها نمی‌کند. «ویروس» دشمن همه‌گیر شده و به داخل هرم قدرت سرایت کرده است. بیم موجی بدتر از «فتنه ۸۸» خواب راحت را از ولی فقیه ربوده است. بق زندهای دوستان قدیم به «تهدید» جدی تبدیل شده و از نگاه ولی فقیه افرادی همچون رفسنجانی، عسکراولادی و حتی احمدی نژاد سبکباران ساحل هستند که به جای نجات کشتی طوفان زده ولایت، از ناخدای کشتی «سهم» خود را طلب می‌کنند. چاره و پادزهر این ویروسها چیست؟ این را پاسدار ناصر شعبانی، جانشین فرمانده دانشگاه امام حسین برملا می‌کند. «اگر ما بتوانیم از این بحران عبور کنیم و تا آذر سال آینده وضع سوریه همین باشد و عراق با ثبات و ایران نیز این تحریمها را پشت سر بگذارد من می‌گویم که ما در مهندسی ساختار قدرت در نظام بین‌الملل الهام بخشی داریم. اگر تا دو ماه دیگر وضعیت در ایران و سوریه و عراق همین گونه که حال است باشد، غرب ما را دعوت به همکاری می‌کند.» (روزنامه قانون، دوشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۱)

این راهبرد اصلی خامنه‌ای است که بر اساس آن باید طی ماههای آینده، اولاً تحریمها را دور زد، ثانیاً از سقوط بشار اسد جلوگیری کرد، ثالثاً دولت نوری المالکی در عراق در وضعیت کنونی باقی بماند، تا در این فاصله ولایت خامنه‌ای به آستانه تهیه بمب اتمی و نقطه بدون بازگشت در این پروژه ماجراجویانه برسد. پاسدار ناصر شعبانی جمله خود را با «اگر» شروع می‌کند تا شرط رسیدن حاکمیت به نقطه‌ای که او «مهندسی ساختار قدرت در نظام بین‌الملل» می‌نامد را مشخص کند. خامنه‌ای به دنبال خرید زمان برای تحقق پروژه اتمی است تا در آن نقطه که بر اساس ارزیابیهای تحلیلگران خامنه‌ای غرب قادر به واکنش نظامی نیست، غرب را مجبور به مذاکره نه بر اساس توقف پروژه اتمی که برای به رسمیت شناختن هژمونی ولایت خامنه‌ای حداقل بر بخشی از کشورهای خاورمیانه و ورود رژیم به باشگاه اتمی نماید و به جای گدایی «تضمین امنیت» آن را با «قدرت» به دست آورد. اما تحقق چنین امری به «اگر» های پاسدار شعبانی ربط پیدا می‌کند. کفایت یکی از این «اگر»ها به شکلی که خامنه‌ای بدان نیاز دارد عملی نشود. در این حالت صورت مساله به شکلی متفاوت روی میز مقام معظم قرار می‌گیرد. همه محاسبه خامنه‌ای روی فرصتهای خارجیست که مشروط به «اگر»ها است. ولی فقیه در مورد عامل داخلی و قطب بندی اصلی جامعه تنها به سرکوب بی‌امان می‌اندیشد. برای همین است که با جدیت تلاش می‌کند که شکافهای درون هرم قدرت را مهار و برای «مهندسی معقول» جنتی شو برنامه ریزی کند. اما

واقعیت‌های سرسخت تری هم وجود دارد که ظرفیت برهم زدن رویاهای ولی فقیه را دارد. نارضایتی و خشم متراکم مردمی که زیر فشار روزمره به تغییر شرایط فکر می‌کنند و می‌توانند از هر شکاف درون هرم قدرت برای به‌گرسی نشان دادن حرف خود سود جویند، می‌تواند به عامل تعمیم‌کننده در تحولات سیاسی تبدیل شود. فشار همین عامل اساسی است که هر تدبیر ولی فقیه برای مهار شکاف در هرم قدرت را خنثی می‌کند. خامنه‌ای هر راهکاری انتخاب کند و برای شعبده بازی انتخاباتی هر کاندیدایی را مورد حمایت قرار دهد، نمی‌تواند شکاف درون هرم قدرت را مهار کند.

سرمقاله.....

دو طرح برای انتخابات و یک حاشیه بر آن

منصور امان

نوک کوه نگرانی رژیم جمهوری اسلامی از نمایش انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده بیرون زده است. پس از یک دوره ژست ثبات و ادعای سرکوب موفقیت‌آمیز منتقدان و مخالفان، روز ۱۹ دی، پنج ماه پیش از روی صحنه رفتن خیمه شب بازی، رهبر رژیم ولایت فقیه، آیت‌الله خامنه‌ای، با لحنی هراس‌آلود خطرهایی که از جانب انتخابات "نظام" را تهدید می‌کند بر شمرده و به ویژه در برابر خواست سراسری انتخابات آزاد جبهه گرفت. او پس از تاکید بر این امر که "انتخابات خرداد آینده از نظر ما مهم است، از نظر دشمن هم مهم است"، شعار انتخابات آزاد را "خواست دشمن" نامید تا مجوز سرکوب مطالبه‌کنندگان را نیز صادر کرده باشد. آقای خامنه‌ای به‌گونه منفعلانه و در حالی که به نظر می‌رسید زیر فشار شدیدی قرار داشته باشد، از "دلسوزان" درخواست کرد: "هی نگویند انتخابات باید آزاد باشد."

ترس از گذار انتخاباتی از "نظام"

از نظر رهبر رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه، مهمترین خطری که طرح خواست انتخابات آزاد در بر دارد، قانع کردن توده‌ها به بی‌ثمری چارچوبهای فرمایشی حکومت برای انجام تغییراتی واقعی به سود آنها است. از آنجا که پایه "نظام"ی آقای خامنه‌ای از مزایای سکنداری آن لذت می‌برد، بر سلب حق رای شهروندان بنا گردیده، هر شعاری که به اعاده این حق توجه دهد و امکان مداخله آنها در تعیین نمایندگان خود و ساز و کار و چگونگی اداره جامعه را در برابرشان قرار دهد، به‌گونه ناگزیر از سطح گنجایش سیاسی و ساختارهای موجود آن فراتر می‌رود. بازی انتخاباتی "نظام" فقط در یک میدان بی‌رقیب اعتبار دارد، جایی که اکثریت جامعه حاضر یا مجبور باشد تماشاگر خاموش بماند و قواعد و نتایج بازی را - هر چه که باشد - بر خود روا دارد.

نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی یک بازیگر بیشتر ندارد و آن حکومت است که صحنه را کوبیده و از هر آنچه که می‌تواند اراده آن را با مانع روبرو سازد، پاک کرده است تا خود در نقش همه عوامل نمایش، از رقیب تا پشتیبان و از اپوزیسیون تا حزب دولتی پدیدار شود. حال اگر بخش یا بخشهایی از جامعه بالا رفتن کرکره تیاتر موسمی انتخابات را جدی بگیرد، اما از آن برای مادی کردن انتظارات خود و سناریوی مطلوب خویش بهره جوید، بی‌درنگ کارگردانان و صحنه‌گردانان نمایش را در برابر خود خواهد یافت که با همه امکانات قهری و قانونی که در اختیار دارند، مانع تغییر روند آن می‌شوند.

از این نقطه، ساز و کار تدارک دیده شده "نظام" برای سازماندهی قدرت، پذیرش و کارایی خود را برای این بخش یا بخشهای جامعه از دست داده و به عنوان محتوایی ناکارآمد و ساختگی که ضروری است پشت سر گذاشته شود، تغییر

جایگاه می دهد. این همان تهدیدی است که آقای خامنه ای با زبان بی تعارف و آرایش نسبت به آن هشدار داده است: "در کدام کشور دیگر، انتخابات از آنچه که در ایران می گذرد، آزادتر است؟ کجا صلاحیتها ملاحظه نمی شود، که اینجا روی این مسایل هی تکیه بکنند، هی تکیه بکنند، هی بگویند، هی تکرار کنند و یواش یواش این ذهنیت را به خیال خودشان در مردم به وجود بیاورند که خب، این انتخابات فایده ای ندارد؟ این یکی از خواسته های دشمن است."

حمله از روبرو

موضع گیری رهبر جمهوری اسلامی به مفهوم تعیین خط و مرزهای "نظام" پیرامون اقتدار خود و بسیج همه جانبه برای روبرویی با فاکتورهایی است که آن را تضعیف می کند. او با نگاه به وزن تهدید، ناچار به بازی با کارتهای روباز شده و پروژه "مهندسی انتخابات" را که در زیر و پنهان به پیش می برد، به سطح منتقل کرده است. در انتخابات سالهای ۸۴ و ۸۸، بارز ترین جلوه بیرونی تلاش سازمان یافته برای رای و منتخب سازی، نقالی و خط دادن گاه و بیگاه آقای خامنه ای و دوستان پیرامون شرایط "نامزد اصلاح" بود که با ابتکاراتی همچون تقسیم سیب زمینی رایگان پُشتیبانی می شد. اکنون آیت الله خامنه ای بدون تعارف به انتخابات آزاد و مطالبه دهندگان آن اعلان جنگ می دهد و به بسیج همه جانبه نیروهای خود علیه آن دست می زند. آیت الله جنتی، رییس فیلتر پاکسازی نهادهای انتخابی، نعره زده "انتخابات آزاد کلید واژه و رمز شورش شده است"، و در همین نگرانی رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس مَلاها، آقای بروجردی اینگونه شریک شده که "تبلیغ و القای برگزاری انتخابات آزاد، به نوعی تحریک مردم است". کمی بعدتر نوبت ۲۱۹ نماینده مجلس رسیده که در بیانیه ای تاکید کنند: "القا آزاد نبودن انتخابات همسویی و همنوایی با دشمنان ملت و رمز فتنه جدید است."

پس از طرح نگرانی و تشویش خاطر، زمان ارایه راه حل می رسد و نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران (آرگان مشهور به "نیروی غیبی" انتخابات)، در امتداد فاش گویی رییس خود اطمینان می دهد: "مهندسی معقول و منطقی انتخابات، وظیفه ذاتی سپاه است."

گذار از "نظام"، طرح زنده سیاسی

حاکمان به وسیله این سخنان می گویند که همچون دوره های پیشین قادر نیستند به گونه نامحسوس حرکت کرده و به طور ضربتی وارد صحنه ی از پیش آماده شده گردند. آنها اعتراف می کنند با مقاومتی روبرو هستند که آنها را ناگزیر ساخته از همین لحظه جنگ را آغاز و از همین نقطه توان خویش علیه آن را سازمان دهند. دستگاه استبدادی به خوبی می داند که گذار خیره کننده خیزشهای ۸۸ و ۸۹ از اعتراض به تقلب باند حاکم به کوفتن نظم سیاسی موجود و چکیده آن، "اصل ولایت فقیه"، فقط در حافظه آن نیست که زیست می کند و خط مشی امروزش را هنوز تحت تاثیر خود دارد. جامعه دروازه های این مسیر را یکبار برای همیشه گشوده است و همه تجربه ها و آموزه هایی که به آن رابطه مستقیم بین نموده های ستم سیاسی و نظم مولد آنها را یادآوری می کند را در توشه دارد. آقای خامنه ای و شرکا از مردم خاموش هراس ندارند. هنگامی که ظرفیت اعتراضی و برانداز در جامعه به چشم نمی خورد، تحوّل و جابجایی در "بالا" - از جمله به وسیله انتخابات - می تواند هر روبنای شکلی و هر پسوند و پیشوندی داشته باشد، زیرا یک جامعه ی تسلیم شده موجبی برای نگرانی از نفوذ شعارهای "تحریک کننده" و مُشوق مُداخله گری به دست نمی دهد.

از تابستان سال ۸۸ در ذهنیت میلیونها مُنتقد و مُعترض، گذار از نظام جمهوری اسلامی به یک طرح سیاسی و گزینه مادی مناسبات مورد نقدشان فرا روییده است. آنها برای به واقعیت گرایاندن ایده شان در خیابان جنگیده اند، سازمان داده اند، تکنولوژی را به خدمت گرفته اند، به خون خویش درغلطیده اند و جامعه را به همراه کلیه اجزا و بخشهای آن در "بالا"

و "پایین" به مرحله دیگری از حیات سیاسی و اجتماعی خویش پیش برده اند؛ مرحله ای که مهم‌ترین ویژگی اش، ناممکن ساختن بازگشت به عقب است.

با شکل‌گیری نخستین اعتراض‌های خیابانی در خرداد ۸۸، ناامیدی انبوه از شرایط موجود، جای خود را به عُصیان انبوه علیه آن داد. جامعه رخت سکوت را از تن افکند تا به جستجوی تغییرات در جایی دیگر برود. این انگاشت، کاوش طرحی نو از روی جسد کهنه نظام ولایت فقیه، ذهنیتی پایدار را شکل داده است که تا هنگام بقای مناسبات موجود و فعال بودن تضادهای آن با توده‌ها، پاسخ پا برجای آن خواهد بود.

تضاد در روبنا و زیربنا

افتاده در تله‌ی همین صف آراییی است که نظام ولایت فقیه نه فقط از سخن در باره انتخابات آزاد به هراس می‌آید، بلکه حتی از سایه خود نیز به وحشت افتاده است. تلاش برای تعیین نامزد برای باندهای رقیب (کارگزاران - اصلاح طلبان) و تلقی حضور یک مُماشات گر حرفه‌ای همچون حُجّت الاسلام مُحَمَّد خاتمی به مثابه اعلام رویارویی، قوی‌ترین نشانه‌های اعتماد به نفس حاکمان نیست. آنها ژرفای شکاف بین جامعه با رژیم استبدادی - مذهبی را در هر بخش از سیاستهایی که به دست اجرا می‌گذارند، لمس می‌کنند. دستگاه قُدرت همچنین ثبت کرده است که درجه تضاد بین "بالا" و "پایین" بدان اندازه هست که افزوده شدن هر فاکتوری بدان، حتی در سطح آقای خاتمی، می‌تواند نظم سیاسی را بی‌ثبات سازد. صحنه تجلی و جوشش این تضاد تنها به روبنای سیاسی "نظام" محدود نمی‌شود، بلکه با شدت و شتاب به زیربنای اقتصادی این مناسبات نیز گسترش یافته است. تلاش حکومت برای افکندن هزینه تحریمها بر دوش مردم، فساد گسترده در سیستم، رانت خواری و تبعیض و در انتها چپاول آشکار و بی‌مهابای خزانه عمومی توسط رهبران و پایوران نظام و وابستگان آنها که با ناکارآمدی و بی‌لیاقتی ترکیب گردیده، جامعه را علیه شرایط پُر ادبار خود و علیه روابط حاکم بر آن، برانگیخته و آرایش داده است.

دفاع غریبان از تقلب و انتخابات "مُهندسی" شده از یک سو و حذف "خودی" های بی‌ضرر از سوی دیگر، راهکارهای رژیم می‌تلاشی شده است که به شدت خود را آسیب‌پذیر احساس می‌کند و برخلاف هفت سال گذشته که از موضع تهاجمی و برای انحصار و یکدست‌سازی قُدرت شمشیر می‌کشید، اکنون فقط با چنگ و دندان از خود دفاع می‌کند.

"انتخابات آزاد" به روایت باندهای اخراج شده از قدرت

جالب اینجاست که باندهای مغلوب حکومتی نیز با نگاه به شرایط متزلزل و آشفته‌ای که باند ولایت در آن به سر می‌برد، به فشار بر آن از زاویه انتخابات و جابجایی در "بالا" روی آورده‌اند. آقای اکبر هاشمی رفسنجانی در این میان در هر فرصتی از ضرورت برگزاری "انتخابات آزاد" سخن می‌گوید و آقای مُحَمَّد خاتمی نیز تاکید دارد که راه حل بحران داخلی و خارجی همین موضوع است.

ناگفته پیداست که منظور جریانهای کنار گذاشته شده از قُدرت از طرح انتخابات آزاد، فراهم آمدن زمینه و پیش شرطهای شرکت همه‌ی گرایشهای سیاسی در جامعه در انتخابات و تضمین عملی برسمیت شناختن اراده مُتجلی در نتیجه آن نیست. فراخوان آنها به همین گونه ناظر بر آزادی مُداخله "غیرخودی" ها در تشریفات انتخاباتی "نظام" نیست. رُقُبای آقای خامنه‌ای و شُرکا، پُشت این شعار پنهان شده‌اند تا با توجه به خطرهایی که مُطالبه مزبور مُتوجه باند حاکم می‌سازد، آن را به انتخابات رقابتی و یا به بیان دیگر، عقب‌نشینی و شریک گرداندن خود در قُدرت راضی سازند. بدین سبب، شعار انتخابات آزاد نیز برای آنها تاریخ مصرف محدودی دارد و در همان لحظه‌ای که چراغها در "بیت آقا" رنگ سبز را علامت دهد، اشتیاق آنها به دموکراسی انتخاباتی هم برق پایان می‌پذیرد و اُردوی اصلاحات حکومتی در محل تازه‌ای، زیر پرچم "انتخابات سالم"، "انتخابات در چارچوب قانون اساسی" و تیتراهایی جُز آن خیمه می‌زند.

هدف مُکمل آنها، سوار شدن بر پتانسیل اعتراضی در جامعه، جلب نیروهای جنبش و سربازگیری از میان آنها و به دست گرفتن سکان طرح و هدایت خواسته های شان است. در این صورت آنها قادر خواهند بود از جنبش اعتراضی و مطالبه انتخابات آزاد همچون اهرم فشاری برای وادار ساختن باند حاکم به برسمیت شناختن منافع "قانونی" شان بهره ببرند و در نقش ناجیان "نظام"، از رقبایشان دستخوش و امتیاز بگیرند.

برآمد

آیت الله خامنه ای با صدور فرمان "مُهندسی انتخابات" و لشکرکشی علیه شُعار انتخابات آزاد، زیر بنای طرح سیاسی "نظام" برای ثبات بخشیدن به سیستم و حفظ قُدرت را مُعرفی کرده است. "خودی" های رانده شده از قُدرت، با هر سناریو و زیر هر نام، طرح موثرتری از بند بازی بین دو قُطب اصلی درگیری و زیست در حاشیه آنها ندارند. در عوض، نقشه راه توده های مُعترض بسا پیش از این، در تابستان ۸۸، ترسیم گردیده است. میدان، شفاف تر از هر گاه دیگر در انتظار حریفان است.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

اقتصادی.....

«زندگی کارگران شبخی از زندگی است.»

زینت میرهاشمی

روز یکشنبه ۱۷ دی، صادق زاده رئیس کانون کارگران بارنشنسته تبریز در اجتماعی از کارگران بازنشنسته اعلام کرد که: «زندگی کارگران شبخی از زندگی است». شبخی از زندگی که این کارگر بازنشنسته تشبیه کرده با اصلاحیه قانون کار و تغییرات به زیان کارگران، منجمله عدم افزایش حقوق، به یک فاجعه و نقض حقوق انسانی تبدیل می شود. رئیس کمیته مزد، از برگزاری جلساتی جهت بررسی وضعیت قیمتتها و سبد معیشت کارگران در آذر ماه خبر داد. قرار است این کمیته گزارشات و نظرات مطرح شده را به شورای عالی کار ارائه دهد. این جلسات با حضور نمایندگانی از طرف کارفرماها، دولت و نمایندگان قلابی کارگری برگزار شد. کمیته مزد، مبلغی را به شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد سالانه ارائه می دهد. حداقل دستمزد همه ساله در شورای عالی کار، متشکل از نمایندگان کارفرمایی، دولت در جایگاه کلان سرمایه دار و نماینده انتصابی کارگران تعیین می شود. عدم حضور نمایندگان انتخابی کارگران، عدم مشارکت فعالان سندیکایی کارگران در بررسی مزد از جمله اعتراضهای کارگران و مزدبگیران است. تا کنون رقمی که از این شورا برآمده و سرنوشت معیشتی کارگران و مزدبگیران را رقم زده هیچ خوانایی با نرخ تورم و سبد هزینه آنها نداشته و فقر و تنگدستی را بر کارگران و مزدبگیران در ابعاد گسترده تر تحمیل نموده است. اگر چه رقم تعیین شده شامل مزدبگیریانی است که شامل قانون کار هستند و در بسیاری از واحدها پرداخت نمی شود.

گزارشهایی که تا کنون در رسانه های حکومتی از بررسی وضعیت معاشی کارگران در کمیته مزد منتشر شده، مبنی بر این است که خواست کارگران بر افزایش ۱۰۰ درصدی دستمزد است. تفاوت حداقل دستمزد عادلانه بر اساس نرخ تورم و سبد

معیشتی کارگران و مزدبگیران و پیشنهادهای روسای کمیته مزد و تشکیل دهندگان شورای عالی کار، ماهیت استعمارگرانه تشکیل دهندگان شورای عالی کار را نشان می دهد.

روز پنجشنبه ۲۸ دی، در انجمن اقتصاد دانان ایران یکی از مجلس نشینان به نام احمد توکلی از کاهش ۱۱۳ درصدی ارزش پول ملی طی ده ماه سخن گفت. وی گفت «به طور کلی طی ۱۰ ماه از ابتدای آذر سال گذشته تا ۸ مهر سال جاری ارزش پول ملی ۱۱۳ درصد کاهش یافت.» می توان تصور کرد که درصد افزایش حداقل دستمزد نسبت به درصد بی ارزشی پول لشکر فقیران را گسترده تر خواهد کرد.

رئیس کمیته مزد بر احتمال افزایش ۱۸ تا ۲۰ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۹۲ خبر می دهد و افزایش بیش از این را منطقی ندانسته و فشار بر کارفرمایان می داند. وی «افزایش قیمت سبد معیشت حانوار را در آذر ماه سال جاری نسبت به آذر ماه سال قبل، ۶۲ درصد برآورد کرده است.» از سویی دیگر ارزش پول ملی نسبت به سال قبل ۱۱۳ درصد سقوط کرده است. در سال گذشته خط فقر یک میلیونی بر اساس ارزش ریال در آن هنگام بود حال می شود پیش بینی کرد که خط فقر بسیار بیشتر از یک میلیون است. رئیس کمیته مزد در مورد خط فقر می گوید، برخی بررسیها رقم یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به عنوان هزینه مورد نیاز هر خانوار ۴ نفری در ماه را اعلام می کند. کمیته مزد تضاد این رقم را با رقمی که در شورای عالی کار تعیین خواهد شد، با پیشنهادهایی دهان پر کن مبنی بر بسته های حمایتی از طرف دولت بررسی می کند. رئیس کمیته ویژه مزد استان تهران اعلام کرد که «۵۰ تا ۶۰ درصد نیروی مشمول قانون کار در بخش خصوصی فعالیت می کنند که توان تامین مالی دستمزد واقعی برای کارفرمایان این بخش وجود ندارد.» یک پیشنهاد در کمیته مزد مورد بررسی قرار گرفته مبنی بر این که فاصله دستمزد تعیین شده که کارفرمایان توان پرداخت آن را داشته باشند با دستمزد واقعی بر اساس نرخ تورم توسط یارانه از طرف دولت پرداخت شود.

در پایان سال ۹۰، پرداخت یارانه یکی از دلایل برای بالا نبردن بیش از ۱۸ درصد دستمزد بود. حداقل دستمزد تعیین شده برای سال ۹۱ وضعیت معاشی کارگران و مزدبگیران را به حد نازلی رسانده است. ارائه آمارهای غیر واقعی از نرخ تورم زمینه ساز افزایش اندک حداقل دستمزد است. کارگران دستمزد واقعی خود را بر اساس نرخ تورم و سبد هزینه زندگی می خواهند. با توجه به عدم تعادل در افزایش قیمتها طوری که گاهی روزانه تغییر پیدا می کند، تعیین دستمزد سالیانه معنای اجرایی خود را از دست می دهد. تعیین دستمزد سالانه در شرایط ثبات اقتصادی می تواند کارایی داشته باشد نه در شرایط بحران اقتصادی و بی ثباتی بازار.

حداقل حقوقی که شورای عالی کار برای سال ۹۱ تعیین کرد ۳۸۹ هزار و ۷۰۰ تومان و ۱۸ درصد نسبت به سال قبل رشد داشته است. در خوش بینانه ترین شکل بر اساس گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، در صورت افزایش ۲۰ درصدی «حداقل دستمزد ۳۸۹ هزار و ۷۰۰ تومانی امسال در سال ۹۲ به ۴۶۷ هزار و ۶۴۰ تومان خواهد رسید.»

پر کردن فاصله عظیم ۴۶۷ هزار و ۶۴۰ تومان با یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان هزینه خانواری که برخی از کارگزاران حکومتی مطرح می کنند (این رقم متغیر و به طور واقعی و طبق استانداردهای بین المللی بیشتر از این است) با پرداخت مبلغی ناچیز به عنوان بسته حمایتی، فریب مزدبگیران در مقابله با اعتراضهای کارگری برای افزایش حقوق است.

بانک مرکزی نرخ تورم در آذر ماه سال ۹۱ نسبت به آذر ماه سال قبل را معادل ۲۷.۴ درصد ارزیابی کرده است. بانک مرکزی در حالی این آمار را می دهد که بسیاری از کارشناسان اقتصادی و یا حتی برخی از پایوران رژیم این نرخ تورم را غیر واقعی و آن را تا ۴۰ درصد ارزیابی می کنند. شورای عالی کار حتی نرخ پایین تورم ارائه شده از بانک مرکزی را در افزایش دستمزد نادیده می گیرد.

نامه های اعتراضی ۳۰ هزار تن از کارگران به اضافه کارگران شرکت واحد در رابطه با حذف یارانه ها، افزایش قیمتها بر غیر موثر بودن افزایش حقوق در بهبود وضعیت معاشی آنها تاکید می گذارد. بر اساس نامه کارگران افزایش حقوق در برابر افزایش قیمتها هیچ خوانایی ندارد و در عمل نه تنها هیچ افزایشی نداشته بلکه ارزش مزد آنها نسبت به قبل سیر نزولی داشته است. تورم در ایران، به دلیل رکود و عدم سرمایه گذاری موثر در تولید و رشد سرسام آور نقدینگی، همواره سیر صعودی دارد. افزایش روزمره نرخ تورم نشان دهنده وضعیت بحرانی اقتصاد است. دستمزد غیر متناسب با نرخ واقعی تورم، انعکاسی از فقر پنهان جامعه، میزان استثمار و بی عدالتی است. بر اساس همین نرخهای تورم غیر واقعی و پایین نشان دادن آن، مابین خط فقر در جامعه و حداقل دستمزد فاصله فاحشی است.

تعطیلی واحدهای تولید

آماري نسبت به تعطیلی واحدهای تولیدی در ایلنا در روز پنجشنبه ۲۱ دی منتشر شده که گوشه ای از وضعیت بحران در صنعت ایران را نشان می دهد.

پایگاه اینترنتی اخبار اقتصاد به تاریخ چهارشنبه ۱۳ دی ۱۳۹۱، گزارش اتاقهای بازرگانی نسبت به تعطیلی واحدهای صنعتی در استانهای ایران را منتشر کرده است. بر اساس این گزارش «به طور متوسط بین ۳۰ تا ۹۰ درصد واحدهای صنعتی در استانهای مختلف کشور تعطیل شده اند». و «در میان این استانها، خراسان رضوی با ۱۱۴۰ واحد صنعتی، فارس با ۹۰۰ واحد صنعتی، لرستان با ۱۱۰۰ واحد صنعتی، آذربایجان غربی با ۵۲۵ واحد صنعتی، و یزد با ۵۶۰ واحد صنعتی تعطیل شده بیشترین تعداد ورشکستگی را به نام خود ثبت کرده اند».

پاسدار احمدی نژاد در سخنرانی اخیر خود در مجلس رژیم، چهار راه حل برای مشکلات اقتصادی مطرح کرد. یکی از راه حلها «مردمی کردن اقتصاد» است. وی مردمی کردن اقتصاد را «مشارکت مردم در اقتصاد و در امر سرمایه گذاری در بخشهای معادن و منابع طبیعی کشور» اعلام کرد. این طرح فریبکارانه بخشی از وعده های دیکتاتوری است که مدعیان تقسیم قدرت در رژیم ولایت فقیه را با شمشیر می زند. حکومت ایران از جمله فاسدترین حکومتها در اقتصاد است. آقازاده ها، رانت خواران و وابستگان حکومتی در لباس پاسدار، بسیج، ملاحی با عمامه و بی عمامه، بر اقتصاد ایران چنگ انداخته و نیروی کار را در شکلی عقب افتاده استثمار می کنند. با وجود دیکتاتوری ولایت فقیه، حرف زدن از اقتصاد مردمی و مشارکت مردم در اقتصاد، سیاستی فریب کارانه برای مقابله با جنبش کارگری است. ساختن زمینه های مشارکت مردمی در اقتصاد و مشارکت کارگران و مزدبگیران در امور اقتصاد در مناسباتی دموکراتیک و با تکیه بر عدالت اجتماعی و حکومت غیر دینی (لائیک) فراهم می شود. حق آزادی بیان، حق ایجاد تشکلهای مستقل، حق اعتصاب، حق کار و از پایه ای ترین مطالباتی است که برای مشارکت مردمی در اقتصاد ضروری است. کارگران و مزدبگیران ایران از این حقوق اولیه محروم هستند و بسیاری از فعالان کارگری و سندیکایی در دفاع از این حقوق در سیاهچالهای رژیم زیر فشار، شکنجه و حبس بسر می برند. بدون شک دستیابی مردم به مشارکت در امور جامعه و بر سرنوشت خود از طریق سرنوشت جمهوری اسلامی با همه باندهایش میسر است.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

بین‌المللی.....

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۲۷)

دستاوردهای مبارزات جهانی / لزوم تنوع و گوناگونی تاکتیکهای مبارزاتی

لیلا جدیدی

دستاوردهای مبارزات جهانی در سالی که گذشت

برای جنبشها و تحولات اجتماعی در سراسر جهان، سال ۲۰۱۲ سالی فوق‌العاده مهم و پرتحرک بود. در این سال خیزشهای مردمی با انگیزه یابی از یکدیگر، انرژی گرفتند و از اعتراضات فعالان محیط زیست گرفته تا جنبشهای مردم بومی، هر روز و هر هفته در گوشه‌ای از جهان اعتراضات خیابانی یا شورشهای قهرآمیز با مطالبات گوناگون سر برافراشتند. در سالی که گذشت، جنبشهای تازه‌ی نیز با ابتکارات تازه متولد شدند. نمونه‌ی آن جنبش "وال ستریت" بود که نام آن در کمک‌رسانی به قربانیان "توفان سندی" در نیویورک بار دیگر بر سر زبانها افتاد. در گزارشی به نام "پرونده مردم"، دستاوردهای مبارزات جهانی در سه بخش تشریح شده است که به گونه مختصر در زیر به آن می‌پردازم.

۱- **رشد جهانی ارتباطات:** "میلیونها تن از طریق رسانه‌های اجتماعی از جمله سایتها، تویتر، فیس‌بوک و تامبلر و در فضاهای اینترنتی که توسط شرکتها کوچک - و نه کمپانیهای بزرگ - ارایه شده، توانستند با یکدیگر در سراسر جهان در ارتباط قرار گیرند. این ارتباطات به سرعت گسترش پیدا کرده و از این رو امکانات تازه‌ای را برای جنبشها فراهم آورده است. یک نمونه آن تلویزیون "الجزیره" است که اعلام کرد با خرید یک امکان پخش تلویزیونی در آمریکا، در نشر خبرهای واقعی با رسانه‌های آمریکایی به رقابت خواهد پرداخت. در حال حاضر تنها در نیویورک و واشنگتن ۱۰ میلیون نفر صفحه انگلیسی این رسانه را مرور می‌کنند.



در سال گذشته، تعداد افرادی که رویدادها را از طریق رسانه‌های عمومی پیگیری می‌کردند، کاهش یافت و در نتیجه دیدگاه آنان در باره رویدادهای روز نیز دستخوش تغییر گردید.

بدیهی است که مردم ایران و فعالان جنبش نیز از این روند بی‌بهره نماندند، اگر چه با دشواری امکانات، وجود سد سانسور حکومتی و تهدید افتادن در دام مزدوران "ارتش سایبری" نیز روبرو بودند. به کارگیری این امکان و فرصتی که برای افشاگری در برابر دروغپردازیهای جمهوری اسلامی به وجود آورده و مهم‌تر از همه، ایجاد ارتباط بین مردم و فعالان، سازمانها و گروههای اپوزیسیون، زمینه را برای اعتراضات هماهنگ آتی فراهم آورده است.

۲- **جنبشهایی که منابع قدرتها را هدف قرار داده اند:** "از آنجا که بخش عظیمی از نارساییها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی که جامعه جهانی با آن روبروست، محصول نظام سرمایه‌داری است، ضرورت مبارزه با آن برای رفع ستم طبقاتی می‌بایستی هدف قرار می‌گرفت. در سال گذشته آگاهی طبقاتی و درک از ماهیت سرمایه‌داری رشد یافت و ایده‌های جایگزین بر سر زبانها روان شد. در سال ۲۰۱۲ بیشترین تعداد جستجو در "دیکشنری وبستر"، واژه‌های "سوسیالیسم" و "کاپیتالیسم" بود."



همچنانکه مردم سراسر جهان با نقش سرمایه داری در فقر و دیگر نابسامانیهای اجتماعی آشنا می شوند، کوشندگان چپ نیز توانستند جنبشهای آگاهانه و قوی تری را سازمان دهند.

۳- درک پیمودن راهی طولانی در مبارزه: "اکنون که تغییرات یکشبه صورت نمی گیرد و امری است که تنها در پروسه ای طولانی و پافشاری و پیگیری امکان پذیر است، مفهوم روشن تری پیدا کرده است. در یکی از تظاهرات "وال استریت"، جوانی بنری بر دست داشت که روی آن نوشته بود: "شما تا آخر عمر در این مبارزه خواهید ماند".

این واقعیت اکنون برای معترضان در سراسر جهان روشن شده است که مبارزه با ستم طبقاتی، مبارزه ای طولانی است و مراحل متعددی را طی خواهد کرد.

واقعیت این است که وقتی از خود می پرسیم برای نابودی سرمایه داری، پایان ستم، مبارزه برای حقوق بشر و غیره چه می توانم انجام دهم، باید پروسه ای طولانی را مد نظر گرفت. اگر به حاصل مجموعه مبارزاتی که تا کنون جامعه بشری سازمان داده و به پیش برده بنگریم، به شگفت انگیز بودن آن اقرار می کنیم. فداکاریهای پیگیر و عمیق و متعهد کردن زندگی خود به مبارزه تنها راه به دست آوردن پیروزیهای چشمگیر است".

در پایان این گزارش آمده است: "می توان جهان را تغییر داد. آموزگاران تغییر و تحول و انقلابها همچون کارل مارکس، رزا لوکزامبورگ، اما گلدمن، مارتین لوتر کینگ، چه گوارا و فهرستی که صفحات زیادی را پر خواهد کرد، انسانهایی بودند که زندگی آنها، چکیده مبارزه علیه ستمی بود که توسط سرمایه داران روا داشته شده است. آنها کسانی بودند که زندگی شان هر چه بود، "آسان" نبوده است. آنها به جای افراط گرایی و دل بستن به تغییرات آبی و یکباره، تا آخر عمر مبارز زندگی کردند".

هیچ امری برای یک سیستم ستمگر خطرناک تر از این نیست که همه زندگی یک فرد با ابتکارات مبارزاتی و احساسات و اراده عمیق انقلابی، متعهد به مبارزه علیه آن گردد. در سال گذشته افت و خیزها، شکست و پیروزیها این امر را به مبارزان رادیکال آموخت. از این رو آنان تسلیم نشدند و در برابر چشمان حیرت زده ستمگران اعلام کرده اند که تا آخر راه را خواهند رفت و مبارزه شان را به هر شکلی ضروری باشد، ادامه خواهند داد.

ضرورت تنوع و گوناگونی تاکتیکهای مبارزاتی در جنبشهای اجتماعی

درس آموزی از جنبشهای پیروزمند دارای اهمیت ویژه ای است. این تجربیات مسیر آینده را برای سازماندهی و تعیین جهتگیریهای سیاسی و مبارزاتی روشن می کند. یکی از آموزشهایی که نه تنها از انقلابهای گذشته، بلکه از مبارزات عصر کنونی که در شرایط تازه ای پیش می روند به دست آمده، این است که جنبشهای پیروزمند در سراسر جهان برای پیشبرد اهداف انقلابی خود همه ابزار و اشکال مبارزاتی را به کار گرفته اند. آنچه که بخشهای گوناگون این جنبشها در آن اشتراک داشته اند، بهره گیری از انواع اشکال مبارزاتی هنگامی که حتی تفاوتهای استراتژیک و یا ایدیولوژیک داشته اند، بوده است. به عکس، تضعیف جنبشها حاصل نزاعهای ایدیولوژیک یا استراتژیک درونی آنان بوده است .

پرسش این نیست که آیا جنبشی باید مسالمت آمیز باشد یا قهر آمیز؛ پرسش این است که چه نوع حرکتی در شرایط موجود نیاز به چگونه ابزار مبارزاتی دارد. تجربه جنبشها در گذشته و به ویژه در سالی که گذشت، بیانگر آن است که این جنبشها گوناگونی ایدیولوژیک، استراتژیک و تاکتیک را با خود حمل می کرده اند.

رنگین کمانی مبارزه در چنین جنبشهایی نه تنها از گوناگونی اقشار اجتماعی حاضر در میدان و تنوع شرکت کنندگان زن، مرد و جوان صرف نظر از شکل لباس و اعتقادات ایدیولوژیک سر چشمه می گرفت، بلکه همچنین ریشه در استفاده از همه ابزار و اشکال مبارزه بنا بر آنچه شرایط مشخص حکم می کرد نیز داشت. آنها از همه اشکال مبارزه از صندوق رای (در صورتی که امکان برگزاری انتخاباتی آزاد یا حتی نیمه آزاد وجود داشت) گرفته تا مبارزه برای اصلاح قانون، اعتراضات صنفی، تظاهرات عمومی، نافرمانی مدنی، تخریب اموال دولتی، درگیریهای مسلحانه، جنگ، شورش و همچنین اعتصابهای کوچک و بزرگ کارگری، به میدان فعال و مبارزاتی جدی کشیدن اتحادیه ها، تجمع در برابر کانونهای استثمارگر دولتی و در نهایت هرگونه حرکت قانونی و غیر قانونی، سود جستند .

در زیر به چهار نمونه از این اعتراضات به طور مختصر اشاره می کنم:

مردم سوریه، "روشنفکران" و "رهبران" انقلاب



بشار اسد، دیکتاتور سوریه روز یکشنبه ۶ ژانویه در یک سخنرانی اعلام کرد که به جنگ جنایتکارانه خود که نزدیک به دو سال است علیه انقلاب مردم جریان دارد، ادامه خواهد داد. او با اینکه "نقشه صلح" ارایه می داد، مخالفان خود را "تروریست"، "تندرو" و "الت دست دولتهای غربی" خواند. او در سخنرانی خود گفت: "این انقلاب نیست. یک انقلاب به روشنفکر نیاز دارد. کجا هستند روشنفکران این انقلاب؟ یک انقلاب به رهبر نیاز دارد. کجا هستند رهبران این انقلاب؟"

وی مانند همه دیکتاتورها مکانیزم جنبشهای توده ای را درک نمی کند. در خیزش سوریه، مانند دیگر جنبشهای توده ای، مردم خود را در کمیته های مردمی در سطح روستاها، محله ها، شهرها و مناطق سازماندهی می کنند و این از همان آغاز انقلاب شروع شد. در سراسر سوریه شوراها، انقلاب و همچنین کمیته های هماهنگی برای اقدامات سیاسی و نظامی تشکیل شد. استخوان بندی اصلی انقلاب همین کمیته های مردمی هستند. افزون بر بسیج مردم برای تظاهرات، اقداماتی برای اداره مناطق آزاد از طریق شوراها و نمایندگان منتخب مردم آن نیز صورت گرفت. این بهترین نمونه برای اثبات این امر است که رفتار هرج و مرج طلبانه، رفتار مختص به رژیم و نه مردم است.



مردم سوریه با به دست گرفتن سلاح و جنگ مسلحانه، زمان و ضرورت تغییر را خود تعیین کردند.

"ژوزف داهر"، عضو "انقلابیون چپ سوریه" و یکی از دو نویسنده کتاب "مطالبه مردم- تاریخ کوتاهی از انقلابات عربی"، در پاسخ به سووالهای بشار اسد می گوید: "رهبران این انقلاب زنان و مردانی هستند که به آن پیوسته اند و در کمیته های مردمی شرکت فعال دارند. رهبران سوریه، مردم سوریه هستند ."

روشنفکران؟ آنها همه جا هستند؛ هر جایی که پیامهای آزادی، کرامت انسانی و دولتی دمکراتیک، اجتماعی و سکولار را در برهه‌های به اهتزاز در آمده، بیان می‌کنند؛ روشنفکران آنها هستند که سکتاریسم را نفی می‌کنند و اعلام و تکرار می‌کنند که مردم سوریه یکی و متحد هستند. سخنرانی اسد لایق پرتاب لنگه کفش به چهره اش است. همانطور که مارکسیست ایتالیایی، آنتونیو گرامشی، می‌گوید: "دیگر روشنفکران نمی‌توانند بر تخت عاج بنشینند و فخر فروشی کنند. آنها باید در فعالیتهای انقلابی و اقدامات عملی، ساختن و سازماندهی به طور دایم شرکت کرده و پیگیر و پر تلاش در بین توده‌های مردم باشند".

بنابراین، روشنفکران تمام زنان و مردانی هستند که در این انقلاب نقش دارند. روشنفکران این انقلاب، مردم سوریه هستند".

بدون شک آنچه در سوریه می‌گذرد یک انقلاب واقعی است. مردم سوریه همواره به این پرسش که اقدام بعدی چه خواهد بود، پاسخ داده‌اند: انقلاب تا پیروزی! سوریه یک نمونه کامل و روشن از جنبشی است که برای پیروزی هیچ ابزاری را کنار نگذاشته و همچنان که سرکوب ادامه پیدا کرده، به اشکال سازمان یافته تر دست یافته است .

تظاهرات نمادین زاپاتیستا



روز ۲۱ دسامبر ۲۰۱۱، دهها هزار تن از اعضا و هواداران "زاپاتیستا" مکزیکی در تظاهراتی خاموش در روستاها و شهرها راهپیمایی کردند. تظاهر کنندگان در ردیفهای منظم و در سکوت مسیرهای تعیین شده را پیمودند. این یک اقدام نمایشی و سمبلیک برای اثبات توانایی "زاپاتیستا" در سازماندهی بود. تمامی شرکت کنندگان بر چهره‌های خود ماسک زده بودند تا بدین وسیله سازماندهی خود در جنبش مسلحانه "زاپاتیستا" را اعلام کنند.

جنبش "زاپاتیستا" همواره جنبشی بوده که مجموعه‌ای از روشهای مسالمت آمیز، اجتماعی و مسلحانه را با تشکیلاتی سازمان یافته نظامی پیش برده است. کسانی که پافشاری بر جنبش مسالمت آمیز دارند و "خشونت" را محکوم می‌کنند، در واقع چنین جنبشهایی را محکوم کرده‌اند .

مصر، "پیروزی در انقلاب یک کار آسان و فوری نخواهد بود"

"مصطفی علی"، یک فعال چپ مصری می‌گوید: "جوانان انقلابی در این مدت آموختند که پیروزی در انقلاب یک کار آسان و فوری نخواهد بود. آنها دریافتند که تظاهرات بزرگ و توده‌ای در "میدان تحریر" کافی نیست و طبقه حاکمه با خشونت و سرکوب و ستم حاضر است برای حفظ قدرت از همه امکانات خود استفاده کند".



وی می‌گوید: "فکر می‌کنم این امر برای بسیاری از مردم جا افتاده است و از این رو بدانها کمک می‌کند تا خود را برای مبارزاتی طولانی تر آماده کنند. آنها می‌دانند که نباید به ارتش و "احوان المسلمین" اعتماد کنند. اکنون موجی تازه‌ای از جوانان به انقلاب پیوسته است که درک می‌کنند، کس دیگری نیست که انقلاب را برای آنها به فرجام برساند و تنها با نیروی خودشان مبارزه ادامه خواهد یافت".



برای اولین بار پس از آغاز بحران اقتصادی، روز ۱۴ نوامبر، اتحادیه های کارگری اروپا تظاهرات و اعتصابات را در ۲۳ کشور سازماندهی کردند. میلیونها نفر از کارگران دست از کار کشیدند و به راهپیمایی در برابر پارلمانهای سراسر این قاره پرداختند. درگیریهای خونین خیابانی در اسپانیا، پرتغال و ایتالیا بر پا شد و این کشورها را از بنیان به لرزه در آورد. از روزها پیشتر، اتحادیه های کارگری این روز را روز همبستگی علیه سیاستهای ریاضتی دولتهای اروپایی و اعتصاب عمومی اعلام کرده بودند. اعتصاب عمومی کارگران در اسپانیا و پرتغال به شکلی هماهنگ صورت گرفت، به گونه ای که تمامی وسایل نقلیه از جمله اتوبوسها، مترو، قطار متوقف شده و حتی بسیاری از پروازهای هواپیماییها لغو گردید. کارگران در کشورهای یونان، فرانسه، ایتالیا و بلژیک از کار دست کشیده و راهپیماییهای اعتراضی آنان در بسیاری از شهرها جریان یافت.

کارگران و زحمتکشان در کشورهای اروپایی با اعتصاب و اعتراضهای همزمان نشان دادند که علت نابسامانیها و بحرانهای اقتصادی سرمایه دارانی هستند که از جانب حکومتها حمایت می شوند. این اتحاد و همبستگی شگفت انگیز، پتانسیل سازماندهی و میزان آگاهی کارگران را به نمایش گذاشت.

در سال پیش رو، مردم سراسر جهان با انبانی از آموزشهای پر اهمیت سال گذشته به مبارزات خود علیه ستم و فقر طبقاتی، سرکوب و نبود آزادیهای سیاسی و اجتماعی ادامه خواهند داد. همزمان آنها باید برای مبارزه با سه خطر بزرگ جهانی که همه انسانهای روی زمین را تهدید می کند، مبارزه ای بی امان را سازماندهی کنند؛ مبارزه علیه نابودی محیط زیست، علیه بیماریهای همه گیر و علیه سلاح هسته ای.

ژرفش نزاع سیاسی و اعتراضهای مردمی در عراق و پیامدهای آن

آناهیتا اردوان

صحنه سیاسی کشور عراق با دستگیری محافظان "رافع العیساوی"، وزیر امور مالی عراق، و تشدید اختلافات بین دولت بغداد و اقلیم کردستان، شاهد ژرفش کشمکشها و نزاع احزاب سیاسی با ائتلاف دولت قانون از یکسو، و تعمیق اعتراضهای مردمی از دیگر سو است. بحرانهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که بیش از هر چیز برآیند عدم پایداری دولت نوری مالکی به توافقهایی نشست اربیل و اعمال سیاستهای خصمانه جهت حذف رقبای سیاسی می باشد، با چنان روند رو به رشدی روبروست که عزم مردم در سرنگونی دولت وی را هر لحظه جزم تر می کند. اکنون، اعمال سیاستهای خصمانه که منافع رژیم حاکم بر تهران جهت تشکیل و تثبیت خاورمیانه اسلامی را در برمی گیرد، از سقف تحمل جامعه فرا تر رفته و مردم را مصمم تر از پیش جهت تعیین تکلیف با دولت نوری مالکی به خیابانهای کشور کشانده است. سیر روند تحولات در عراق بیانگر این حقیقت است که بحرانهای خودساخته به فرمان ولی فقیه در تهران توسط مالکی، با اعتراضات پیوسته مردم به ضد خود بدل گردیده و پیکره دستگاه خودکامه او را به لرزه در آورده است. با تضعیف قدرت سیاسی نوری مالکی، رقبای سیاسی وی متشکل از "العراقیه" و "جریان صدر" بیشتر بر مشارکت در ساختار قدرت پای می فشارند.

به موازات کارشکنیهای طویل المدت و اهمیت جدی ندادن دولت نوری مالکی به خواستههای مخالفان، اعتراضات و تظاهرات مردمی به ویژه در استانهای سنی نشین باوجود بمب گذاریها، دستگیریها و وحشت آفرینی از طریق ترور شخصیتهای سیاسی ادامه دارد. تداوم یافتن تظاهرات و تحصن در شهرهای موصل، سامرا، رمادی، بیجی، تکریت، بلد، شرقاط، فلوجه، حدیثه، ضلوعیه و قائم با شعار سرنگونی دولت نوری مالکی، تجمع جمعیت عظیمی از عراقیها در بغداد و شهرهای مختلف استانهای الانبار، نینوا، کرکوک، دیالی و صلاح الدین با شعار "فریب نمی خوریم"، فراخوان ائتلافها و جنبشهای جوانان انقلابی عراق به شرکت در تظاهرات و اعلام آمادگی کمیته مردمی سازماندهنده تظاهرات برای برگزاری تظاهرات میلیونی در عراق، بر پلورالیسم، رادیکالیسم و سازمانیافتگی اعتراضهای مردمی جهت سرنگونی دولت نوری مالکی تاکید می ورزد.

شایان توجه است که در این روند، معترضان در شهر سنی نشین فلوجه با برگزاری تظاهراتی، دولت نوری مالکی را تهدید کردند که برای دفاع از "العیساوی" و مخالفت با حذف سنیها از قدرت سیاسی، سلاح به دست خواهند گرفت. در استان الانبار معترضان جاده بین المللی که بغداد را به عمان و دمشق وصل می کند را مسدود کردند. آنها از دولت مرکزی خواستند، اقداماتی که "ضد سنی" می نامند را متوقف کند. معترضان همچنین علیه بشار اسد، رییس جمهور سوریه، و نوری مالکی، نخست وزیر عراق، شعار دادند. در این تظاهرات، "العیساوی" و شماری از نمایندگان پارلمان و نیز شیوخ قبایل جنوب عراق شرکت داشتند. توقف اعدامها، آزادی زندانیان سیاسی، لغو ماده ۴ تروریسم، توقف حملات و دستگیریها و سیاستهایی که به حاشیه کشانده شدن جمعیت سنی عراق انجامیده، از مهمترین خواستههای معترضان است.

در هنگام نوشتن این مطلب، به گزارش "تلویزیون بغداد" بزرگترین تظاهرات موسوم به تظاهرات میلیونی در ۲۷ شهر و منطقه بغداد از ۶ استان با شعار "زمین را زیر پای مالکی بلرزانیم" در جریان است. تظاهر کنندگان که توسط کمیته های تشکیل شده در هر محل هماهنگ شده اند، به طور یکپارچه از مذاکره با نمایندگان و هیاتهایی که نوری مالکی فرستاده بود، خودداری کردند و خواستار اجرای بی چون و چرای خواسته های خود شدند. در پلاکاردهای تظاهر کنندگان از جمله نوشته شده است: "پیام به سازمانهای بین المللی: ما دارو و غذا نمی خواهیم، ما زندگی شرافتمندانه می خواهیم"، "۱۰ سال فریب کافی است"، "نه به آمریکا، نه به رژیم ایران"، "نه به طایفه گری، نه به تجزیه"، "مالکی برو گمشو!"

"مبارک گفت اینها ولگرد خیابانی هستند، تو هم گفתי حباب هستند"، "مبارک و مالکی دو روی یک سکه اند"، "اوباما اگر صدای ما را نمی شنوی، آیا نمی توانی تصویر ما را ببینی؟"

"تلویزیون بغداد" شمار شرکت کنندگان در تظاهرات اخیر در استان صلاح الدین را نزدیک به یک میلیون تن گزارش کرده است. این تظاهرات باوجود اعمال محدودیتها و تدابیر شدید امنیتی به فرمان مالکی، شامل بستن جاده ها جهت جلوگیری از پیوستن مردم به تظاهرات کنندگان و ممنوع ساختن ورود رسانه ها به محل تظاهرات برپا می شود. شمار زیادی از سازمانهای غیردولتی و شوراهای عشایر شهرهای مختلف جنوب به تظاهرات در استانهای صلاح الدین و انبار پیوسته اند. عشایر استانهای ذیقار و سماوه و عشایر کربلا همبستگی خود را با تظاهرکنندگان و متحصنان اعلام کرده و کمیته ای را برای اتحاد و نفی طایفه گری تشکیل داده اند. همزمان با عراق، عراقیهای مقیم سایر کشورها از جمله آمریکا، هند، فنلاند و سوئد نیز در مقابل سفارت عراق در این کشورها دست به تظاهرات زده و بر خواستهای هموطنانشان در عراق تاکید ورزیدند. تظاهر کنندگان اعلام کردند تا هنگامی که دولت خواسته هایشان را برآورده نسازد، به خانه برنخواهند گشت. سخنرانان در تظاهرات مزبور تاکید ورزیده اند که خواستار سرنگونی دولت مالکی هستند و به فرمان هیچ سیاستمداری گوش نخواهند داد.

"منتظرالزیدی"، خبرنگار سرشناس عراقی و شخصی که به بوش کفش پرتاب کرد، همراه با گروهی از شهروندان جنوب در تظاهرات شرکت جسته و در سخنانی گفت: "ما آماده شهادتیم. ما را شکنجه دادند. صدایمان را بشنوید، صدایمان را از جنوب در فلوجه شجاع، فلوجه مقاوم بشنوید! ما این جا به اسم شما از اهالی جنوب هستیم. از امروز دیگر به پیشنهاد و شراکت و فریب هیچ سیاستمداری گوش نمی دهیم، هر کسی که می خواهد باشد. به نام شما و در سرزمین شما می گویم، دیگر دست بسته باقی نخواهیم ماند. به خدا قسم اگر خواستها برآورده نشود، همه ما، چه شیعه و چه سنی از همین جا و از همین انبار به سمت بغداد کنده می شویم، منطقه سبز را محاصره می کنیم و زندانیان را با دستان خودمان آزاد خواهیم نمود."

سخنان منتظرالزیدی به عنوان یکی از مهمترین سازمان دهندگان تظاهرات اخیر به همراه ائتلافهای گردانهای گوناگون اجتماعی نشان از ارتقا سطح آگاهی و عملکرد مردمی دارد که تا رسیدن به هدف از پای نخواهند نشست.

ائتلاف "العراقیه" به رهبری ایاد علاوی و صالح المطلک، معاون نخست وزیر عراق، نیز خواستار استعفای کابینه مالکی و برگزاری انتخابات زودرس شده اند. در این راستا، رهبران ائتلافها و احزاب سیاسی گوناگون از نمایندگان پارلمان دعوت به عمل آوردند تا با برگزاری جلسه ای رسمی، استیضاح نوری مالکی را اجرایی کنند، اما به دلیل عدم شرکت نمایندگان جریان صدر، تعداد نمایندگان شرکت کننده با اختلاف سه نفر به حد کفایت (۱۶۳ نفر) نرسید. جلسات پارلمانی متعددی متشکل از نمایندگان گرایشات مختلف در ماه گذشته به همین منظور برگزار گردیده که حداقل در یکی از آنها درگیری لفظی بین نمایندگان ائتلاف "العراقیه" با ائتلاف "قانون" و سپس درگیری فیزیکی بین جریان صدر با نمایندگان ائتلاف "قانون" سبب تعطیلی مجلس شد.

اگرچه ائتلاف "العراقیه" به مثابه گرایشی سکولار و ملی از هیچ ابزار اعمال قدرتی بهره مند نیست و تا کنون در افشای نقش و توطئه های نوری مالکی نقش بسیار عمده ای ایفا کرده است، اما مطالبات رادیکال مردم مبنی بر تغییر ساختار سیاسی، در چارچوب خواسته های آن نمی گنجد. در همین رابطه زمانی که صالح المطلک، معاون نخست وزیر از لیست "العراقیه"، جهت آرام ساختن شرایط به منطقه تحصن معترضان در استان الانبار رفت، با خشم مردمی روبرو گشت که به حضور او در دولتی که آنان خواستار سرنگونی اش هستند، اعتراض می کردند.

شعارهای مردم نه تنها ساختار سیاسی و نمایندگان دولت، بلکه نمایندگان سرمایه داری جهانی و نهادهای وابسته به آن را نیز هدف قرار داده است. بدین لحاظ، مردم رمادی ادعای کوبلر، نماینده سازمان ملل، مبنی بر تند بودن شعارها و حرکات اعتراضی و گفتگوی وی با نمایندگان مجلس به جای مردم را به سخره گرفته و خواستار عزل وی توسط سازمان ملل شده اند.

نوری مالکی اگر چه در برهه ای زیر فشار از پایین و جهت کنترل اوضاع با آزادی برخی زندانیان سیاسی از جمله زنان موافقت کرد. اما هنگامی که با تداوم و مقاومت مردم به ویژه در مناطق سنی نشین روبرو شد، دوباره شیوه سرکوب را در دستور کار قرار داد. انفجارهای تروریستی در مناطق شیعه نشین و ترور شخصیت‌های سیاسی از جمله "عیفان السعدون العیساوی"، نماینده استان الانبار از لیست "العراقیه" به دنبال شرکتش در یک تظاهرات ضدمالکی در فلوجه، با هدف انحراف اعتراضات مردمی و دامن زدن به جنگهای سکتاریستی صورت می پذیرد.

یکی از دلایل کشاکشهای سیاسی، نزاع بر سر حق مالکیت و بهره برداری از منابع طبیعی و منافع نفتی و محدوده مرزی میان دولت نوری مالکی و حکومت اقلیم کردستان است که در ماه جاری تشدید شده است. پیرامون رهیافت از این کشاکش سیاسی، سه پروژه ی تجزیه، توافق بین بغداد و اربیل یا سرکوب خشن جهت استقرار دیکتاتوری تمام عیار در چشم انداز قرار دارد.

برخی تحلیلگران سیاسی تجزیه کردستان را از جنبه های مختلف بعید ارزیابی می کنند. یکی از مهمترین آنها این است که جدا شدن کردستان از کشور عراق به معنای تضعیف موضع رژیم به عنوان یکی از حامیان اصلی مالکی است. همزمان، یک کردستان مستقل، کردهای کشورهای دیگر از جمله ترکیه و ایران را به پیوستن به کشور کردستان جدید تشویق می کند و این موضوعی نیست که ساختارهای سیاسی کشورهای عربی منطقه، ترکیه و ایران خواستار آن باشند.

توافق بین دولت بغداد و اربیل هم به معنای عقب نشینی نوری مالکی از موضع استبدادی اش است. به بیان دیگر، نوری مالکی می بایست به حق مشروع احزاب سیاسی دیگر برای شرکت در ساختار قدرت تن دهد که این نیز به معنای تضعیف سیاستهای رژیم در منطقه است، زیرا وقتی قدرت انحصاری نباشد، شرایط و فضای بازی ایجاد می کند که توده ها بهتر می توانند از آن استفاده کنند و دستان اشغالگران و مستبدان را از دخالت در مسایل داخلی شان کوتاه کنند.

سرکوب خشن جهت استقرار یک دیکتاتوری تمام عیار نیز با توجه به بافت جامعه عراق و با نگاه به تظاهرات اخیر، پیامدهای سختی برای دولت نوری مالکی و رژیم به همراه خواهد داشت. سرکوب شاید بتواند به طور مقطعی تاثیرگذار باشد، اما با توجه به شرایط حساس منطقه و قیام مردم در کشورهای دیگر عربی، قادر نیست ره به تسلط ببرد.

پاسدار "ناصر شعبانی"، جانشین فرمانده "دانشگاه امام حسین"، در بخشی از مصاحبه اش با روزنامه "قدس" مورخ ۲۵ دی می گوید: "اگر ما بتوانیم از این بحران عبور کنیم و تا آذر سال آینده وضع سوریه همین باشد و عراق با ثبات و ایران نیز این تحریمها را پشت سر بگذارد، من می گویم که ما در مهندسی ساختار قدرت در نظام بین الملل الهام بخشی داریم. اگر تا دو ماه دیگر وضعیت در ایران و سوریه و عراق همین گونه که حال است باشد، غرب ما را دعوت به همکاری می کند".

در جملات این کارگزار رژیم می توان دریافت که دولت کنونی عراق مهمترین پل ارتباطی با سوریه جهت حمایت‌های سیاسی، مالی و نظامی از دیکتاتوری بشار اسد و جلوگیری از انقلاب مردم به شمار می رود. بحران سیاسی نوری مالکی با توجه به تشدید اعتراضات رقبای سیاسی و تداوم تظاهرات مردمی که شرح مختصری از آن در این مطلب آمد، وضعیت رژیم و اهداف ننگین آن را با چالشهای فراوان و جدی روبرو خواهد ساخت. هرگونه تغییر توازن قوا به نفع حق مشروع احزاب سیاسی عراق برای شراکت در قدرت، به نفع مردم کل منطقه و به زیان اهداف مرتجعانه رژیم در منطقه است.

سیاست، دیدگاه.....

استبداد سیاه پرتوهای امید را خواهد بلعید

شهره صابری

در آستانه ی ورود به انتخابات ریاست جمهوری در ایران آشفتگی در روبنای سیاسی بیش از پیش واضح شده است. برخورد منافع گروههای متضاد درون نظام موجب واکنشها و موضع گیریهایی آشکار شده است. محمد رضا خاتمی و جبهه ی اصلاح طلبان که مطرود نظام واقع شده اند، بر کوس نارضایتی خود کوبیده، حق و حقوق پایمال شده ی خود در چهارچوب نظام را مطالبه می کنند. گفته های طعنه آمیز و تمسخر آمیز خاتمی در مورد اظهارات رهبری، مبنی بر برگزاری انتخابات آزاد در ایران نشانی از تاکید خاتمی و گروهی از اصلاح طلبان بر مواضع قدرت طلبانه آنها در نظام حاکم است.

در این میان افرادی مانند عسگر اولادی وخامت اوضاع رژیم را درک کرده در پی بازسازی آن هستند. پس از اظهارات عسکراولادی تفسیرها، تحلیلهای و نقدهای گوناگونی از سوی جناحهای درون نظام به او وارد آمد که چیزی غیر از آشفتگی و از هم گسیختگی پیوند جناحهای درون رژیم استبدادی را نشان نمی دهد.

محمد غروی عضو شورایی عالی حوزه های علمیه قم، در گفت و گو با سایت ۱۹ دی، درباره ی مواضع جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم گفت: "در جلسه جامعه مدرسین دیدگاههای آقای عسکراولادی طرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت ولی هیچ تصمیمی در مورد آن گرفته نشد." وی با بیان این که مواضع جامعه مدرسین از طریق اطلاعیه رسمی و یا توسط رئیس اعلام می شود، افزود: "بقیه حضرات اعضای محترم جامعه مدرسین تنها نظرات خودشان را بیان می کنند... آقای عسکراولادی یک مطلبی را اظهار کرده اند هر چند مورد پسند ما نباشد ولی آن را از روی صدق و صفا و با نیت خوب گفته اند. نباستی به خاطر این اظهارات به شخصیت ایشان جسارت شود." وی افزود: "آقای عسکراولادی از یاران اولیه امام و انقلاب بودند که تعداد آنها به انگشتان یک دست هم نمی رسد. و در این سالها در خدمت مردم و انقلاب بوده و هیچ گاه طلبکار نبوده است. نباید برخی از افراد برخوردی کنند که ضد انقلاب خوشحال شوند." غروی هرگونه برخورد افراطی با "شخصیتهای اسلامی و انقلابی که از استوانه های نظام و انقلاب" هستند را ضربه به انقلاب توصیف و بر حفظ حرمت شخصیتهای تأکید کرد. وی گفت: "آقای عسکراولادی از ارکان اصولگرایان هستند. امروز بعضیها خوشحال می شوند که از داخل اصولگرایان به ایشان اسائه ادب شود. برخی افراد نباید کاری کنند که مخالفان اصولگرایان خوشحال شوند." دبیر کل حزب موتلفه اسلامی، همگرایی اصولگرایان در انتخابات ۹۲ را مهم خواند و تأکید کرد: "اصولگرایان در مسیر خوبی برای ائتلاف حرکت می کنند." به گزارش ایسنا، محمدنبی حبیبی در پایان نشست دبیران حزب موتلفه اسلامی اظهار کرد: "نامزد نهایی ائتلاف بخش عظیمی از اصولگرایان قطعا با تیم به میدان خواهد آمد که این تیم او را در تشکیل کابینه بدنه اجرایی کشور همراهی خواهد کرد."

مواضع اعلام شده از سوی برخی از اصول گرایان حاکی از این است که از هم گسیختگی امور و آشفتگی اوضاع فعلی زنگ خطر و هشدار جدی برای نظام حاکم بر ایران با تمامی جناحها و باندهای درون آن است. از این روست که رژیم ایران زمینه را برای مقابله با بروز حرکتیهای مردمی و واژگونی کامل رژیم آماده می کند تا ظرفیت ترمیم خود را در صورت بروز تحولات اجتماعی بعد از انتخابات بالا برد.

اما استبداد و خودکامگی رهبری این فرصت را از رژیم خواهد گرفت. استبداد سیاه پرتوهای امید برای پیوند جناحها و جریانات درون رژیم را در خود خواهد بلعید. استبداد به سان موریانه ای در حال جویدن پایه های حاکمیت است.

همچنین رژیم برای مقابله با بروز تحركات اجتماعى در جريان انتخابات به سبب به میدان کشیده شدن مردم، دستگاههای سرکوب گری خود را به فعال کرده است. جانشین رییس سازمان بسیج مستضعفین گفت: بسیج برای مقابله با هرگونه فتنه احتمالی به ویژه در انتخابات سال ۹۲ در آمادگی کامل بسر می برد.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه خراسان، سردار علی فضلی در حاشیه مراسم اعزام کاروانهای راهیان نور در مشهد در جمع خبرنگاران اظهار کرد: "هیچ دغدغه ای برای مقابله با فتنه احتمالی انتخابات سال ۹۲ وجود ندارد."

وی با بیان اینکه "مردم ولایتمدار ایران اسلامی از فتنه ۸۸ سربلند بیرون آمدند ولی برخی خواص مردود شدند"، افزود: "در سال ۸۸ قبل از وقوع فتنه برای مقابله با آن هیچ برنامه ریزی نشده بود اما حضور به موقع مردم ایران اسلامی موجب خنثی شدن توطئه های فتنه گران شد. مردم ولایتمدار و وفادار به آرمان های بلند انقلاب اسلامی ایران با بصیرتی که دارند تمام تحركات فتنه گران و ساکتین فتنه را هوشمندانه رصد و در وقت مقتضی اقدام خواهند کرد."

چنانکه می بینیم بوی سازگاری از سوی مستبدترین جناح درونی نظام نمی آید. خاتمی در دیدار با اعضای حزب اراده ی ملت ایران گفته است "ما می گوئیم انتخابات آزاد یعنی انتخاباتی که از جمله مهندسی نشود. وقتی که یک شخصیت حقیقی که ممکن است شخصا هیچ اعتباری هم نداشته باشد ولی انتصاب به یک جایگاه مهم حقوقی دارد که رسماً، قانوناً و شرعاً حق دخالت در انتخابات ریاست جمهوری را ندارد رسماً می گوید مهندسی کردن منطقی و معقول انتخابات وظیفه ی ماست."

این گفته ها دلیل بر تضاد و برخورد این دو جناح در رژیم است که نمی توانند با یکدیگر سازش کنند. در این میان بخشی از اصول گرایان شرایط خطیر فعلی را درک کرده در پی وصله کردن تکه پاره های رژیم هستند که موفقیت آنها امری بعید به نظر می آید. آینده ای روشن با فروپاشی نظام در راه است. آینده زا نمی توان به زنجیر کشید، مگر با شناخت عرصه ی عمل اجتماعی و اراده و مبارزه جمعی طبقه ی محروم و محکوم.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

چه کسی زنان کرد را در پاریس ترور کرد؟

سنابرق زاهدی

در پاریس چه گذشت؟

دیرگاه شب چهارشنبه - پنجشنبه (۹/۱۰ ژانویه) پلیس فرانسه اجساد سه زن کرد اهل ترکیه در مرکز اطلاع رسانی کردستان در شهر پاریس را کشف کرد. به گفته خبرگزاری فرانسه این سه تن هرکدام با یک گلوله در سرشان به قتل رسیده بودند. یکی از این سه تن خانم سکینه جانسیز، ۵۵ ساله، از بنیانگذاران حزب کارگران کردستان ترکیه و نخستین زن عضو ارشد این سازمان بوده است. دو تن دیگر خانم فیدان دوگان، ۳۲ ساله، رییس مرکز اطلاع رسانی کردستان و

نماینده کنگره ملی کردستان در فرانسه و دیگری خانم لیلا سولماز، ۲۵ ساله، مقیم بلژیک و عضو کنگره ملی کردستان بوده است.

بنا به اظهارات مقامات رسمی، درب ورود به آپارتمانی که این سه تن حضور داشته اند کد داشته است. در عین حال گفته می شود که محل وقوع جرم و همچنین شخص خانم جانسیز با توجه به موقعیتش در حزب تحت نظر و مراقبت پلیس هم بوده است.

لئون ادارت نماینده فدراسیون انجمن کردها در فرانسه به کانال خبری بی اف ام گفت: در این دفتر هیچ دوربین مدار بسته ای نبوده و اضافه کرد؛ تحقیقات اولیه نشان می دهد که همسایه ها هیچ صدایی نشنیده اند. (یعنی شلیک با صداخفه کن همراه بوده است) به این ترتیب اندکی تردید در وقوع یک عمل تروریستی بسیار حرفه ای باقی نمی ماند.



عامل ترور کیست؟

پس از این واقعه هواداران حزب کارگران کردستان ترکیه به سرعت در تجمعی در برابر محل جنایت علیه ترکیه شعار دادند. برخی از مقامات کشوری و حزبی ترکیه نیز این عمل را تصفیه حسابهای درونی حزب کارگران کردستان دانستند. مقامات فرانسوی، همچون وزیر کشور فرانسه که در محل حاضر شد، و همچنین مقامات پلیس اعلام کردند که باید منتظر تحقیقات بود.

فرانسوا هولاند رییس جمهور فرانسه گفت یکی

از مقتولان را شخصا می شناخته و اعلام کرد برای شناختن درست دلایل و عوامل این جنایت باید منتظر تحقیقات بود. معاون نخست وزیر ترکیه این قتلها را محکوم کرد و دست داشتن کشورش را تکذیب نمود.

آقای طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه که در داکار به سر می برد، ضمن یادآوری اینکه ممکن است این جنایت نتیجه تصفیه حسابهای درون حزبی باشد اضافه کرد: «این قتلها می تواند با انگیزه اخلاگری در روند صلح باشد». رمزی کارتال که یکی از رهبران کنفرانس ملی کردستان است گفت: «این یک جنایت سیاسی است. اوجالان و دولت ترکیه مذاکرات صلح را شروع کرده اند. ترکها هم خواستار گفتگو هستند. اما طرفهایی هستند که با حل مسئله کردها مخالفند و می خواهند جریان صلح را خراب کنند».

به تدریج این فرضیه بیشتر و روشنتر بیان گردید. امره اوسلو، یکی از اعضای سابق پلیس ضد تروریسم ترکیه در این زمینه گفت: «صلح میان دولت ترکیه و کردها، دیگران مثل ایران و سوریه را آشفته می کرد.»

روزنامه نیویورک تایمز در شماره جمعه ۱۱ ژانویه خود در مقاله ای در «نظریه ها و انگیزه های این قتل» از قول متین جانسیز برادر سکینه جانسیز از جمله چنین نوشت: «متین گفت خانواده او متقاعد است که خواهرش قربانی یک ترور حرفه ای بوده است. او گفت هدف از این کار اخلال در مذاکرات صلح است که به تازگی برای پایان دادن به دهه ها درگیری خونین میان دولت ترکیه و پ ک ک آغاز شده است...خواهر من در حمایت از روند صلح زندگی خود را پرداخت...» او گفت: «بسیاری از شورشیان کرد بر این باورند که ناسیونالیستهای ترکیه در پشت قتل قرار دارند. اما نظر

متقابلی هم وجود دارد، و برخی از شورشیان این باورند که ایران می تواند این حمله را به عنوان یک راه برای بی ثبات کردن ترکیه هدایت کرده باشد، چرا ترکیه در برابر متحد ایران، یعنی بشار اسد در سوریه ایستاده است.»

واقعیت چیست؟

به این ترتیب هر چند احتیاط حکم می کند که منتظر تحقیقات بمانیم تا حقیقت روشن شود، اما در عین حال بسیاری حقایق گویا هستند که در جواب به سؤال اصلی می توان روی آنها متمرکز شد:

۱. دولت ترکیه رسماً دست داشتن در این جنایت را تکذیب کرده است. در عین حال که انجام عملیات تروریستی از این نوع، در تاریخچه دولت ترکیه سراغ نداریم

۲. اینکه این کار توسط جناحهای داخل پ. ک. انجام شده باشد واقعی نیست، چرا که به نظر می رسد مذاکره خواست عمومی این حزب است و عبدالله اوجلان هنوز تمامیت حزب را نمایندگی می کند.

۳. نسبت دادن این جنایت به دولت سوریه هم در این شرایط واقعی به نظر نمی رسد. بشار اسد اکنون نمی تواند دروازه های دمشق را کنترل کند. بنابر این توانایی سازمان دادن عملیاتی با این درجه از دقت و پیچیدگی را ندارد.

۴. تنها رژیم می که بیشترین منافع را در این جنایت دارد رژیم آخوندی حاکم بر ایران است چرا که:

- سیاست رژیم ایران حفظ دولت سوریه و حمایت از آن است و سیاست دولت ترکیه به عکس، سرنگونی رژیم سوریه است. - رژیم ایران با حمایت از پ. ک. ک. پیشرفت سیاست ترکیه در سوریه را به گروگان گرفته است.

- دولت اردوغان مذاکرات صلح با پ. ک. ک. را آغاز کرده و این مذاکرات تا مراحل هم پیش رفته است. با این مذاکرات برگ بازی رژیم ایران از دستش خارج می شود و در نتیجه دولت ترکیه می تواند سیاست فعال تر خود را در سوریه پیش ببرد.

۵. از سوی دیگر تکنیک بکار رفته در عملیات ترور بسیار شبیه عملیات تروری است که رژیم آخوندی دهها مورد آن را علیه اپوزیسیون خود طی سالهای گذشته به اجرا درآورده است. به طور خاص این کار بسیار شبیه ترور عبدالرحمان قاسملو و دو همراه او در وین در سال ۱۹۹۳ می باشد.

به این ترتیب منطق سیاسی و تکنیک کار به رژیم ایران اشاره دارند. آیا تحقیقات هم همین حقیقت را نشان خواهد داد؟

مؤخره

روز ۲۵ ژوئن سال ۱۹۹۵ یک کامیون انفجاری یک ساختمان عظیم به نام «خَبَر» را در شهر ظهران عربستان هدف قرارداد. ساختمان مزبور محل سکونت سربازان آمریکایی مقیم عربستان بود. در نتیجه آن انفجار بزرگ ۱۹ سرباز آمریکایی کشته و بیش از ۵۰۰ تن از آنها زخمی شدند.

دو سه روز بعد از این واقعه هفته نامه معروف المجله مصاحبه ای با رییس جمهور برگزیده مقاومت در لندن انجام داد. در این مصاحبه صالح قلاب، که بعداً وزیر تبلیغات اردن شد، از خانم رجوی سؤال کرد که چه کسی پشت این انفجار قرار دارد. خانم رجوی در پاسخ گفت هیچکس به جز رژیم آخوندی از این عمل تروریستی سود نمی برد.

در آن زمان هنوز مقاومت ایران اطلاعات دقیق و کامل در مورد نحوه انجام آن جنایت توسط سپاه پاسداران بدست نیاورده بود. بعداً این اطلاعات کامل شد و در یک کنفرانس مطبوعاتی با تمام جزئیات و اسامی پاسداران فرمانده و دست اندرکار آن جنایت اعلام گردید.

بعدها به نوشته مجله نیویورک رفسنجانی در پاسخ ولیعهد آن زمان عربستان (ملک عبدالله پادشاه کنونی این کشور) در اسلام آباد به او گفت که خامنه ای پشت آن عمل تروریستی بوده است.

کارگران و مزدبگیران.....



برخی از حرکت‌های اعتراضی

کارگران و مزدبگیران

در دی ماه ۱۳۹۱

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

* بخشی از کارگران صنایع فولاد و ذوب آهن اصفهان چند روزی هست که در داخل خیابان نشاط اصفهان و بیشتر در رو به روی استانداری اصفهان دست به تجمع اعتراضی می‌زنند. به گزارش روز یکشنبه ۳ دی وبسایت همبستگی ملی، این کارگران که در جلوی استانداری تجمع کرده بودند همراه خود پلاکارد آورده بودند و روی آن درخواست‌هایشان را نوشته بودند.

* کارگران پیمانی کارخانه فجر در منطقه ویژه ماهشهر روز دوشنبه ۴ دی، اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا این کارگران به نامشخص بودن وضعیت جذب نیروها و پرداخت نشدن مزایایی که پیش‌تر قول آن داده شده بود دست از کار کشیدند.

* کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان روز سه شنبه ۵ دی با تجمع در مقابل ساختمان شهرداری اصفهان خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، این کارگران با وجود سختی کار در این حوزه، هیچگونه حق سختی کاری به آنان تعلق نمی‌گیرد. علاوه بر این کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان از مرخصی استعلاجی، افزایش دستمزد و اضافه کاری نیز محروم هستند.

* کارخانه ۱۰۰ هزار تنی شکر و ۱۷۵ هزار تنی تصفیه شکر شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا بعد از ظهر سه شنبه ۵ دی با حضور محمود احمدی نژاد در اهواز افتتاح شد و به گزارش مهر همزمان کارگران کارخانه قند اهواز تجمع اعتراضی برپا داشتند.

* بازنشستگان ذوب آهن اصفهان به دلیل عدم پرداخت معوقاتشان، روز سه شنبه ۵ دی، دست به اعتراض چندباره زدند. به گزارش خبرگزاری حکومتی فاز، در سومین دوره از این اعتراضات گروه بزرگی از این افراد در چهار راه نقاشی تجمع کرده و مسیر خیابان نشاط را سد کردند.

* حدود ۱۸۰ تن از کارگران کارخانجات صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ در روز سه شنبه ۵ دی در اعتراض به عدم پرداخت سنوات خود و بی توجهی مسئولان استانداری تهران به وعده‌های شان در مقابل این استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران در این تجمع پلاکارد بزرگی را در دست داشتند که در آن نوشته بودند: ما کارگران بازنشسته صنایع فلزی بیش از سه سال است سنوات خود را دریافت نکرده ایم. این کارگران یک روز قبل با برگزاری مجمعی در محل کارخانه و شنیدن گزارش نمایندگان خود تصمیم به تجمع در مقابل استانداری تهران گرفتند.

*کارگران و رانندگان اخراجی معدن طلای "آغ دره"، در روز چهارشنبه ۶ دی در مقابل فرمانداری رژیم در تکاب دست به اعتراض زدند. به گزارش وبسایت پیام، فرماندار با مشاهده چنین وضعیتی و ترس از کشیده شدن اعتراض به داخل شهر در یک فراقکنی و شانه خالی کردن از مسئولیت خود، معترضان را به کارفرما ارجاع داد. سپس کارگران و رانندگان با تجمع در مقابل کارخانه پس از ساعتها بلاتکلیفی و عدم پاسخگویی مسئولان و مدیران، به اعتراض خود ادامه می دهند و کار به درگیری کشیده می شود و درنهایت مدیران قول رسیدگی به اعتراض کارگران و رانندگان اخراجی را در روز یکشنبه بعد را می دهند. اما بر خلاف انتظار اخراجیان، شبانه ۱۳ نفر از معترضان توسط اداره اطلاعات دستگیر و به محل نامعلومی انتقال داده می شوند.



معدن طلای آغ دره سالهاست که در قبضه فردی بنام "حاج عباس نیری" از مسئولان سابق سپاه است. این معدن بزرگترین معدن طلای خاورمیانه محسوب می شود که در جنوب استان آذربایجان غربی واقع شده است.

*کارگران شرکت لنگرطلایی بندر عباس در روز شنبه ۹ دی در مقابل درب ورودی شرکت در جاده اسکله، نرسیده به باغستان بندر عباس، تجمع اعتراضی کرده و خواستار چهار ماه حقوق معوقه خود بودند. به گزارش وبسایت آژانس ایران خبر، شرکت لنگرطلایی بندر عباس کار خدمات سوخت رسانی و تخلیه و بارگیری و حمل و نقل کشتیها را در اسکله بندرعباس انجام می دهد.

*کارگران کشتارگاه در شهر پاوه در روز سه شنبه ۱۲ دی چهارمین روز اعتصاب خود را شروع کردند. بنا بر گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران کشتارگاه در شهر پاوه به دلیل نداشتن امکانات بهداشتی در محیط کار، دست به اعتصاب زده اند. بر پایه این گزارش همچنین تعدادی از مغازه های قصابی هم به دلیل کمیاب بودن گوشت و بالا بودن قیمت آن دست به اعتصاب زده اند.

*کارگران کارخانه نورد لوله صفا روز شنبه ۹ دی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران،

به دنبال این اعتصاب مسئولان کارخانه با حضور در میان کارگران به آنان وعده دادند که تا پایان همین روز، یک ماه از دستمزد معوقه کارگران را به حساب شان واریز خواهند کرد. ۲۴۰۰ کارگر کارخانه های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه شش ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند.

بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در دومین روز تجمع کارگران نورد لوله صفا تعدادی از کارگران پروفیل ساوه نیز حضور داشتند و کارگران نورد لوله صفا با انتخاب ده نماینده ضمن تداوم اعتصاب خود قرار است در جلسه روز سه شنبه ۱۲ دی در محل فرمانداری که با حضور رستمی صفا برگزار خواهد شد شرکت کنند.

روز سه شنبه ۱۲ دی تجمع و اعتصاب این کارگران وارد چهارمین روز خود شد و همزمان ۲۵۰ مهندس و کارشناس این کارخانه نیز به کارگران اعتصابی پیوستند.

به گزارش ایلنا، کارگران حاضر در این تجمع چهار روزه، دلیل اعتراض کارگران را تعویق ۶ ماهه دستمزد و سایر مطالباتشان ذکر کرد که از یک ماه گذشته به طور مرتب وعده پرداختش به کارگران داده می شود اما محقق نمی شود.

*کارگران کارخانه شیر پاک که بیش از ۶ ماه حقوق نگرفته اند در روز سه شنبه ۱۲ دی، کارخانه را به تصرف خود در آورده و اعلام نمودند تا وضعیت حقوق آنها تعیین تکلیف نشود از کارخانه خارج نمی شوند. به گزارش آژانس ایران خبر، در

تقابل با این حرکت کارگران، مأموران انتظامی و لباس شخصی به صحنه آمدند و یک سرگرد نیروی انتظامی به نام رئیسی به کارگران گفت این کار شما مصداق محاربه است چون این کارخانه سهام دولتی دارد و متعلق به دولت است و قصد داشت با تهدید کارگران را از کارخانه بیرون آورد.

*به گزارش وبسایت آذوح، در روزهای دوشنبه ۱۱ و سه شنبه ۱۲ دی، حدود صد نفر از بازنشستگان شرکت ایدم که بیش از یکسال پیش بازنشسته شده اند به علت عدم دریافت حقوق معوقه خود از جمله مبلغ پایان کار، در مقابل شرکت ایدم تبریز دست به تجمع اعتراض آمیز زده اند.

*حدود ۳۰ تن از کارگران کنتورخوان شرکت گاز استان کردستان در سنج در اعتراض به پایین بودن دستمزدها، عدم تامین کفش و لباس، پرداخت نکردن هزینه ایاب و ذهاب خود و... در روز سه شنبه ۱۲ دی دست به اعتصاب زدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، حقوق کارگران کنتور خوان ماهیانه مبلغی معادل ۴۵۰ هزار تومان در ازای ساعات کار طولانی و شرایط سخت کاری است.

*کارگران شهرداری قائم شهر در روز چهارشنبه ۱۳ دی، در مقابل فرمانداری در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان دست به تجمع و اعتراض زدند. به گزارش فارس؛ یکی از کارگران شهرداری قائم شهر که صدای خسته و محزونش مشخص بود گفت؛ با اینکه مجرد است دغدغه کارگران متاهل را دارد، انگار خودش در زندگی قبلاً با این درد و رنجها آشنا بود.

*بیش از ۵۰ تن از کارگران گروه صنایع پوشش ایران (کارخانه صنایع رشت) به نمایندگی از سایر کارگران دیگر کارخانجات این شرکت، روز شنبه ۱۶ دی در اعتراض به عدم اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد و یک ماه تاخیر سازمان مندا (سیستماتیک) در پرداخت حقوق، مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران پس از اعلام خواسته های خود به مسئولان کارخانه تجمع خود را به پایان رساندند. یکی از کارگران شرکت پوشش حاضر در این تجمع، به خبرنگار ایلنا گفت: ورشکستگی این کارخانه به دلیل بارش سنگین برف در سال ۸۳ بود که بسیاری از صنایع گیلان را نابود کرد.

*در پی شکایت دو نفر از کارگران سامانه یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از شورای اسلامی این شرکت، حدود ۷۰ نفر از رانندگان شرکت واحد با خواست انحلال نهاد شورای اسلامی کار و حمایت از همکاران خود، روز یکشنبه ۱۷ دی، دست به تجمع در مقابل اداره کار شمال غرب تهران زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، رانندگان شرکت واحد در حمایت از همکاران خود و اعتراض به عملکرد ضد کارگری شورای اسلامی کار شرکت واحد، خواهان انحلال این نهاد ضد کارگری شدند. شورای اسلامی شرکت واحد تهران راساً و به طور مداوم دست به اخراج کارگران و تضييع حقوق آنان می زند و مستقیماً به عنوان عامل کارفرما علیه کارگران اقدام می کند.

*اعتصاب متحدانه ۱۲۰۰ تن از کارگران کارخانه نورد لوله صفا در روز شنبه ۱۶ دی، وارد هشتمین روز شد. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در ادامه تلاش رستمی صفا برای بازگرداندن کارگران بر سر کار وی حوالی ظهر نمایندگان کارگران را به نشست دعوت کرد و طی جلسه ای ۲/۵ ساعته فرمول بندی زیر را جهت پایان دادن به اعتصاب به آنان پیشنهاد کرد:

-پرداخت دستمزد مرداد و شهریور کارگران در روز بیست و پنجم ماه جاری

- پرداخت دستمزد مهر و آبان در بهمن ماه

- پرداخت دستمزد آذر و دی به همراه عیدی و پاداش کارگران در اسفند ماه

- پرداخت دستمزد بهمن و اسفند در سال ۹۲

بنا بر این گزارش به دنبال این جلسه، نمایندگان کارگران پیشنهادات کارفرما را با همکاران خود در میان گذاشتند، اما کارگران ضمن تاکید بر خلف وعده های کارفرما به اعتصاب خود پایان ندادند و اعلام کردند فردا طی اتخاذ تصمیمی دسته جمعی پاسخ خود را به کارفرما خواهند داد.

*به گزارش ایلنا، کارگران کارخانه قند و تصویه شکر اهواز، روز دوشنبه ۱۸ دی، در اعتراض به عدم توجه مسئولان در رفع مشکلاتشان، برای دومین روز پیاپی در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

*کارگران کارخانه «کاغذسازی کارون» روز دوشنبه ۱۸ دی، در اعتراض به بی توجهی مسئولان در رفع مشکلاتشان، در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

به گزارش ایلنا، کارخانه «کاغذسازی کارون» پس از واگذاری به بخش خصوصی در سال ۸۵ به دلایل نامعلومی تعطیل شد و کارفرمای جدید تصمیم به اخراج ۲۰۰ کارگر گرفت.

*بازنشستگان ارتشی در روز سه شنبه ۱۹ دی، در برابر مجلس دست به تجمع زدند.

به گزارش آژانس ایران خبر، بازنشستگان ارتشی به عدم پرداخت مطالبات خود از سوی دولت اعتراض داشتند. ارتشیان از نمایندگان مجلس خواستند تا به وضعیت آنها رسیدگی شود. و مطالبات آنها هرچه سریعتر پرداخت گردد

*خانواده‌ی فعالان کارگری بازداشتی در مه‌آباد روز سه شنبه ۱۹ دی، مقابل اداره اطلاعات تجمع کردند. به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، آنان خواهان آزادی محمد مولانایی، واحد سیده و یوسف آب خرابات شدند؛ اما با برخورد توهین آمیز و تهدید ماموران روبرو شدند و تنها واحد سیده طی تماس تلفنی کوتاهی با خانواده اش درخواست لباس نموده است.

*کارگران گروه صنایع پوشش ایران (کارخانه صنایع رشت) روز یکشنبه ۲۴ دی در مقابل درب کارخانه تجمع خود را آغاز کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کارگران این بار نسبت به هفته ی پیش گسترده تر و طولانی تر برگزار شده است.

*صدها تن از کارگران شرکتهای پیمانکاری پتروشیمیهای ماهشهر روز دوشنبه ۲۵ دی در مقابل فرمانداری ماهشهر دست به تجمع اعتراضی زدند

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این تجمع تعدادی از کارگران پیمانکاری منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر نیز به این تجمع پیوستند. این کارگران به طور مرتب با سر دادن شعارهایی خواهان رسیدگی به خواستههای خود بودند و در مقابل درخواست فرمانداری مبنی بر انتخاب نماینده جهت مذاکره دست به مقاومت زدند و خواهان حضور فرماندار در میان خود شدند.

*کارگران کارخانه نساجی خامنه شبستر روز سه شنبه ۲۶ دی، به دلیل عدم پرداخت حقوق، تعطیلی کارخانه مذکور و عدم رسیدگی به بیمه بازنشستگی خود مقابل درب شمالی مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارخانه در شهر خامنه در کنار جاده تبریز شبستر ارومیه قرار دارد.

*جمعی از کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان در روز سه شنبه ۲۶ دی، با تجمع در محوطه ساختمان مرکزی شهرداری اصفهان در واکنش نسبت به عدم افزایش حقوق و پرداخت معوقات خود دست به اعتراض زدند. به گزارش مهر، در حالی افزایش حقوق و دستمزد کارگران شهرداریها سال گذشته در مصوبه ای از سوی وزارت کشور به شهرداری اصفهان ابلاغ شده که مدیریت شهری اصفهان با وجود گلایه های بسیار کارگران خود از وضعیت معیشتی، هنوز تصمیم به اجرایی کردن این مصوبه نگرفته است.

*کارگران اداره آب و فاضلاب روستایی دشتستان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود در روز شنبه ۳۰ دی در اداره آب و فاضلاب دشتستان دست به اعتصاب زده و تجمع کردند. به گزارش وبسایت اتحاد جنوب، یک کارگر شرکت کننده در این حرکت اعتراضی گفت: اگر مصوبه اجرایی دولت در راستای خصوصی سازی اعمال شده، چرا رسیدگیهای لازم صورت نمی گیرد؟ چرا بودجه ای اختصاص نمی یابد؟

*کارگران رسمی و قرار دادی کارخانه یخچال سازی «ایران پویا» روز شنبه ۳۰ دی، در اعتراض به شایعه انحلال این کارخانه در مقابل درب ورودی این کارخانه دست به تجمع زدند.

نماینده کارگران کارخانه ایران پویا در تشریح دلایل اعتراض کارگران، به ایلنا گفت: از امروز کارت ورود و خروج ۹۰ کارگر قرارداد موقت غیر فعال و از ورود آنان به محل کارشان جلوگیری شده است. این وضعیت باعث تشدید نگرانی کارگران از شایعه تعطیلی این کارخانه شده است.

کارخانه ایران پویا وابسته به بنیاد مستضعفان، واقع در جاده مخصوص کرج، سازنده انواع یخچال و پروفیل آلومینیومی است که حدود ۲۰۰ کارگر دارد.

*جمعی از کارگران بازنشسته شرکت پتروشیمی آبادان در روز شنبه ۳۰ دی با تجمع مقابل ساختمان شرکت نفت خواستار پرداخت «حق معیشت» خود شدند. به گزارش ایلنا، مشاور رئیس هیئت مدیره صندوقهای بازنشستگی وزارت نفت با تایید این تجمع اعتراضی گفت؛ مستمری بازنشستگان شرکت پتروشیمی آبادان را صندوق بازنشستگی وزارت نفت پرداخت می کند ولی حق معیشت آنان را نمی توانیم قانوناً پرداخت کنیم زیرا کارفرمای آنها این مبلغ را به ما پرداخت نکرده است.

بیانیه مشترک سندیکاها، اتحادیه ها و دیگر تشکل های کارگری پیرامون بی توجهی به زندگی کارگران و کودکان

حوادث ناگوار مرگ کارگران و کودکان در چند هفته ی اخیر یکی پس از دیگری بیانگر بی توجهی مسوولان و کارفرمایان به جان انسانهاست.

۵ کارگر افغانی به هنگام کار در منطقه خاک سفید تهران پارس زیر آوار رفتند. به دنبال آن، فاجعه کشته شدن کارگران در معدن زغال سنگ طیس و فاجعه های دیگری که هر روزه در جای جای ایران رخ می دهد... بنا بر آمار منتشره، هر روز به طور متوسط ۵.۵ کارگر در اثر حوادث کار و نبود شرایط ایمنی جان خود را از دست می دهند.

با توجه به آن که حکومت کلیه مسوولیت‌های خود را در قبال مردم و نظارت بر ایمنی و بهداشت و بهروزی مردم و به خصوص کارگران و خانواده هایشان را فراموش کرده است، هر روز شرایط بدتری بر زندگی اقشار متوسط به پایین سایه می افکند و هر روز اخبار وحشتناک تری از نابودی انسانها در محل کار و زندگی و سفر و جاده و خیابانها پخش می شود.

همچنین کنار نایمنی شرایط کار، خبرها حاکی از آن است که جان کودکان در مدارس مخروبه و غیر ایمن نیز در خطر است. قربانیان حریق مدرسه ی روستایی شین آباد در پیرانشهر ارومیه در آذربایجان به ۳۷ نفر رسیده است که دو نفر از آنان فوت کرده اند. متأسفانه مسوولان به جای آن که امکانات رفاهی، گرمایشی و شرایط ایمنی و گرمایشی کلاسهای درس روستاها و شهرستانها را افزایش دهند، معلم، مستخدم یا بخاری مدرسه را محکوم کرده اند تا شانه از زیر بار مسوولیت خود کنار کشند.

آینده ی این دانش آموزان سوخته شده ، زخمی و ترسیده و معلم زحمتکش آنها چه می شود که باید با نقص عضو به زندگی در شرایط سخت ادامه دهند؟

ما تشکلهای کارگری امضا کننده، ضمن حمایت از بیانیه انجمن صنفی معلمان، یادآوری می شویم که مسوولان مملکتی باید به وظایفشان عمل کنند و از کارگران و خانواده های آسیب دیده این حوادث می خواهیم یکدیگر را دریابند، به هم بپیوندند و برای درمان این دردهای مشترک، تشکلهای خود را تشکیل دهند.

برای رسیدن به آینده ای بهتر برای زندگی و کار، چاره ای جز وحدت، تشکیلات و اتحاد سراسری نداریم. پیش به سوی تشکل مستقل و سراسری کارگران ایران.

دی ماه ۱۳۹۱

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه
هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی
اتحادیه کارگران پروژه ای
سندیکای کارگران فلز کار و مکانیک
اتحادیه آزاد کارگران ایران
کانون مدافعان حقوق کارگر

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

چالشهای معلمان در دی ماه

فرنگیس بایقره

"تشویق کودکان به کار" در آموزش و پرورش

داوود روستایی، قائم مقام سازمان دانش آموزی از آغاز شناسایی دانش آموزان نان آور خانواده در شهرستانها خبر داد و گفت: "جشنواره نان آوران در سال "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ملی" به منظور تقدیر از دانش آموزانی برگزار می شود که در کنار درس خواندن، به خرجی و اقتصادی خانواده خود کمک می کنند."

در واکنش به این سخنان، یک فعال حقوق کودک برگزاری "جشنواره نان آوران" را تشویق کودک به کار کردن عنوان کرد و گفت، آموزش و پرورش باید شرمنده باشد از اینکه کودکان در سن تحصیل کار می کنند. فرشید یزدانی، عضو "انجمن حمایت از حقوق کودکان"، شنبه ۲ دی به خبرگزاری حکومتی "ایلنا" گفت: "در حالی که کار کردن کودک در همه جای دنیا تقبیح شده است، برگزاری جشنواره نان آوران به نوعی تشویق کودک به کار کردن است."

یزدانی گفت: "آموزش و پرورش باید از اینکه کودکانی که در سن تحصیل هستند کار می کنند، شرمنده باشد." وی افزود: "برگزاری این جشنواره در راستای نگاههای غلط آموزش و پرورش مانند موضع گیری وزیر آموزش و پرورش نسبت به ازدواج دانش آموزان و جمع آوری بخاریهای نفتی در مدارس است که در راستای آسیب به کودکان و نه حمایت از آنها صورت می گیرد."

یزدانی برگزاری "جشنواره نان آوران" از سوی آموزش و پرورش را مغایر با اصول انسانی و بحثهای کلان ملی دانست و به آموزش و پرورش پیشنهاد کرد، به جای برگزاری این جشنواره، موانع عدم ورود دانش آموزان به چرخه تحصیل را شناسایی و در اختیار دولت و افکار عمومی قرار دهد تا به برداشت این موانع کمک شود.

آمار دولتی از بی سوادان "واقعی"

به گزارش یک منبع دولتی (ایسنا)، رییس نهضت سوادآموزی کشور درباره آخرین آمار اعلام شده از بی سوادی که حدود ۱۰ میلیون نفر است، گفت: "طبق نتایج آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۰، در حال حاضر ۹ میلیون و ۷۱۹ هزار نفر افراد بالای شش سال خود را بی سواد معرفی کرده اند، در حالی که بی سوادان واقعی از نظر سازمان نهضت سوادآموزی سه میلیون و ۸۰۰ هزار نفر است که سن آنها زیر ۵۰ سال دارند [است]." علی باقرزاده گفت: "هدف اصلی سازمان نهضت سوادآموزی تحت پوشش قرار دادن افراد ۱۰ تا ۴۹ سال است و برنامه های مستمر خود را برای این گروه سنی متمرکز کرده است."

۱۵۰ هزار کلاس درس با بخاری نفتی گرم می شوند

"کانون صنفی معلمان ایران" در بیانیه ای به مناسبت حادثه آتش سوزی در دبستان شین آباد پیرانشهر می نویسد: "در دو - سه سال گذشته، شعار "تحول بنیادین در آموزش و پرورش" بارها و بارها و به مناسبتهای گوناگون تکرار و شنیده شد و البته راز این دگرگونی بزرگ و شگرف نیز تنها این بود که پنج سال دبستان به شش سال تبدیل گردید و بس! و با این کشف تازه، آموزش و پرورش، درمان همه دردهای خویش را یافت و دیگر نه نشانی از کسری بودجه و وضعیت بد و فاجعه آمیز معیشت آموزگاران و شمار بالای دانش آموزان کلاس ماند و نه چندان خبری از ساختمانهای فرسوده مدرسه ها و فضای ناچیز آزمایشگاهی و کارگاهی و ورزشی و البته همچنین از بخاریهای نفتی ۱۵۰۰۰۰ کلاس درس.

در کلاس درس "شین آباد" نزدیک به چهل دانش آموز حضور داشته اند - استاندارد شمار دانش آموزان کلاس، پیرامون ۲۵ نفر است. یعنی در آن کلاس، کار معلم، یک و نیم تا دو برابر کاری است که باید انجام دهد. روستا گازکشی شده اما کلاس با بخاری نفتی گرم می شده، و روشن نیست که بخاری از چند سال پیش تاکنون تعمیر نگردیده است. و اصولا چرا مدرسه های کشور ثروتمندی چون ایران، بایستی با سیستمهای گرمایشی نایمن و قدیمی گرم شوند؟ ایران، یک درصد جمعیت جهان را داراست، اما از هفت درصد ذخایر جهان برخوردار است. ایران دومین کشور تولید کننده گاز جهان است، یکی از مهم ترین تولید کنندگان نفت جهان و دهمین کشور دارای معادن. پس چرا باید ۳۰ درصد از کلاسهای درس اش

هنوز هم با بخاری نفتی گرم شود و ۳۰ و ۴۰ درصد از ساختمانهای مدارس اش، فرسوده و تخریبی باشند که با کم توان ترین زمین لرزه ای فرو ریزند؟

بی گمان یکی از دل نگرانیهای همیشگی کنشگران صنفی- مدنی فرهنگی ارزنده‌ای همچون محمود باقری، رسول بداقی، محمد داوری، عبدالله مومنی و... که متأسفانه برخی از آنها هم اکنون ۴۰ ماه است که بدون حتی یک روز مرخصی در زندان بسر می‌برند، بهبود راستین و بنیادی همین اوضاع نابسامان و واپس مانده آموزش و پرورش ایران است."

جان باختن یکی دیگر از دانش آموزان شین آبادی

سارینا رسول زاده، دانش آموز پیرانشهری که دچار ۴۵ درصد سوختگی بود، بر اثر شدت جراحات جان سپرد. به این ترتیب تعداد قربانیان این حادثه به دو نفر رسید. پیشتر سیران یگانه، دانش آموز کلاس چهارم، جان خود را در این آتش سوزی از دست داده بود.

۲۷ دانش آموز دختر دیگر دبستان "انقلاب اسلامی" روستای "شین‌آباد" از توابع پیرانشهر در نتیجه آتش گرفتن بخاری نفتی مصدوم شده‌اند.

اعتراض معلمان مقطع ابتدایی در سندج

به گزارش "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری"، پیرو تغییر و تحول در نظام آموزشی ایران و افزودن پایه ی ششم به مقطع ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش به منظور ارتقا سطح علمی و هماهنگ نمودن معلمان پایه‌های دوم و ششم با تغییرات صورت گرفته، تابستان امسال به صورت سراسری اقدام به برگزاری کلاسهای توجیهی تحت عنوان "کلاسهای ضمن خدمت" نمود که با نارضایتی گسترده ی معلمان مواجه گردید. معلمان سراسر کشور بر این باورند که تغییرات صورت گرفته، با توجه به ثقیل بودن کتابهای درسی، از چاله به چاه انداختن نظام آموزشی ایران خواهد بود زیرا هیچگونه انطباقی با شرایط آموزشی ایران ندارد.

شایان ذکر است مدرسین کلاسهای توجیهی، در حین برگزاری کلاسها، در نهایت سردرگمی تنها با اتکا به تجربیات شخصی، جهت سنجش سطح علمی معلمان اقدام به طرح سوالاتی نموده و بر اساس آن نمرات معلمان را تعیین می نمودند و اذعان می‌نمودند، دیگر امتحانی در کار نخواهد بود.

اما بر خلاف وعده های از پیش اعلام شده، اخیراً طی بخشنامه ای و ابلاغ آن به مدارس ابتدایی استان کردستان، تنها به دلیل زد و بندهای روسای آموزش و پرورش، معلمان را به گذراندن امتحان مکلف و مجبور ساختند که این امر موجبات اعتراض گسترده معلمان را فراهم ساخت. اما با این وجود، تمامی معلمان پایه دوم و ششم سندج را در تاریخ ۹۱/۱۰/۸ به صورت اجباری در مدرسه "نامدار مرادی" سندج جهت به عمل آوردن امتحان مورد نظر جمع نمودند.

در جریان برگزاری این امتحان اجباری، اعتراضات اوج گرفته و بسیاری از معلمان با پاره کردن کاغذ های امتحانی، مخالفت خود را با سیاستهای اعمال شده اعلام نموده و حاضر به پذیرش آن نشدند. در واکنش به اعتراض معلمان، مسوولان آموزش و پرورش دست به شناسایی معترضین و احضار کتبی آنها به حراست آموزش و پرورش زده و زمینه توییح آنان را تحت عنوان بنیان ایجاد اخلال در نظم عمومی فراهم نمودند. هدف آنها از طرح این اتهام، بستن راه بروز اعتراضات صنفی معلمان و پیوستن آنان به سایر اعتراضات اجتماعی و کارگری است.

جلوگیری از پرداخت کمکهای مالی خانواده به معلم بازنشسته زندانی

در یک اقدام غیر انسانی و غیر قانونی و به منظور تشدید فشارها، کمکهای مالی که خانواده زندانی، محمد امین آگوشی، به حساب وی واریز می کردند، مسدود و مبلغ آن مصادره گردید. معلم بازنشسته زندانی در اعتراض به این اعمال غیر انسانی

و با اشاره به اینکه زندانیان سیاسی تنها با کمک مالی خانواده هایشان می توانند نیازهای غذایی، بهداشتی و پوششی خود را تامین نمایند، نامه ای جهت افشای این اقدام و ارسال به سازمانهای حقوق بشری و رسانه ها در اختیار "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" قرار داده است. وی در این نامه می نویسد:

"اینجانب، زندانی محمد امین آگوشی که در زندان زاهدان تحمل حبس می نمایم، از طرف خانواده و دوستانم مبلغ ۲۰۰ هزار تومان به کارت عابر شماره... نزد بانک ملی شعبه مرکزی پیرانشهر به ریاست... واریز گردیده. جهت تامین نیازهایم به فروشگاه زندان مراجعه کرده به من گفته شد، حسابم مسدود شده است. خانواده ام به نزد ریاست بانک مزبور در پیرانشهر مراجعه کرده و در جواب به آنها گفته شد، چون قبلا ضامن بوده، به همین خاطر جلوی حسابش را گرفته ایم.

بنده با ریاست بانک صحبت کردم و به او گفتم، در ایران ۳۰۰ نفر کل موجودی بانکها را وام گرفته اند و هنوز وامها را پرداخت نکرده اند، کسی هم به آنها چیزی نگفته. اگر مشکل شما با ۲۰۰ هزار تومان یک زندانی و اسیر حل می شود، کار خوبی کرده اید. شما و سرپرست بانک ملی استان آذربایجان غربی میلیاردها تومان وام داده اید ولی هنوز کسی اقساط خود را پرداخت نکرده است و افراد زیادی را می شناسم که این پولها را در دبی و سایر کشورها سرمایه گذاری کرده اند. دزدان بیت المال و اختلاس کنندگان، اقتصاد ایران را فلج کرده و مردم را به این روز سیاه کشانده اند. مسوولین استان ما می خواهند با این مبلغ ناچیز جلوی ریخت و پاشها را بگیرند؟

نمی دانم به چه کسی بگویم؟ دادخواهی و مظلومیت خود را به گوش چه کسانی برسانم؟ ۲۰۰ هزار تومانی که به حساب من ریخته اند، جهت تامین بخش ناچیزی از احتیاجات غذایی و بهداشتی بود و در حال حاضر حتی لباس گرم و کافی برای پوشیدن ندارم. قصد داشتم با این مبلغ ناچیز لباسی برای پوشش خود بخرم که این افراد به منظور تشدید فشارها علیه من، اقدام به مسدود کردن حسابم نمودند.

محمد امین آگوشی

زندانی تبعیدی در زندان مرکزی زاهدان

مورخه دی ماه ۱۳۹۱

بازداشت محمد توکلی، فعال فرهنگی

به گزارش "هرانا"، محمد توکلی، فعال فرهنگی و عضو کانون صنفی معلمان کرمانشاه، روز پنجشنبه ۲۸ دی ماه ۹۱ از طریق حراست آموزش و پرورش کرمانشاه به اطلاعات سپاه احضار و سپس بازداشت شد.

وی روز گذشته گفتگوی کوتاهی با خانواده اش داشته است. او در این گفتگو وضعیت خویش را نامشخص خوانده و از آزادی خود اظهار بی خبری نموده است.

گفتنی است، توکلی در ماه های اخیر بارها توسط نهادهای امنیتی و اداره حراست سازمان آموزش و پرورش کرمانشاه به بهانه انجام فعالیتهای صنفی تحت فشار قرار داشت.

تجمع بازنشستگان آموزش و پرورش

جمعی از بازنشستگان کشوری (بازنشستگان آموزش و پرورش) روز سه شنبه ۱۹ دی، برای چندمین بار در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، این بازنشستگان در روز سه شنبه ۱۲ دی نیز در مقابل مجلس در اعتراض به خبر افزایش ۱۰ درصد اضافه حقوق برای سال آینده تجمع کرده بودند. بعضی از خواسته های بازنشستگان عبارت است از:

-اجرای کامل قانون مدیریت کشوری

-تعدیل و ترمیم حقوق و مزایای بازنشستگی مطابق با سایر سازمانهای دولتی

-پرداخت معوقه مطالبات سالهای ۸۶ و ۸۷

این گروه از بازنشستگان آموزش و پرورش در روز دوشنبه ۲۵ دی در مقابل اداره بازنشستگان استان تهران در خیابان فیاض بخش تجمع کردند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، در این تجمع نمایندگان منتخب بازنشستگان که در تجمع سه شنبه ۱۹ دی به درون مجلس رفته و با نمایندگان صحبت کرده بودند گزارشی از این گفت و گو به حاضران داده شد.

در پایان قطعنامه ۶ ماده ای تنظیم و توسط همه حاضران امضا گردید و قرار بر این شد که این قطعنامه توسط نمایندگان به کمیسیون اجتماعی مجلس رژیم تحویل داده شود.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.co

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

زنان مداخله گر: سولیتود

"سولیتود" از مادری سیاه پوست در حوالی سال ۱۷۷۲ در جزیره گوآدولوپ، از مستعمرات فرانسه در دریای آنتیل، به دنیا آمد. مادر وی را در دهکده "کاربه دو کاپستر" دستگیر و به بردگی می گیرند. وی در مسیر، بارها مورد تجاوز جنسی قرار می گیرد. از این رو، "سولیتود" دو رگه به دنیا می آید. در سال ۱۷۹۴ برده داری منسوخ شد، اما ناپلئون بناپارت هشت سال بعد دوباره آن را برقرار کرد. او سربازانش را برای سرکوب بردگان آزاد شده گوآدولوپ فرستاد. "سولیتود" نیز به خاطر دورگه بودن، برده به حساب می آمد. "سولیتود" با جسارتی بی نظیر به مبارزان پیوست و تا آخرین نفس مسلحانه جنگید. او که حامله بود، به شدت زخمی و دستگیر شد. فردای روز زایمان، در تاریخ ۲۹ نوامبر سال ۱۸۰۲، این زن آزاده را به دار آویختند. شایان توجه است که "سولیتود" در زبان فرانسه به معنی "تنهایی" است. یادش گرامی باد!

خشم مردم هند و معضل تجاوز جنسی

خبرگزاری زنان، ۷ ژانویه ۲۰۱۳ - "فریاد دامینی"، آنطور که قربانی جدید تجاوز جنسی نامیده می شود، سکوت زنان هند را از هر طبقه و هر ناحیه ای شکسته است. جوانان در راهپیماییها و اعتراضات علیه تجاوز جنسی، درد خود را فریاد می زنند. با دستگیری شش مرد که متهم به تجاوز و قتل وحشیانه دانشجوی بیست و سه ساله هندی هستند، به نظر می رسد که ماموران دولتی این بار در برابر عمل شرم آور تجاوز جنسی به سرعت واکنش نشان داده اند. اما دهه ها خونسردی دولت پیرامون این معضل و تبانی با مجرمان، مردم خشمگین هند را به خیابانها کشانده است. این در حالیست که دولت در برابر خشم جوانان، به شیوه های خشونت آمیز متوسل شده است. با این حال، روشهایی مانند محاصره مناطق توسط پلیس و محدود سازی دسترسی به امکانات نقل و انتقال از سوی دولت قادر به ایجاد سد برابر مردمی که خواستار رسیدگی ریشه ای به معضل تجاوز جنسی هستند، نیست. بروز چنین خشمی ریشه در فساد دولتی، استفاده سیاسی از

سیستم قضایی کشور و تحقیقات بیهوده و بی مصرف در رابطه با تجاوز جنسی که شامل تست پزشکی می شود که زنان قربانی، آن را "تجاوز دوم جنسی" می نامند، دارد.

شبکه سیاسی - جنایی در هند آنچنان قدرتمند و پیچیده عمل می کند که قرار گرفتن تحت حمایت قانون برای هر فرد هندی نزدیک به غیرممکن است. یک چهارم از نمایندگان مجلس هند به ارتکاب نوعی جنایت متهم هستند. "اتحاد اصلاحات دموکراتیک"، یک گروه مدنی که مرکز اصلی اش در دهلی نو مستقر است، بر اساس گزارشی اعلام می دارد که گروههای سیاسی در هند در انتخابات ملی، کاندیداتوری دستکم شش نامزد، با سابقه اتهام تجاوز جنسی را تحمل می کنند. این آمار برای انتخابات دولتی چهار برابر بیشتر است. برخی از سیاستمدارانی که به دلیل ارتکاب جنایتی مانند آدم ربایی یا قصد قتل عمد در زندان به سر می برند نیز در انتخابات و دیگر رقابتهای سیاسی شرکت می جویند و در بسیاری مواقع موفق نیز می شوند. چنین شبکه سیاسی - جنایی بدون همدستی و اجابت دولت و نهادهای وابسته به آن قادر به ادامه حیات نیست. پلیس هند یکی از فاسدترین نهادهای دولتی به شمار می رود و در بسیاری موارد یا با جنایتکاران تباری می کند و یا خود جزو آنان است. بسیاری از جنایتهای پلیس در جامعه پدرسالار هند علیه زنان انجام می پذیرد.

قربانیان تجاوز جنسی در مراجعه به پلیس با بازجویی غیر انسانی جهت قضاوت در این مورد که آیا آنان به راستی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند یا خیر، مواجه می شوند. چنین قضاوتهایی بسته به نوع پوشش قربانی و همراهی یا همراهی نشدن وی توسط مردی از خانواده صورت می پذیرد. در آوریل سال ۲۰۰۵، یک پلیس به دختر نوجوانی در حین انجام ماموریت تجاوز جنسی کرد. در بسیاری از مناطق هند شیوه ای بسیار غیرانسانی جهت صحت و سقم ادعای قربانی پیرامون تجاوز جنسی صورت می پذیرد که زنان آن را "تجاوز جنسی دوم" نامگذاری می کنند. در این آزمایش فیزیکی، پزشک اجازه دارد دهانه رحم زن را با لمس معاینه کند و در صورت شل بودن، او را به عادت داشتن به انجام آمیزش جنسی متهم کرده و شکایت قربانی را رد کند. استفاده از چنین شیوه غیرعلمی و منسوخی که در جوامع مدرن جایی ندارد، سبب شده که بسیاری از قربانیان تجاوز جنسی به پلیس مراجعه نکنند.

حل معضل تجاوز جنسی بدون ریشه کن کردن شبکه سیاسی - جنایی که به ساختار سیاسی حاکم و نهادهای وابسته به آن متکی است، ممکن نخواهد بود.

اسلامگراهای "سنا" به نمایندگی زنان در پارلمان آینده ضربه وارد می کنند

الشرق الاوسط، ۲۴ دی ۱۳۹۱ - اسلامگرایان مجلس سنای مصر دیروز به حق نمایندگی زنان در پارلمان آینده ضربه وارد کردند. یک فراکسیون سلفی، تسهیلات دولتی برای زنان را رد کرد.

نمایندگان جریان اسلامگرا در مجلس سنا توانستند که رای اکثریت را برای لغو یکی از تبصره های ویژه لیستهای انتخاباتی مبنی بر قرار دادن نام زنان در نیمه اول لیستهایی با بیش از ۴ کاندیدا، به دست آورده و تبصره فوق را حذف کنند.

"شورای ملی زنان" و فعالان زن این تصمیم را یک ضربه به نقش زنان توصیف کرده و اعلام کردند که این عمل به مصر در جامعه بین المللی ضرر می رساند.

زنان سویسی جهت رویارویی با تبعیض جنسیتی سازمان می یابند

اسوشیتدپرس، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۲ - فعالان حقوق زنان در سوییس اعتقاد دارند که تبعیض جنسیتی در آداب و رسوم سنتی ای ریشه دارد که نقش آنان را در پیشرفت و ترقی جامعه نادیده می گیرد. یکی از مسایل مهم آنان ارتقا سهم شان در دریافت امکانات اجتماعی می باشد که تصمیم به سازماندهی جهت کسب این مطالبه گرفته اند.

قوانین تبعیض آمیز نقش اساسی آنها را در تعلیم و تربیت فرزندان شان از یکسو و پیشرفت اقتصادی از دیگر سو، پامال می کند. یکی از کوشندگان حقوق زنان که با کارگران زن پارچه بافی در منطقه "ماتسایا" فعالیت می کند، ابراز می دارد: "ما باید وارد صحنه مبارزه شویم تا نقش خود را در پیشرفت تمام عرصه های اجتماعی به ثبت برسانیم."

وی اضافه می کند که این یک فاجعه است که مسوولان نقش زنان در پیشرفت اقتصادی را جدی نمی گیرند. "ائتلاف سویسی" متشکل از تشکلهای مدنی در گزارشی اعلام داشته که دولت سویس تا کنون قرارداد و کنوانسیونهای بین المللی متعددی مبنی بر منع هر گونه تبعیض علیه زنان را امضا کرده است، اما این تعهدات بین المللی هرگز به صورت قانون تصویب نشده اند تا دولت را به اجرای آنها متعهد سازد.

این در حالیست که برخی قوانین تبعیض آمیز هنوز به قوت خود باقی اند. به عنوان مثال، زنان بر اساس قانون حق وام گرفتن از بانک و حق مالکیت زمین را ندارند. قانون عدم حق مالکیت زمین برای زنان با اینکه از قانون اساسی کشور حذف گردیده، ولی به شدت در سراسر کشور اعمال می گردد.

شمار اعضای "اتحادیه مادران مجرد" که تلاش می کند وضعیت معیشتی زنانی که مسوولیت سرپرستی فرزندان خود را به تنهایی به عهده دارند بهبود بخشد و از بارداری دختران جوان جلوگیری کند، در سال گذشته دوبرابر شده است. شایان ذکر است که اکثریت کودکان سویسی با یکی از والدین و یا بدون داشتن پدر و مادر، با شخصی از خانواده والدین خود زندگی می کنند. بر اساس آمار رسمی، مسوولیت نگاهداری اکثریت کودکان سویسی را مادران و یا با مادر بزرگان آنها به عهده دارند. این در حالیست که برنامه های حمایتی و مالی دولتی که به اتحادیه مزبور تعلق می گیرد، سالانه در حال کاهش است. بسیاری از زنان سالخورده در فقر مفرط بسر می برند، به گونه ای که قادر به تامین مواد خوراکی و پوشاک برای خود و فرزندانیشان که نگاهداری آنان را به عهده گرفته اند، نیستند.

بودجه ای که دولت جهت حمایت از "اتحادیه مادران مجرد" در نظر گرفته بود نیز هنوز به آنان پرداخت نشده است. این اتحادیه نقش بسزایی در تعلیم و تربیت دختران جوان جهت جلوگیری از بارداری ناخواسته و ابتلای آنان به بیماریهای مقاربتی از جمله ایدز دارد.

تعیین ۳۰ زن برای عضویت مجلس شورای سعودی

العربیة - ۱۱ ژانویه ۲۰۱۳ - به گزارش "العربیة" به نقل از شبکه تلویزیونی "الاکباریة"، ملک عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه سعودی، با صدور فرمانی تغییراتی را در قانون شورای مشورتی این کشور به وجود آورده است. به موجب این تغییرات، زنان اجازه دارند که به عضویت مجلس شورای این کشور درآیند. پادشاه سعودی تاکید کرد که این تغییرات مورد تایید مفتیهای این کشور قرار گرفته و مشارکت زنان در مجلس شورای سعودی منافاتی با فتاوی آنها در باره حقوق زنان ندارد. گفته می شود که در پی تغییرات جدید، دستکم بیست درصد از اعضای مجلس شورای سعودی را زنان تشکیل خواهند داد. براساس گزارش مزبور، زنان عضو مجلس شورا از حق کامل عضویت و برابر با مردها برخوردار خواهند بود.

ملک عبدالله همچنین اعضای جدید مجلس شورای این کشور را برای چهار سال آینده تعیین کرد که با تغییرات جدید نام ۳۰ زن در میان آنها دیده می شود. گفتنی است، طبق قانون اساسی کشور پادشاهی سعودی، اعضای مجلس شورای این کشور به صورت انتصابی و به دستور مستقیم پادشاه تعیین می شوند.

میلیونها کارگر خانگی در جهان از حمایتهای اجتماعی بی بهره اند

ایلنا، ۲۱ دی ۱۳۹۱ - بر اساس گزارش سازمان ملل، میلیونها کارگر خانگی در سراسر جهان از حمایتهای قوانین عمومی کار بهره نمی برند و به شدت نسبت به استثمار آسیب پذیر هستند. این گزارش از کشورها می خواهد حمایتهای تامین اجتماعی را به این کارگران ارایه دهند.

به نقل از مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، "سازمان پولاتسکی"، معاون مدیر کل سازمان بین المللی کار ملل متحد، می گوید: "کارگران خانگی در بسیاری از کشورها ساعات بیشتری نسبت به سایر کارگران کار می کنند و از استراحت هفتگی بی بهره اند، همچنین از حقوق و مزایای برابر با سایر کارگران سود نمی برند." بر اساس گزارش سازمان بین المللی کار، ۵۲ میلیون کارگر در جهان به عنوان کارگران خانگی کار می کنند که ۸۰ درصد آنها را زنان تشکیل می دهند. تعداد زیادی مرد نیز به عنوان باغبان، راننده و پیش خدمت فعالیت می کنند. در این گزارش آمده، از ۵۲ میلیون کارگر خانگی تنها ۱۰ درصد تحت پوشش قوانین کار مشابه سایر کارگران قرار دارند و یک چهارم کاملاً خارج از قوانین کار ملی به اشتغال گرفته شده اند.

ترور سه زن فعال کُرد در پاریس



العربیة - ۱۰ ژانویه ۲۰۱۳ - پلیس فرانسه روز پنجشنبه دهم ژانویه (۲۱ دی) از کشته شدن سه فعال کُرد در "مرکز اطلاع رسانی کردستان" در شرق پاریس خبر داد. بر اساس این گزارش، هر سه قربانی در اثر شلیک گلوله به ناحیه سر به قتل رسیده اند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، "لیون ایدارت"، رییس این مرکز، گفته است که هر سه زن مقتول از فعالان کُرد هستند. وی افزود که

"ویدان دوگان" (۳۲ ساله)، یکی از کشته شدگان این حادثه، از اعضای این مرکز اطلاع رسانی بود. "ایدارت" گفت که هر سه قربانی در روز چهارشنبه در این مرکز گردهم آمده بودند که به گفته وی، یکی از اعضای انجمن کردها در پاریس شب گذشته در صدد ملاقات با آنها بود.

یک منبع پلیس فرانسه اعلام کرد، سه جسد در ساعت ۲ بامداد پنجشنبه در مرکز رسانه ای کردستان واقع در خیابان "لاوایت" در منطقه ۱۰ پاریس کشف شد. این منبع افزود که صحنه حادثه نشان می دهد که این سه قربانی احتمالاً اعدام شده اند، اما لازم است تحقیقات دقیق در این باره صورت گیرد. بخش جنایی پلیس قضایی پاریس مسوولیت تحقیق درباره این قتلها را بر عهده گرفته است.

بنا به گزارش پلیس فرانسه، یکی از اجساد شناسایی شده متعلق به "سکینه کانسز"، یکی از بنیانگذاران "حزب کارگران کردستان" (پ.کا.کا) می باشد.

در همین حال وزیر کشور فرانسه با ابراز تاسف از این حادثه گفته است، چنین اعمال تروریستی در فرانسه غیر قابل قبول است. شایان ذکر است که منابع دولتی در آنکارا به تازگی از مذاکرات بین عبدالله اوجلان، رهبر زندانی کردها، و دولت ترکیه به منظور حل مساله کردستان از راه مسالمت آمیز خبر داده اند.

در همین رابطه کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت با صدور اطلاعیه ای، ترور سه زن مبارز کرد را محکوم و به خانواده و همزمان آنها تسلیت گفته است. این اطلاعیه اضافه می کند که در شرایطی که گفتگوهای صلح بین دولت ترکیه و کردهای این کشور جریان دارد و در حالیکه دیکتاتور سوریه در آستانه سقوط قرار دارد و جبهه منطقه ای رژیم آخوندی در حال متلاشی شدن است، از این ترور جنایتکارانه و فجیع به هر دلیل و از هر جانب که صورت گرفته باشد، بیش از هر طرف دیگری، فاشیسم دینی حاکم بر ایران سود می برد. این رژیم بیش از هر زمان دیگر از روند صلح بین دولت ترکیه و کردهای این کشور وحشت دارد.

۲۴ دانشگاه تک جنسیتی راه اندازی می شود

ایرنا، ۲۸ دی ۱۳۹۱ - کامران دانشجو، وزیر علوم رژیم با عنوان این موضوع در باره اسلامی شدن دانشگاهها گفت: "اسلامی شدن دارای ابعاد شکلی ظاهری همانند مناسبات دانشجویان و دانشگاهیان با یکدیگر و ابعاد ماهوی همانند محتوای دروس دانشگاهی است که البته باید به هر دو مقوله توجه داشت؛ هر چند که ماهیت اصل است اما نمی توان به این بهانه به شکل نپرداخت، همانطور که دستورات دینی و حتی عبادات نیز هم ماهیت دارد و هم شکل آن مشخص است."

وی ادعا کرد که اسلامی کردن دانشگاهها به معنای ترویج و به کارگیری فرهنگ دینی و جاری شدن احکام الهی در دانشگاهها است، همچنین در رشته های مختلف تحصیلی، به ویژه در علوم انسانی، محتوای دروس باید منطبق با تعریف اسلام و جهان بینی توحیدی از انسان باشد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- انقلاب خشونت نیست، انقلاب درهم شکستن توحش و خشونت سازمانیافته موجود است (ولادیمیر ایلیچ لنین (۱۸۷۰ - ۱۹۲۴) تیوریستین و انقلابی کمونیست، رهبر انقلاب ۱۹۱۷ و بنیانگذار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی)
- می توان حقیقتی را دوست نداشت، اما نمی توان منکر آن شد (ژان ژاک روسو، ژوئن ۱۷۱۲ - ژوئیه ۱۷۷۸، متفکر سویسی و یکی از الهام بخشان انقلاب کبیر فرانسه)

موسیقی

سیروس آربن پور، مترجم و ترانه سرا درگذشت



سیروس آربن پور، از نویسندگان و روشنفکران برجسته مقیم فرانسه، روز دهم دی در پاریس درگذشت.

سیروس آربن پور در جوانی برای تحصیل به اتریش رفت و پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در رشته اقتصاد و جامعه شناسی، به ایران برگشت. وی از سالهای جوانی دارای گرایش ملی بود. او در زمان تحصیل در خارج با "کنفدراسیون دانشجویان ایرانی" همکاری داشت.

آقای آربن پور با افزایش فشارهای سیاسی در اوایل دهه ۱۹۸۰ ناگزیر به مهاجرت شد و در مهاجرت به کار مطالعاتی و تلاش فرهنگی ادامه داد.

او از چند ماه پیش به خاطر ابتلا به سرطان تحت درمان بود و هنگام مرگ در اثر سکته مغزی، ۷۴ سال داشت.

دکتر آراین پور به زبانهای آلمانی و فرانسوی تسلط داشت. از او آثار بسیاری در حوزه اقتصاد و فلسفه به زبان فارسی به یادگار مانده است. از معروف ترین کارهای او ترجمه کتاب "روشنگری چیست؟"، پیرامون نظریه شناخت ایمانوئل کانت، فیلسوف نامی آلمانی، است.

سیروس آراین پور شاعری باذوق و ترانه سرایی زبردست بود، اما کمتر به این عنوان شناخته می‌شد. او ترانه سرایی را بیشتر از روی تفنن انجام می‌داد. بسیاری از تصنیفهای آراین پور با صدای ویگن، خواننده نوجوی ایرانی، اجرا شده بود، مانند ترانه "شاه دوماد". از کارهای بعدی سیروس آراین پور ترانه "پرستو" است که منوچهر سخایی آن را با آهنگی ساخته عطاءالله خرم اجرا کرده است:

پرستویی شد و پرپر زنون رفت
به صحراهای بی نام و نشون رفت
حریفان پیش من با طعنه می‌گن
ستاره شد به طاق آسمون رفت

ترانه ای برای ندا توسط خواننده زن اهل هاوایی

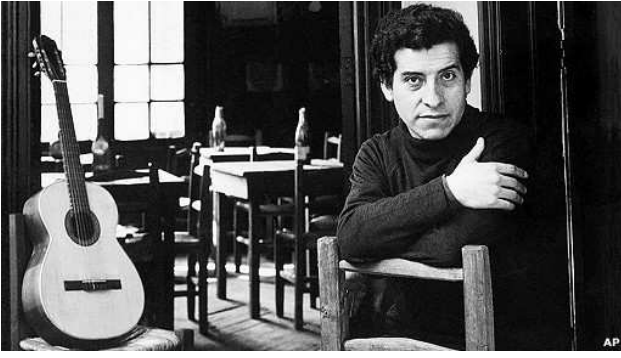


جهان موسیقی نگاه "ندا" را فراموش نکرده است. این بار یک خواننده زن اهل هاوایی به یاد ندا آقا سلطان می‌خواند. او در صفحه فیس بوک خود در باره او می‌نویسد: "ندا سرچشمه الهام من، ما و همه بشریت است." کاوهی (kawehi)، خواننده جوانی از اهالی هاییتی است که یک

بار دیگر نام ندا آقا سلطان را با ویدیو ترانه ای که ۱۷ ژانویه در یوتیوب منتشر ساخت، در یادها زنده کرد. این ویدیو تا به حال هزاران بار کلیک خورده است و به ظاهر ارتش سایبری جمهوری اسلامی نیز برای حذف آن فعال شده است. در این باره، این خواننده جوان که تا کنون بیش از ۲۰۰ اجرا در پلتفرمهای متعدد داشته است، می‌نویسد: "پس از انتشار ویدیوی "ندا" ایمیلهای نفرت انگیز زیادی دریافت کرده ام که از من می‌خواهند آن را حذف کنم. من نمی‌خواهم به یک به یک این افراد جواب دهم. پاسخ من ولی این است: "نه!"

حکم جلب برای هشت نفر در ارتباط با مرگ ویکتور خارا

ویکتور خارا، خواننده چپ‌گرای شیلی برای بسیاری از مردم این کشور یک قهرمان به شمار می‌رود. او در سپتامبر سال ۱۹۷۳ در روزهای اولیه حکومت نظامیان تحت رهبری ژنرال آگوستو پینوشه، در استادیوم ملی سانتیاگو به قتل رسید. بر جسد او که بعداً در خیابانهای پایتخت پیدا شد. اثر ۴۴ گلوله دیده می‌شد.



شاهدان عینی گفته اند سربازان دستان او را شکستند و سپس به او گفتند تا گیتار خود را بنوازد. خارا شجاعانه شروع به خواندن یک آهنگ سوسیالیستی کرد و قاتلان تحقیر شده او را زیر رگبار گلوله گرفتند. این استادیوم هم اکنون به نام ویکتور خارا نامگذاری شده است.

اکنون یک قاضی در شیلی دستور بازداشت هشت افسر سابق ارتش را در ارتباط با پرونده قتل ویکتور خارا داده است. برای

ستوان "پدرو باریئنتوس نونهز" که در خارج از شیلی زندگی می کند، حکم جلب بین المللی صادر شده است. او دخالت خود در مرگ ویکتور خارا را رد کرده است. قاضی "میگوئل واسکوئز"، آقای "باریئنتوس" و سرهنگ "هوگو سانچز مارمونتی"، افسر سابق ارتش، را به قتل متهم کرده است. شش نفر دیگر به مشارکت در قتل متهم شده اند. ویکتور خارا برای بسیاری از مردم شیلی یک قهرمان به شمار می رود. او در بسیاری از نقاط جهان از جمله ایران هوادار دارد. او از بنیان گذاران جنبش جدید ترانه در شیلی بود و از حامیان سالوادور آلنده، رئیس جمهور شیلی به شمار می رفت که با کودتای نظامی سرنگون شد. ویکتور خارا همچنین عضو حزب کمونیست شیلی بود.

تیاتر

اجرای تئاتر برای کارگران نساجی تهران

جمعی از کارگران بافندگی و نساجی تهران در سالن قشقایی مجموعه تیاتر شهر به تماشای نمایش ضد جنگ "درخشش در ساعت مقرر" به نویسندگی و کارگردانی حمیدرضا نعیمی نشستند.

کارگردان این نمایش درباره چگونگی برقراری ارتباط با این گروه از مخاطبان گفت: "برای من بسیار خوشحال کننده است که مخاطبان اجرای جمعه شب (۱۶ دی ماه) این نمایش، کارگران بودند. گروهی از شاخه فرهنگی تشکل صنفی این کارگران با ما تماس گرفتند و درخواست بلیت نیم بها داشتند که با کمال میل پذیرفتیم، چون وظیفه ما بود اسباب ساده شدن چنین رابطه ای را مهیا کنیم."

او ادامه داد: "وقتی ۱۵۰ نفر وارد سالن ۱۱۵ نفری قشقایی شدند، فکر می کردم احتمال دارد ناهماهنگیهایی به وجود آید و مثلاً تماشاچیان با یکدیگر صحبت کنند یا صدای زنگ تلفن همراه آنها به صدا در بیاید. اما این کارگران در نهایت همکاری با گروه، نمایش را تا انتها در سکوت کامل تماشا کردند و پس از اتمام کار با تشویق خود چنان روحیه ای به ما دادند که به گفته همه اعضای گروه موجب شد یکی از شیرین ترین اجراهای گروه طی ۲۰ شب گذشته رقم بخورد." نویسنده و کارگردان نمایش ضد جنگ "درخشش در ساعت مقرر" در پاسخ به این سوال که چرا ارتباط میان گروههای نمایشی و کارخانه ها کم است، اظهار کرد: "واقعیت این است که تیاتر ما امروز در شرایط بسیار سخت و طاقت فرسایی قرار دارد. همین الان گروههای نمایشی در مقایسه با تورم موجود در کشور دستمزد بسیار کمی می گیرند و بخشی هم که اصلاً حقوقی دریافت نمی کنند."

کتاب

نویسنده افغان پس از تهدید شدن به مرگ از کشور گریخت

تقی بختیاری، نویسنده رمان "گم نامی"، ناگزیر به ترک افغانستان شد. او به خاطر نگارش اثری انتقادی از چند ماه پیش تهدید به مرگ می شد و زندگی مخفیانه ای در پیش گرفته بود. وی از زمان انتشار رمان "گم نامی" با حملات مراجع روحانی افغانستان روبرو شده است.

کتاب "گم‌نامی" داستان سرگذشت میرجان، جوان افغان است که به شوق آموزش علوم اسلامی برای تحصیلات دینی به ایران می‌رود و به عنوان طلبه علوم دینی در حوزه علمیه اصفهان مشغول تحصیل می‌شود. او در معاشرت با روحانیون، آلودگیها و فساد اخلاقی زیادی می‌بیند، از جمله یکی از استادان او که آیت الله است، به او تجاوز می‌کند. میرجان که از این گونه آلودگیها سخت یکه خورده است، درباره اعتقادات خود به تفکر می‌پردازد. او رفته رفته در ایمان دینی خود شک می‌کند، از زندگی طلبگی روی می‌گرداند و سرانجام به وطن خود بر می‌گردد.

رمان "گم‌نامی" حدود ۴ ماه پیش از سوی "انتشارات تاک" در افغانستان چاپ و منتشر شد. آقای بختیاری بارها تهدید به مرگ شده است. او توضیح داد: "در یک مورد شیشه های اتومبیل را خرد کردند و روی آن شعار نوشتند: "جوجه سلمان رشدی، کافر بی دین."

قانون جدید ترکیه و بازگشت هزاران کتاب به بازار

پس از لغو ممنوعیت انتشار هزاران کتاب در ترکیه از جمله "مانیفست حزب کمونیست"، اثر کارل مارکس و فردریک انگلس و نیز آثار ناظم حکمت، شاعر معروف ترکیه که به مدت چندین دهه ممنوع اعلام شده بودند، کتابهای ممنوع شده به کتابفروشیها باز می‌گردند.

از طرف دیگر، به موجب قانون جدید، تعداد زیادی از آثار نویسندگان مارکسیست مانند کتابهای ژوزف استالین، لنین و نشریه هایی با موضوع کردها و غیره اجازه انتشار پیدا می‌کنند.

بر اساس برآوردهای وزارت دادگستری ترکیه، قانون جدید شامل ۲۳ هزار کتاب در خارج آنکارا می‌شود.

شعر

غزلهای حافظ به زبان کردی ترجمه شد

مصطفی بیگی، شاعر کرد اهل ایلام، حدود ۲۰ سال است سرگرم ترجمه تعدادی از غزلهای حافظ به زبان کردی و گویش ایلامی است.

پیش از مصطفی بیگی، عباس حقیقی بیش از ۱۰۰ غزل حافظ را به زبان کردی و گویش سورانی ترجمه کرده بود که در کتابی به نام "شه ونم" چاپ شده بود و با استقبال مخاطبان کرد زبان به چاپ دوم هم رسیده است.

به تازگی هم "عمر صالح صاحب"، شاعر معروف کرد بخشی از غزلهای حافظ را به زبان کردی ترجمه و در کتابی به چاپ رسانده است.

سینما

مردم کاشان به سینما نمی‌روند

تنها سینمای شهرستان ۵۰۰ هزار نفری کاشان با کاهش تماشاگر روبرو شده است. این شهر که پیشتر دارای دو سینما بود، اکنون تنها یک سینما دارد که آن هم مورد استقبال مردم نیست. مهدی نادعلی، مدیر عامل سازمان رفاهی تفریحی شهرداری کاشان در باره علت بی‌علاقگی مردم کاشان به دیدن فیلم ادعا کرد: "به خاطر بافت مذهبی که شهرستان کاشان دارد، از سینما زیاد استقبال نمی‌شود."

این در حالی است که مردم کاشان به خبرنگاران گفته اند، اگر سینمای کاشان فیلمهای جدید و متناسب با مشکلات جوانان به نمایش بگذارد، آنان استقبال خواهند کرد.

حذف نام بهرام بیضایی از لیست کارگردانان مجموعه مستند پیرامون فرش ایرانی

مجموعه مستند "فرش ایرانی" شامل پانزده مستند پیرامون فرش ایرانی است که پانزده کارگردان شناخته شده سینمای ایران در تولید آن نقش داشته اند. این مجموعه شامل مستندهایی به کارگردانی بهروز افخمی، رخشان بنی اعتماد، بهرام بیضایی، جعفر پناهی، کمال تبریزی، سیف الله داد، مجتبی راعی، نورالدین زرین کلک، خسرو سینایی، بهمن فرمان آرا، عباس کیارستمی، مجید مجیدی، رضا میرکریمی، داریوش مهرجویی و محمدرضا هنرمند است. در لیست اسامی کارگردانان در پشت جلد، نام بهرام بیضایی که کارگردان مستند "قالی سخنگو" است، حذف شده است.



برندگان گلدن گلوب

در مهمترین جشنواره سینمایی پس از اسکار، فیلم "آرگو" درباره ماجرای گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران، جایزه بهترین فیلم درام را کسب کرد. "بن افلک"، سازنده این فیلم، نیز جایزه بهترین کارگردان را نصیب خود کرد.

فیلم موزیکال "بینوایان" در جشنواره "گلدن گلوب"

که یکشنبه شب در شهر لس آنجلس برگزار شد سه جایزه از جمله بهترین فیلم موزیکال را نصیب خود کرد. "دانیل دی لویس" به خاطر بازی در فیلم تاریخی "لینکلن" ساخته "استیون اسپیلبرگ" جایزه بهترین هنرپیشه مرد در

رشته درام را برد. "لینکلن" در هفت رشته نامزد جایزه بود.

"جسیکا چستین" به خاطر بازی در فیلم "سی دقیقه پس

از نیمه شب"، جایزه بهترین هنرپیشه زن در رشته درام را نصیب خود کرد. این فیلم به تعقیب و عملیات کشتن

"اسامه بن لادن"، رهبر شبکه القاعده، می پردازد.

فیلم "عشق" (Amour) ساخته "میشاییل هانکه"،

کارگردان اتریشی، برنده جایزه بهترین فیلم خارجی شد و

"شجاع" (Brave) "برنده بهترین انیمیشن سال.



"آدل"، خواننده بریتانیایی، به خاطر آهنگ "اسکای فال" از رشته فیلمهای جیمز باند، جایزه بهترین آهنگ اصیل را برد و

جایزه بهترین موسیقی متن به فیلم "زندگی پی" رسید.

در ادامه اعطای جوایز گلدن گلوب فیلم "جانگو آزاد شده" (Django Unchained) دومین جایزه خود را در این

مراسم برد. این فیلم که جایزه بهترین هنرپیشه مکمل مرد را از آن خود کرده بود، بهترین فیلمنامه را هم برد که نصیب

"کوینتین تارانتینو"، کارگردان آن شد.

نقاشی

تابلوی یک میلیون دلاری ماتیس پیدا شد

تابلوی "بوستان"، اثر هنری ماتیس که در سال ۱۹۸۷ دزدیده شده و ارزش آن ۱ میلیون دلار برآورد شده بود، در انگلستان پیدا شد. این تابلو از موزه هنرهای معاصر استکهلم دزدیده شده بود و در همان زمان سارقان تلاش کرده بودند

که آن را با قیمتی گزاف به همان موزه بفروشد. در آن مقطع رییس موزه گفته بود که این تابلو شناخته شده تر از آن است که سارقان بتوانند آن را به راحتی در بازار بفروشند، به همین دلیل با پرداخت باج به سارقان مخالفت کرده بود. هانری ماتیس، نقاش و مجسمه ساز امپرسیونیست فرانسوی بود که یکی از برجسته‌ترین هنرمندان تجسمی پیشروی آغاز قرن به شمار می رود.

موضوع "آزادی و دموکراسی" در موزه آلمان

موزه تاریخ آلمان آثار ۱۱۳ هنرمند از ۲۸ کشور اروپایی را که به موضوعهای "آزادی و دموکراسی" پرداخته‌اند، به نمایش گذاشته است. "رنه ماگریت"، "مونا هاتوم"، "ایو کلاین" و "آرماندو" از جمله این هنرمندان هستند. وسوسه آزادی - هنر در اروپا از سال ۱۹۴۵ عنوان نمایشگاهی است که از ۱۷ اکتبر ۲۰۱۲ تا ۱۰ فوریه ۲۰۱۳ در "موزه تاریخ آلمان" در برلین برپاست. در این نمایشگاه آثار ۱۱۳ هنرمند اروپایی که مفاهیم آزادی، منطق، خشونت، جنون مصرف و... را در کارهای خود دستمایه قرار داده‌اند، به نمایش گذاشته شده است.

اخبار مقاومت.....

اجلاس میان دوره یی شورای ملی مقاومت ایران

اجلاس میان دوره یی شورای ملی مقاومت با حضور خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورا، برگزار شد. در آغاز جلسه، پس از اجرای جمعی سرود «ای ایران ای مرز پرگهر»، سرود رسمی شورای ملی مقاومت، خانم رجوی در سخنان افتتاحیه خود به اعضای شورا خیرمقدم گفت و به نبردها و تظاهرات مردم به جان آمده یی که از سوریه تا عراق و ایران، سلطه دیکتاتوری و جبهه منطقه یی رژیم ولایت فقیه را به لرزه درآورده‌اند، درود فرستاد. رئیس جمهور برگزیده شورا به تحولات صورت گرفته در فاصله بین دو اجلاس میان دوره یی، از جمله پیروزی کارزار سیاسی و حقوقی مقاومت در لغو برچسب ظالمانه تروریستی در آمریکا و سپس کانادا؛ پایداری مجاهدان اشرف و لیبرتی در برابر توطئه بی خانمان سازی اجباری و غارت اموالشان توسط عوامل رژیم ولایت فقیه در عراق؛ به ستوه آمدن مردم بر اثر تورم و گرانی بیسابقه و فقر کمرشکن؛ مخاصمات مهارناپذیر درون حاکمیت؛ اعدامهای جمعی و رو به افزایش رژیم، و اعلام برپایی یکانها و دسته های ارتش آزادیبخش ملی ایران در سراسر میهن اشغال شده در پاسخ به ضرورتهای دوران جدید و تغییر تعادل بین مقاومت و رژیم، اشاره کرد و گفت: «خامنه ای و همدستانش در وضعیتی هستند که دیگر از منافع بادآورده جنگ عراق در ده سال پیش، یا از آنچه با قرار دادن ظالمانه مجاهدین در لیستهای تروریستی به چنگ آورده بودند، برخوردار نیستند. آنچه در این سالها سرپوش ضعفهای بنیادین رژیم ولایت فقیه بود و برایش فضای حیاتی فراهم کرده بود، حالا گلوی رژیم را به شدت فشار می دهد. این شرایط مسئولیت تاریخی بزرگی را بر دوش این مقاومت و فرد اعضا و حامیانش قرار می دهد».

شورای ملی مقاومت در بحثهای اجلاس میان دوره یی، سیر پرشتاب تحولات اوضاع در میهنمان ایران و هم چنین رخدادهای عراق و سوریه و سیاستهای مداخله جویانه دیکتاتوری آخوندی در این کشورها را -که هر روز در تظاهرات مردمی عراق و سوریه و در بیانیه های نیروهای میهن پرست و انقلابی این کشورها افشا و محکوم می شود- مورد بررسی قرار داد.

شورا این مداخلات ننگین و جنایت آمیز رژیم آخوندی را، که به طور خاص به مشارکت همه جانبه در سرکوب و کشتار مردم سوریه راه برده است، به شدت محکوم کرد و با تأکید بر همبستگی مردم و مقاومت ایران با مردم به پاخاسته و

آزادیخواه سوریه و عراق تاکید کرد که همدستی خامنه ای با دیکتاتورهای چون بشار اسد و نوری مالکی بخش غیر قابل انفکاک سیاست و استراتژی او برای حفظ سلطه و هژمونی اش در ایران است و پیگیری بی دنده و ترمز این سیاست در مرحله کنونی، با توجه به موقعیت رژیم و تحولات بین المللی و منطقه یی و پیامدهای قیامها و بهار عربی، قبل از هر چیز، ضعف بنیادین و بن بست بی علاج دیکتاتوری آخوندی را باز تاب می کند.

اجلاس میان دوره یی شورای ملی مقاومت پس از بررسی انزوای فزاینده رژیم و پیامدهای تحریمهای بین المللی به خاطر برنامه دستیابی به سلاحهای اتمی، نتیجه گرفت که اگرچه سیاست مماشات هم چنان در اعمال تحریمهای همه جانبه و طرد کامل دیکتاتوری نامشروع آخوندها تعلل می کند، اما سران و کارشناسان خود رژیم هم اذعان دارند که اصرار بر دستیابی به بمب اتمی، رژیم را اکنون به بحران مرگباری نظیر مقطع پایانی جنگ هشت ساله با عراق دچار کرده و به دوراهی «زهر خوردن و عقب نشینی» یا «پذیرش عواقب مهلک سیاست اعلام جنگ با جامعه جهانی» رسانده است. در چنین شرایطی، رژیم در برابر بحرانهای حاد اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی و هم چنین به سبب بحران درون حاکمیت و باند غالب بر سر نمایش انتخابات ریاست جمهوری، از هر سو با بن بستها و تنگناهای غیر قابل عبور مواجه شده است. هم از این روست که خامنه ای، وحشت زده از چشم انداز تیره و تاری که در مقابل خود می بیند، چاره یی جز تشدید سرکوب و خفقان و افزودن بر شمار اعدامهای وحشیانه و جمعی برای کنترل اوضاع و جلوگیری از انفجار خشم و نارضایتی متراکم مردم و استمرار توطئه های ضد انسانی اش علیه مقاومت سازمان یافته و به خصوص علیه رزمندگان اشرف و لیبرتی، نمی یابد.

اجلاس شورای ملی مقاومت به پایداری رزمندگان آزادی در این موقعیت خطیر و بغرنج درود فرستاد و درهم شکستن توطئه های دشمن و پیروزی تاریخی و بی نظیر مقاومت در کارزار لغو برچسب تروریستی را که حاصل ثبات قدم و درستی مشی و مسیر جنبش است، به تمامی اعضا و حامیان مقاومت تبریک گفت و تأکید کرد که راهگشایی و اعتلای مقاومت رو در روی فلاکت و بن بست دشمن، بر سنگینی بار مسئولیت شورا در پیگیری هدف اساسی اش که همانا سرنگونی استبداد دینی و استقرار آزادی و حاکمیت مردم در ایران است، می افزاید.

در این اجلاس، دکتر کریم قصیم، مسئول کمیسیون محیط زیست شورا، کتاب جدیدش را که با عنوان «جاده صاف کن های جنگ - سیاست اپیزمنت غرب با فاشیسم دهه ۳۰ قرن بیستم» از چاپ خارج شده است، به رئیس جمهور برگزیده مقاومت اهدا کرد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۶ دیماه ۱۳۹۱

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

آخرین دیدار با سه تن از فعال پ کا در دیاربکر ترکیه



چندین صد هزار تن از کردهای ترکیه در مراسم تجلیل از سه تن از فعالان حزی کارگزان کردستان (پ کا کا) در دیاربکر، بزرگترین شهر کردستان ترکیه، شرکت کردند. روز به گفته خبرنگار بی بی سی، این شهر در روز پنجشنبه ۲۸ دی ۱۳۹۱ برابر با ۱۷ ژانویه ۲۰۱۳، در حین برپایی مراسم، تقریباً به حالت تعطیل در آمده بود. یک روز قبل از این مراسم بزرگ و پرشور، اجساد این سه فعال زن کرد، از پاریس به فرودگاه دیاربکر منتقل شد. سکینه جانسیز، یکی از بنیانگذاران حزب کارگردان کردستان (پ کا کا)، فیدان دوغان و لیلا سولماز روز پنجشنبه ۲۱ دی (۱۰ ژانویه) در انستیتو کرد در شهر پاریس ترور شدند. سکینه جانسیز نخستین زنی بود که وارد کادر رهبری پ کا ک شد.

در مراسم سوگواری در کنار ساکنان شهر دیاربکر، کردهای سایر مناطق ترکیه و خارج از کشور، مقامات سیاسی و اجتماعی مشهور و نمایندگان مجلس ترکیه نیز حضور داشتند. عادل کورت، یکی از نمایندگان کرد مجلس ترکیه با حضور در این مراسم در مصاحبه ای با صدای روسیه تعداد شرکت کنندگان در مراسم را میلیونی دانست. عادل کورت گفت؛ به یاد این زنان که زندگی خود را برای مبارزه به خاطر آزادی فدا کردند ما آرام نخواهیم نشست، تا زمانی که مجرمان این حادثه مشخص نشوند.

پس از مراسم آخرین دیدار و ودا در دیاربکر جسد این مبارزان برای خاکسپاری به شهرهای محل تولدشان فرستاده شد. جسد سکینه جانسیز به درسیم، فیدان دوغان به البیستان و لیلا شایلمز به مرسین منتقل شد.

به گزارش فرات نیوز، روز جمعه ۲۹ دی، پیکر سکینه جانسز توسط دهها هزار نفر و با شعار «شهید زنده‌است» در درسیم به خاک سپرده شد. دهها هزار نفر از شهروندان درسیمی به طرف «جم‌خانه» درسیم به راه افتاده که پیکر جانسز در آنجا نگهداری می‌شد. جمعیت حاضر سیاه پوش شد و به لهجه های کرمانجی و زازاکی مرتب شعار سردادند. شمار زیادی از احزاب و سازمان‌ها از قبیل حزب صلح و دموکراس، جبهه خلق و بسیاری دیگر از سازمانهای مدنی و حقوق بشری در مراسم تشییع پیکر جانسز حضور یافتند. جمعیت حاضر شعارهای «شکسته باد دستی که صلح را بهم می‌زند»، «زن، زندگی، آزادی» و «درسیم از شهید خود صاحب‌داری می‌کند»، «پ.ک.ک خلق است، خلق اینجاست» و «زنده‌باد رهبر آپو» سردادند.

دستگیری دو مظنون در ارتباط با قتل زنان کرد در پاریس

دوپیچه وله: حدود یک هفته پس از قتل سه فعال کرد ترکیه در پاریس پلیس فرانسه اعلام کرد دو نفر را در ارتباط با این حادثه بازداشت کرده است. سه زنی که به قتل رسیدند عضو حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بودند. خبرگزاری رویترز صبح شنبه (۳۰ دی / ۱۹ ژانویه) گزارش داد دو مردی که ظاهراً پنج‌شنبه در ارتباط با قتل سه زن کرد بازداشت شدند از کردهای ترکیه هستند و با قربانیان ارتباط داشته اند. پلیس فرانسه شامگاه ۱۰ ژانویه (۲۱ دی) جسد سه زن فعال کرد را که با شلیک گلوله به سرشان به قتل رسیدند در یک مرکز کردها در پاریس پیدا کرد. یکی از این سه نفر سکینه جانسز، از بنیانگذاران حزب کارگران کردستان ترکیه بود.

کارشکنی در روند گفتگوهای صلح

دو روز پس از کشف جسد سه فعال کرد در پاریس رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، از فرانسه خواست تا "هر چه سریعتر" عاملان این ترور را شناسایی کند. او هدف از قتل سه فعال کرد را کارشکنی در روند گفتگوهای صلح میان دولت ترکیه با عبدالله اوجلان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان، عنوان کرده است. به گزارش رویترز دو فرد بازداشت شده دو کرد ۳۰ و ۳۹ ساله هستند که یکی از آنها مدتی راننده ی سکینه جانسز بوده است. پلیس فرانسه از کشف یک "رد پای تعیین‌کننده" خبر داده اما از نقش احتمالی بازداشت شدگان در قتل سه فعال کرد خبری منتشر نکرده است. فیدان دوغان و لیلیا سولماز دو قربانی دیگر کرد هستند که مانند جانسز از فعالان ارشد حزب پ.ک.ک. محسوب می شدند. در پی قتل این سه فعال کرد تظاهرات گسترده ای در شهرهای مختلف ترکیه و فرانسه برگزار شد. شمار تظاهرکنندگان در پاریس ۱۵ هزار نفر گزارش شده است.

احتمال تسویه حساب درون‌گروهی

فعالان کرد دولت ترکیه را مسئول قتل سه عضو پ.ک.ک. می‌دانند. مقامهای دولتی ترکیه در مقابل معتقدند این قتل نتیجه ی تسویه حسابهای داخلی میان رهبران کردها و احتمالاً کار کسانی است که از توافقیهای صورت گرفته میان اوجلان و نمایندگان دولت ناخشنود هستند. حزب پ.ک.ک. در ترکیه، اروپا و آمریکا در فهرست گروههای تروریستی قرار دارد و فعالیتش ممنوع است. اعضای این حزب از سال ۱۹۸۴ مبارزه مسلحانه را علیه دولت مرکزی ترکیه آغاز کرده‌اند. دست کم دو نفر از زنان کشته شده ی کرد سالهای طولانی در آلمان ساکن و تحت نظر پلیس بوده اند. ترکیه کشورهای اروپایی به ویژه آلمان و فرانسه را متهم می‌کند که از همکاری لازم برای مقابله با پ.ک.ک. خودداری می‌کنند. حدود ۱۵۰ هزار کرد مقیم فرانسه هستند. این کشور یکی از بزرگترین مراکز تجمع مهاجران و پناهندگان کرد محسوب می‌شود.

فراسوی خبرها.....

تحریمهای تازه اتحادیه اروپا، جهشی چشمگیر علیه جمهوری اسلامی

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۴ دی

تحریمهای اتحادیه اروپا که از روز شنبه ۲۲ دسامبر به دست اجرا گذاشته می شود، نشان از چرخش سیاسی چشمگیر ۲۷ عضو اتحادیه اروپا دارد. پیشتر، اتحادیه اروپا گامهای کوتاه تری نسبت به آمریکا برداشته بود و تحریمهای آنها تنها شامل محدودیتهای ویژه اقتصادی بر اشخاص و شرکتهای می شد. آنها ادعا می کردند که نگران فشار تحریمها بر مردم ایران هستند و همزمان، جمهوری اسلامی با تغییر نام و تقلب، به فعالیتهای خود کما بیش ادامه می داد. تحریمهای جدید به روشنی هر گونه نقل و انتقال و معامله به هر نام و در هر شکل را در بر می گیرد و اقلام مورد نیاز مردم مانند کمکهای انسانی، غذایی و دارویی را مورد استثنا قرار می دهد.

تحریمهای اتحادیه اروپا حوزه های بانکداری، کشتیرانی و صادرات گاز را در بر گرفته است. همچنین نقل و انتقال میان بانکهای ایرانی و اروپایی، واردات گاز از ایران - و در حالیکه پیشتر خرید نفت ممنوع شده بود - نقل و انتقال و انبار نفت ایران از طریق شرکتهای اروپایی نیز ممنوع شده است. مفاد این اقدامات در ۱۵ اکتبر سال جاری به تصویب کشورهای عضو رسیده بود و اکنون به این وسیله اجرایی می شود.

در همین حال، بر اساس گزارش نشریه اداری اتحادیه اروپا، این اتحادیه تحریمهای تازه ای را علیه ۱۸ شرکت و یک فرد که در فعالیتهای هسته ای جمهوری اسلامی شرکت داشته و یا از آن پشتیبانی می کنند را اعلام کرد. بدین ترتیب شمار شرکتهای تحت تحریم اتحادیه اروپا به ۴۹۰ و اشخاص تحریم شده به ۱۰۵ نفر رسید.

شایان توجه آنکه، یک روز پیشتر (۲۱ دسامبر)، وزارت دارایی آمریکا نیز چهار شرکت و یک نفر را به دلیل ارتباط با برنامه های هسته ای و موشکی جمهوری اسلامی در لیست سیاه خود قرار داد. وزارت دارایی آمریکا می گوید که یکی از این شرکتها (شرکت واردات و صادرات "ساد")، از سوی سازمان صنایع دفاع ایران برای ارتش سوریه تجهیزاتی ارسال کرده که به تولید خمپاره و موشک برای استفاده علیه مردم این کشور کمک می کند. بر اساس تحریمهای شورای امنیت، رژیم ایران حق صدور تسلیحات نظامی به کشورهای دیگر را ندارد.

یک روز پیش از آن، شورای امنیت سازمان ملل دو شرکت را به دلیل انتقال سلاح به سوریه تحریم کرده بود. در همین زمینه کانادا نیز سپاه قدس را در لیست تروریستی قرار داد.

سلسله تحریمهای همه جانبه و گسترده علیه جمهوری اسلامی در کمتر از یک هفته و پیش از مذاکرات ۱۶ ژانویه ضربات پتکی بر سر رژیم هستند تا این واقعیت را حک کنند که راه های دوز و کلک بسته شده و همه سوراخهای گریز از بن بست که بدان دچار شده، مسدود گردیده است.

تایید پاسدار احمدی مقدم بر نقش مستقیم خامنه ای در کلیه جنایات رژیم

جعفر پویه

فراسوی خبر ... چهارشنبه ۶ دی

روز گذشته (سه شنبه) پاسدار اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده کل پلیس رژیم ولایت فقیه با روزنامه کیهان که زیر نظر نماینده خامنه ای اداره می شود و به ارگان بازجویان وزارت اطلاعات معروف است، درباره دستگیریها و سرکوب معترضان به انتخابات مهندسی شده رژیم گفتگو کرده است. احمدی مقدم در این گفتگو مواردی را اشاره و تایید کرده که تا کنون بسیاری بر آنها انگشت گذاشته بودند.

فرمانده پلیس کشور که زیر نظر مستقیم رهبر جمهوری اسلامی به سرکوب و بگیر و ببند مشغول است، در مورد سرکوب تظاهرات سال ۸۸ و زندان خانگی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد می گوید: "در یک جلسه ای بعد از فتنه روز عاشورا، ما به ایشان عرض کردیم که یک تعداد از کسانی که در این فتنه دخیل هستند باید دستگیر شوند. فرمودند بروید ابتدا احراز کنید بعد بیاورید پیش من از من مجوز بگیرید. بعد از احراز یک لیست ۴۰ نفره بردیم فرمودند: این چند نفر با من."

اینگونه احمدی مقدم اعتراف می کند که سرکوبهای خونین مردم زیر نظر رهبر و به دستور مستقیم او انجام می گیرد. هرچند احمدی مقدم در مورد کروبی و موسوی مقدم می گوید: "قرار بود واقعا با اینها برخوردهای جدی کنیم، ولی آقا اجازه ندادند."

اما همین جمله و گفته بالا به طور کامل مشخص می کند که مسوولیت قتل و کشتار در کشور با چه کسی است و فرمان شکنجه، تجاوز جنسی و قتل جوانان در کهریزک و دیگر زندانهای رژیم را چه کسی صادر می کند. پاسدار احمدی مقدم همچنین اعتراف می کند که دستگاه قضایی و حرافی در مورد قانون در کشور پیشیزی ارزش ندارد و آنچه بالا دست همه این نهادهای دهن پُرکن قرار دارد، دستور ولی فقیه و شخص علی خامنه ای است. او می گوید: "دستگاه های انتظامی و امنیتی و قضایی به وظیفه خودشان عمل کرده اند و تشکیل پرونده داده اند، ولی در یک مصلحت بالاتری معامله طلحه و زبیر با اینها شده است."

این جملات تصریح می کند که پرونده سازی و خط و نشان کشیدن نهادهای سرکوب زیر نظر خامنه ای تنها پوسته ای از واقعیت است و این اوست که فرمان نهایی در مورد هر عمل جنایتکارانه ای را صادر می کند.

در این گفتگو پاسدار احمدی مقدم از اختیار کامل دستگاه های سرکوب رژیم در بد رفتاری و سرخود عمل کردن با مردم نیز پرده بر می دارد و می گوید: "اگر قرار بود با متر قانون حرکت کنیم، باید برای هر مورد پرونده تشکیل می شد و به دادسرا می رفت. اما ما با توافقی که با دستگاه قضایی داریم، سعی کرده ایم با این روش از این روند جلوگیری کنیم."

از این واضح تر نمی شود که سخره گرفتن جان و حیثیت و کرامت انسانی شهروندان توسط سرکوبگران ولایت فقیه را بیان کرد. احمدی مقدم به خوبی عیان می کند که نه تنها برای هر موردی که دستگاه زیر نظر او بر خلاف مصالح رژیم تشخیص بدهد، قانونی بر خورد نمی کند، بلکه سرکوبگران در رژیم ولایت فقیه "با متر قانون" نیز حرکت نمی کنند، زیرا زورگویی و سرکوب شهروندان، تجاوز و شکنجه و پامالی حقوق انسانی و کرامت مردم، برای رژیم ولایت ارزشی ندارد، به همین دلیل دستگاه قضایی با سرکوبگران توافق کرده هر آنگونه خود صلاح می دانند با مردم رفتار کنند.

اعتراف فرمانده کل پلیس کشور و گماشته سرکوبگر خامنه ای، بیانگر عملکرد اراذل و اوباشی است تحت نام پلیس و دستگاه امنیتی که زیر نظر مستقیم ولی فقیه رژیم، علی خامنه ای عمل می کنند. گفته های پاسدار احمدی مقدم تایید کننده نقش مستقیم خامنه ای در شکنجه، تجاوز جنسی، قتل و بی قانونی در کشور است.

اعتراف به نمایش سرکوبگرانه ۹ دی در تقابل با قیام ۶ دی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر آدینه ۸ دی

این روزها، رسانه های حکومتی به سخن پراکنیهای پایوران و جیره خواران حکومتی در باره رویدادهای سال ۸۸ رنگین شده است. اگرچه سرکوبگران خود را در نبرد برای مهار خیزشهای خیابانی سال ۸۸ از طریق تظاهرات فرمایشی ۹ دی پیروز نشان می دهند، اما سیاهچالها، درفش و داغ حکومت ولایت فقیه تو خالی بودن این پیروزی را تاکید می کند. قاتلان مردم، از ریز و درشت، بر یک امر نقطه تاکید می گذارند و به هموردی مردم در برابر ولایت فقیه که تحولی نوین در جنبش ضد دیکتاتوری بود اعتراف می کنند و این پدیده را ضربه ای اساسی به پایه های وحدت رژیم ارزیابی می کنند. رژیم روز ۹ دی، همه نیروهای خود را با استفاده از همه شیوه های سرکوب به خیابان آورد تا در مقابل درخشش قیام ۶ دی (روز عاشورا) نیروی سرکوب را به رُخ مردم بکشد. مردم در روز عاشورا با شعارهای «مرگ بر اصل ولایت فقیه»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه ای» بر کلیت رژیم خط بطلان کشیدند.

جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران در تعریف ۹ دی می گوید: «۹ دی نقطه ای بود که می توان تاریخ انقلاب را در امتداد آن به ماقبل و ما بعد آن تجربه کرد، ۹ دی نقطه آغاز بین المللی کردن انقلاب اسلامی در چهره جدید بود». کریه تر شدن چهره جمهوری اسلامی در چشم جهانیان یکی از دستاوردهای مهم خیزشهای خیابانی سال ۸۸ بود.

امروز بیش از هر هنگام دیگر جمهوری اسلامی ورشکسته و بحرانی است. وضعیت رژیم مانند کشتی درهم شکسته ای می ماند که در طوفانهای موجود سرنشینان آن تلاش می کنند با تعمیر سوراخهای آن از غرق شدن جلوگیری کنند. در این میان ولی فقیه سکاندار کشتی در به داغون نه تنها توان برای هدایت این کشتی سوراخ سوراخ شده را ندارد، حتا اتوریتته لازم برای جمع و جور کردن سرنشینان آن را هم ندارد.

سخنان باهنر دبیر کل جامعه اسلامی مهندسين تاکید بر این امر است. با هنر در یادآوری روز ۹ دی و اهمیت آن از گماشته ولی فقیه می خواهد که «حلقه فتنه و ضد انقلاب را کامل نکند و در کنار آنان قرار نگیرد» وی که روز ۹ دی را «بوم الله» نامد در باره احمدی نژاد می گوید: «دُم خروس بیرون زده» است. در سال ۸۸ ولی فقیه از پاسدار احمدی نژاد در نقش گماشته اش بر منصب ریاست جمهوری استفاده کرد تا پروژه یک دست سازی حکومت را تسریع کند.

صادق لاریجانی بر «نقش بی بدیل» ولی فقیه در سکوب قیام روز عاشورا در سال ۸۸ تاکید می کند. امام جمعه مشهد، احمد علم الهدی به راستی از نقش ولی فقیه برای کشتار مردم یاد می کند. وی می گوید در ۹ دی سال ۸۸ «رهبری خاکریز فتنه ۸۸ را فتح کرد».

این همه تاکید بر نقش ولی فقیه همزمان تائید این نکته است که خامنه ای قاتل شماره یک مردمی است که در خیابان و یا در زندان و زیر شکنجه جانباختند است.

بشار اسد با شمشهای طلا نجات نخواهد یافت.

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۱۰ دی

ارسال سلاح و نیروهای ویژه سپاه از طرف جمهوری اسلامی تا کنون نتوانسته جنبش مردمی سوریه را از بین ببرد و یا آن که موقعیت اسد را تثبیت کند. روزنامه لبنانی «المستقبل» در تاریخ ۸ دی ماه طی گزارشی از ارسال ۲۰ تن شمش طلا

از ایران به سوریه خبر داد. بر اساس گزارش فوق، شمشهای طلا جهت کمک به خزانه بانک مرکزی سوریه برای برپا نگهداشتن وضعیت بحرانی اسد است.

بر اساس گزارش این روزنامه، «این مقدار طلا در چند نوبت به سوریه از راه زمین و هوای عراق منتقل شده است. اوج این حمل و نقل هم دو هفته پیش بوده است.» ثروت طبیعی که قرار بود توسط احمدی نژاد به سفره های مردم برود راه را گم کرده و در قالب طلا و سلاح مرزها را در نوردیده و به سفره دیکتاتورها رسیده است.

هوایپماهای متوقف شده در ترکیه و آشکار شدن هوایپماهای باری که از طریق عراق به قصد سوریه می روند، نمونه هایی از این کمکهای بی دریغ به رژیم اسد است.

آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی توسط تظاهرکنندگان سوری، عمق نفرت از دخالتگریهای رژیم ولایت فقیه را نشان می دهد. در رویدادی دیگر روز آدینه ۸ دی، دهها هزار تن از مردم عراق دست به تظاهرات علیه نوری المالکی زدند و پرچم جمهوری اسلامی را در خیابانهای به آتش کشیدند. تظاهرکنندگان به نفوذ رژیم ایران در عراق و مزدوری نوری المالکی اعتراض کردند.

در رویدادی دیگر رئیس ائتلاف ملی سوریه پیشنهاد روسیه را رد کرد و ۳ شرط در مقابل آن گذاشت.

سه شرطی که از طرف رئیس ائتلاف ملی سوریه برای گفتگو با روسیه گذاشته شده عبارت است از؛ پوزش خواهی روسیه برای دخالت در امور داخلی سوریه، محکوم کردن قتل عام توسط بشار اسد و کناره گیری اسد. مبارزه روزمره مردم سوریه علیرغم هزاران قربانی همچنان ادامه دارد.

رژیم ایران با تمام نیرو برای جلوگیری از شقوط بشار اسد که به یک امر واقعی و ممکن تبدیل شده تلاش می کند.

"ستاد"ی برای مدیریت فساد اقتصادی که سر نگرفت

منصور امان

فراسوی خبر...سه شنبه ۱۲ دی

"ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی"، یک ارگان حل اختلاف بین فراکسیونهای درگیر در باند حاکم، از ساز و کارهای تنظیم روابط در هرم قدرت حذف شده است. پس از بیهوده شدن "هیات عالی حل اختلاف و تنظیم رابطه قوای سه گانه" که به دستور آقای خامنه ای و به ریاست آیت الله شاهرودی تشکیل گردید، این دؤمین ظرف بین جناحی است که در پی تشدید درگیریها از صحنه معادلات سیاسی بیرون رانده می شود.

روز دوشنبه، یک عضو "ستاد" مزبور با تایید تشکیل نشدن جلسات آن، از علت این امر اظهار بی اطلاعی کرد. آقای یوسفیان ملا در عوض خواستار "پاسخگویی" رُقا در باره دلیل برگزار نشدن نشستها شد. هفته گذشته نیز آقای رمضان شجاعی کیاسری، یک نماینده دیگر مجلس مَلاها در "ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی"، اطلاع داده بود که این ارگان از زمان شروع به کار مجلس نُهَم حتی یک جلسه هم نداشته است.

پیرامون کارنامه "ستاد" در پهنه وظیفه ای که در تیتتر خود حمل می کند، یعنی "مبارزه با مفاسد اقتصادی"، اطلاعات زیادی وجود ندارد. اعضای آن در باره موضوع جلساتی که تاکنون برگزار کرده اند، با اشاره به "محرمانه" بودن، حاضر به ارائه توضیح نیستند و همچنین روشن نیست آنها چه تدبیرها و اقدامات مُشخصی را به اجرا گذاشته اند یا در دست اقدام داشته اند.

اما آنچه که هدف معرفی شده برای این "ستاد" را با تردیدهای بیشتری روبرو ساخته، گماردن یک مُتهم به فساد و کلاهبرداری کلان مالی به ریاست آن است. انتخاب آقای رحیمی، مُعاون اول آقای احمدی نژاد، گُماشته ولی فقیه بر

منصب ریاست جمهوری، برای این مسوولیت در حالی که او مُتهم ردیف اول پرونده کلاهبرداری از "بیمه ایران" شناخته می شود و تیترا "سر حلقه خانه فاطمی" را یدک می کشد، کمک زیادی به باور پذیر کردن قصد "مبارزه با فساد" از سوی این تشکل نمی کند.

بر این اساس، بیشتر چنین می نماید که "ستاد"، ظرفی برای چانه زنی و حل و فصل پرونده هایی بوده که فراكسیونهای قُدرت علیه یکدیگر زیر بغل دارند. تدبیر مزبور بیش از همه، جلوگیری از افشاگریهای علنی و بیرون ریخته شدن "اسرار نظام" و همزمان ایجاد محلی برای "خودی" ها به منظور انتقال باجگیری و اعمال فشار از صحنه عمومی را هدف داشته است.

از سوی دیگر، مُبتکران آن امید داشته اند که تشکیل "ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی"، حساسیت اجتماعی نسبت به فساد دامنگیر حکومتی را کاهش داده و اعتراضها به آن را به کانال "نظام" هدایت و مُدیریت کند. در عمل اما هیچیک از این هدفها و آرزوها به واقعیت نپیوست و شدت و گستره ی درگیریها بر سر قُدرت و ثروت از همان گام نخست، امکانی برای نقش آفرینی فیلترهای میانجی به جا نگذاشت. از این رو، دُزدی سه هزار میلیارد تومانی نظامی - امنیتیها به همان گونه بر سر بازار جار زده شد که زمین خواری لاریجانیها! اعلام بی خاصیت شدن ارگان یاد شده، نشانه دیگری از عمیق تر اختلافها در "بالا" است و از سر ریز کردن افشاگریهای بیشتر از درون شکافهای ایجاد شده در آینده، خبر می دهد.

طراحی چالشی عمیق برای مجلس توسط احمدی نژاد

جعفر پویه

فراسوی خبر ... چهارشنبه ۱۳ دی

هیات دولت محمود احمدی نژاد با تصویب یک مصوبه جدید، مجلس آخوندی را در مقابل یک چالش جدی قرار داد. روزهای تعطیلات یک هفته ای مجلس و خاموشی تریبون آن، فرصتی در اختیار احمدی نژاد گذاشت تا اقدام به تصویب مصوبه ای چالش برانگیز در ۲۹ آذر کند. در این مصوبه که هیات دولت آنرا "طرح مهرآفرین" می نامد، به حمید بقایی، معاون اجرایی رییس جمهور، اختیار تام داده شده تا ۱۵۰۰ نفر را در نهاد ریاست جمهوری، خارج از ضوابط گزینشی استخدام کند.

هنوز اعتراض مجلس نشینان به این مصوبه شکل نگرفته بود که محمد رضا خباز، عضو هیات تطبیق مصوبات دولت با قانون، از مصوبه دیگر هیات دولت خبر داد که بر طبق آن "دولت به استانداران نیز برای استخدام چهار هزار نفر در هر استان اختیار تام داده است".

بر اساس بند ششم این مصوبه، دولت احمدی نژاد "دستگاه های اجرایی و استانداری موظفند راسا و بدون نیاز به هیچ امر دیگری از سوی هر مرجع یا مقامی از قبیل موافقت، پیشنهاد، تایید، صدور مجوز، صدور و اعطای شماره مستخدم یا ابلاغ، و بدون الزام به رعایت ابلاغیه های صادره قبلی از سوی مقامات، نسبت به همه موارد از جمله نسبت به تبدیل وضعیت استخدامی و بکارگیری و جذب و استخدام افراد اقدام نمایند."

پس از اعلام تصویب این دستورالعمل، "هیات تطبیق مصوبات دولت با قانون" مجلس روز ۱۱ دی جلسه ای تشکیل داد تا در مورد بی ضابطه بودن آن تصمیم گیری کرده و نظر خود را به رییس مجلس اعلام کند.

محمد رضا خباز، عضو این هیات، مصوبه دولت را "مشابه بیانیه های سران کودتا" خوانده و می گوید: "بهتر بود دولت به جای این مصوبه طولانی، یک خط قانون تصویب می کرد و می نوشت همه دستگاههای اجرایی و نظارتی مانند مجلس

تعطیل می‌شود و اختیارات به آقای بقایی واگذار می‌شود، زیرا در بسیاری از بندهای این مصوبه گفته شده است که همه قوانین

قبلی و هرگونه ممنوعیت لغو می‌شود و مجوز استخدام بدون در نظر داشتن موقعیتها اعطا خواهد شد." او در ادامه می‌گوید: "قصد دولت این است که در آستانه انتخابات، مردم را در مقابل مجلس قرار دهد." احمد توکلی، دیگر نماینده مخالف احمدی نژاد، پا را از این هم فراتر گذاشته و با اعتراض شدید اللحنی در مورد تایید این مصوبه توسط همه معاونان رییس جمهور و وزرا گفت: "اگر چنین چیزی باشد، باید در عقل وزرا شک کرد و درباره تعهدشان نسبت به قانون اساسی تردید داشت." او در ادامه تاکید کرد: "گویا رییس جمهور می‌خواهد در این ۵-۶ ماه آخر دولت همه نظامات اداری کشور را بر هم بریزد و سرزمین سوخته تحویل بدهد." همچنین ایرج ندیمی، دیگر نماینده مجلس ملاحا، می‌گوید: "شاید این تصمیم عقبه ای داشته باشد که در این صورت دولت باید در این خصوص توضیح دهد. هرچند این مصوبه می‌تواند در "هیات تطبیق مصوبات دولت با قانون" یا دستور علی لاریجانی، رییس مجلس، متوقف شود، اما واقعیت این است که اقدامات احمدی نژاد برای به چالش کشیدن مخالفان خود و جلوگیری از بستن دستش با ابزارهای قانونی موجود، متوقف نخواهد شد. متوقف شدن این مصوبه و جلوگیری از به کارگیری بیش از ۱۲۰ هزار نفر در دستگاه‌های اجرایی می‌تواند به زیان کسانی تمام شود که مانع اشتغالزایی معرفی خواهند شد؛ چالشی که زیرکانه توسط احمدی نژاد و تیم نظامی - امنیتی او طراحی شده است، هرچند توکلی بگوید "این کار به معنای بر هم زدن همه نظامات مدیریتی عالم است."

جنایت علیه کودکان شین آباد ادامه دارد

لیلا جدیدی

فراسوی خبر شنبه ۱۶ دی

سیران یگانه و ساریا رسول زاده جان سپردند و حال ۳ کودک دیگر وخیم است. از هر زاویه ای آتش سوزی در روستای شین آباد و سپس رسیدگی و درمان کودکان قربانی آن را بررسی کنیم، به این واقعیت دردناک می‌رسیم که سوختن ۳۶ کودک در این حادثه نمونه ای از وضعیت اسفبار مدارس ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. رسول خضری، نماینده پیرانشهر در مجلس ارتجاع، حال سه تن از دانش آموزان حادثه آتش سوزی دبستان روستای شین آباد را وخیم اعلام کرد. بنا بر گزارشها، برخی از این دانش آموزان دچار مصدومیت ۴۰ درصدی شده‌اند. همچنین، فریدون عابدینی، رییس بیمارستان سوانح سوختگی اصفهان، در باره درمان این کودکان واقعیتی شرم آور را آشکار کرده و می‌گوید: "چنانچه روشهای جدید سوختگی به کار برده می‌شد، امکان بهبودی آنها افزایش می‌یافت." وی می‌افزاید: "در روشهای جدید درمان بیماران سوختگی، پس از ۲۴ ساعت نسوج مرده از محل آسیب دیده با توجه به میزان سوختگی طی یک یا دو عمل برداشته می‌شود و مدت زمان کوتاهی پس از آن، از پانسمانهای نانو کریستال نقره با پوشش آنتی باکتریال در محل آسیب دیده قرار داده می‌شود"، اما به گفته وی: "برای درمان اولیه این بیماران از روشهای سنتی مصرف بتادین و پماد استفاده شده است و این در حالی است که در اکثر کشورهای دنیا و به ویژه بیمارستان سوانح سوختگی اصفهان این روش منسوخ شده است."

دکتر جعفری، معاون درمانی "بیمارستان امام خمینی ارومیه"، از مشکلات تنفسی زیادی که حاصل استنشاق دود ناشی از سوختگی زیاد در فضای بسته کلاس بوده می گوید و افزون بر آن، تنفس گازهای ناشی از سوخت نفت سفید در محیط بسته بیمارستان را علت بیماریهای تنفسی مزمن تا سالهای بعد به شمار می آورد.

کودکانی که در این آتش سوزی حق زندگی کردن را از دست داده اند و یا سراسر عمر خود را با جسمی سوخته و بیماریهای عفونی سر خواهند کرد، از فرزندان محروم و خانواده های زحمتکش گرد هستند که در محرومیت دوچندان قرار دارند. این در حالیست که جمهوری اسلامی هیچگاه در هزینه کردن برای سرکوب این مردم کوتاهی نکرده و به همین شکل به خطراتی که زندگی و سلامت فرزندان آنها را تهدید می کند، کاملاً بی اعتناست.

طبق استانداردهای پایه ای بین المللی، حفظ امنیت دانش آموزان در مدارس از مهمترین ارجحیتهاست. مدارس موظف هستند برنامه هایی همه جانبه برای پیشگیری از آتش سوزی و همچنین در صورت وقوع، مقابله با آن که شامل آموزش دانش آموزان، آموزگاران و کارکنان مدارس می شود، داشته باشند. این استانداردها، تمامی وسایل و تجهیزاتی که احتمال خطر آتش سوزی را دارند و باید از دسترس دور باشند مانند سیمهای برق، مایعات آتش گیر، انبار زباله و غیره را در بر می گیرد. بر اساس استانداردهای مزبور تمامی کلاسها باید توسط مقامهای هر منطقه به طور مرتب بازدید و بررسی شوند. مدارس و کلاسها باید درهای خروج اضطراری در هنگام آتش سوزی داشته باشند و حتی تمامی وسایل کلاسها باید از جنس نسوز باشد. همچنین وسایل خاموش کردن آتش باید کاملاً در دسترس باشد.

از آنجاییکه هیچیک از این اصول پایه ای در مدارس رعایت نمی شود و همزمان برای درمان کودکان نیز از ابزارهای قرون وسطایی استفاده می شود، این حادثه یک سهل انگاری جنایتکارانه به شمار می آید؛ جنایتی که دست جمهوری اسلامی بدان آغشته است. مردم ایران و به ویژه فعالان حقوق بشر باید خواستار محاکمه عاملان این جنایت باشند و به هیچ وجه این امر را که به جان و زندگی کودکان این سرزمین ربط دارد، مسکوت نگذارند.

آیا آلودگی هوا هم کار دشمن است؟

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۱۷ دی

روز شنبه ۱۶ دی، مدارس، مراکز آموزشی، ادارات دولتی و بانکها تعطیل اعلام شد. تعطیلی یک روز کاری ساده ترین راه با کمترین هزینه، راهکار رژیم ولایت فقیه است. این راه حل که شیوه ای رایج در برابر آلودگیهای مرگبار شده است در حالی ارائه می شود که صدای نعره های پایوران رژیم در وصف کشور گل و بلبل گوش فلک را کر کرده است.

مشاور وزیر بهداشت از مرگ هزاران تن در اثر آلودگی هوا فقط در سال گذشته خبر داد. وی شمار کسانی را که در سال گذشته در اثر آلودگی هوا فقط در تهران فوت کردند ۴۴۶۰ تن اعلام کرد. اگر آمار کسانی که در اثر تنفس در هوای آلوده به بیماریهای گوناگون دچار می شوند و همچنین اثرات هوای آلوده در زندگی مردم در دراز مدت را به آمار فوق اضافه کنیم، وضعیت فاجعه بار سلامت و بهداشت مردم ایران و به ویژه در تهران، آشکار تر می شود.

در روز شنبه در حالی که آلودگی هوا نشانه بی کیفیتی رژیم را نشان می داد، احمدی نژاد یک مخزن گازی که به گفته او بزرگترین مخزن گازی در خاورمیانه است را در قم افتتاح کرد. در رویدادی دیگر، پاسدار قاسمی، وزیر نفت، از پروژه های جدید نفتی خبر داد. وی روز شنبه ۱۶ دی از ساخت طرحهای مختلف نفت، گاز و پتروشیمی به صورت هفتگی خبر داد. بر همین منظر می توان حدس زد که از این پروژه های جدید هفتگی چه سودهای هنگفتی نصیب سپاه پاسداران می شود.

احمدی نژاد سپاه پاسداران را نفتی کرد و بزرگترین پروژه های نفتی را به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار کرد. سپاه پاسداران در همه بخشهای نفت و گاز حضور دارد.

در هفته پیش خبری در رسانه ها مبنی بر «برداشت ۲۸ میلیارد تومان از بودجه زلزله زده ها برای مخارج نهاد ریاست جمهوری» پخش شد. مبلغ فوق از محل منابع در نظر گرفته شده برای «جبران خسارتهای ناشی از وقوع حوادث طبیعی و سوانح پیش بینی نشده» به جیب ایادی احمدی نژاد واریز شده است و این در حالی است که زلزله زدگان در شرایط بسیار بدی در سرمای زمستان به سر می برند. احمدی نژاد چندی بعد از زلزله عوامفریبانه قول ساختن سریع خانه برای زلزله زدگان را داده بود. اکنون بخشی از بودجه برای زلزله زدگان به جیب باند احمدی نژاد در نهاد ریاست جمهوری ریخته شده است.

شرایط هشدار دهنده آلودگی هوا و مرگ و میر ناشی از آن محصول سیاستهای خرابکارانه رژیم است. جان آدمی برای این رژیم ارزشی ندارد به همین دلیل هیچ پروژه ای طولانی مدت برای بهبود شرایط انجام نمی دهد. پایین بودن جایگاه بهداشت، درمان و عمران در اختصاص بودجه، بی ارزش بودن جان انسان و وضعیت بهداشت را در حکومت ولایت فقیه نشان می دهد.

گزارش مجلس از قتل ستار بهشتی، سند محکومیت جمهوری اسلامی

منصور امان

فراسوی خبر...دوشنبه ۱۸ دی

تلاش مجلس مَلاها برای ماله کشی بر قتل آقای ستار بهشتی به یک رُسوایی دردسر ساز مُنتهی شده است. گزارش ناهمگون و از هم گسیخته ی کمیسیون امنیت ملی مجلس که حاصل کوشش دو ماهه و مُشترک مراکز نظامی - امنیتی و اُرگانهای تصمیم گیری است، به جای پاک کردن لکه های خون این جنایت از دستهای "نظام"، آن را فقط پخش کرده است.

آنگونه که از گزارش مزبور برمی آید، هدف از تهیه و انتشار آن در گام نخست، کمرنگ کردن اتهام قتل و گمراه سازی پیرامون علت مرگ آقای بهشتی و در گام بعد، تبریه آمران و سازمان دهندگان تبهکاری مزبور بوده است. تهیه کنندگان این براءت نامه اما در برآوردن هیچ کدام از اهداف تعیین شده موفق نبوده اند. آنها برای انکار قتل، به گونه بچگانه ای پُرسش در باره دلیل مرگ آقای ستار بهشتی را از موضوع خارج کرده اند و پزشکی قانونی را به شهادت می گیرند که به رسیدن علت مرگ وی از عالم غیب گواهی داده: "تعیین علت قطعی فوت از لحاظ پزشکی مقدور نبوده."

با این مُبتدا و تکذیب مرگ بر اثر شکنجه، تنظیم کنندگان گزارش گمان برده اند اکنون می توانند برای جلب اعتماد مُخاطبان، گرد "کبودی روی ساق پا" و "رفتار خلاف موازین شرعی" مانور دهند و سناریو را با چند قلم رسیدگی بیطرفانه آرایش کنند.

تلاش آنها برای دور کردن آمران جنایت از تیررس نگاه، به همین اندازه ناشیانه و ابتدایی است. نویسندگان قصه ی امنیتی ابتدا برای تبریه سرکرده نیروی انتظامی دست به کار می شوند و سوگند می خورند که وی "پیشتر تذکرات لازم به رییس پلیس فتای تهران بزرگ داده و رعایت نگریده".

بلافاصله پس از پاسدار احمدی مُقدم، همین مسوول نافرمان، یعنی پاسدار سعید شُکریان، در نوبت سفید شویی قرار گرفته و تاکید می شود: "رییس پلیس فتای تهران بزرگ، مُراقبت، نظارت و بازرسی از نحوه رفتار ماموران در اختیار با مُتهم مُتوفی نداشته است."

این بدان معناست، از آنجا که وی بر زیردستانش "نظارت" نداشته، بنابراین مسوولیت مستقیمی در جرایم ارتكابی آنها نیز ندارد و "قصور" برای تعریف نقش و عمل او و "برکناری" به مثابه مجازات آن کفایت می کند.

کمی بعد نوبت به تبریه دستگاهی می رسد که ابزار و پرسنل شکنجه و قتل را فراهم آورده است. نویسندگان گزارش در اینجا به متد محبوب "نظام" در توجیه تبهکاریهای لو رفته یا پنهان ناپذیر متوسل شده اند و نیروی انتظامی را پشت ماموران "خودسر" و "رفتار خودسرانه" مخفی می کنند؛ مامورانی که ابتدا از بازداشت هفت نفر از آنها سخن گفته می شود و سپس به سه نفر کاهش می یابند.

پس از بازتاب گسترده این جنایت در سطح جامعه و نیز در پهنه بین المللی، کمتر کسی برای پی بردن به علت مرگ آقای ستار بهشتی و هُویت قاتلان او به روایت مجلس مَلاها نیاز دارد. با این حال گزارش مزبور از این زاویه دارای اهمیت است که با صراحت تمام و ناشیگری تحسین آمیزی تایید می کند که قتل و شکنجه مُنتقدان و مُخالفان یک سیاست سیستماتیک، هدایت شده و دلخواه در جمهوری اسلامی است و برای برچیدن آن نَخُست باید مُناسباتی که پشت این تبهکاریها ایستاده، به آنها پوشش می دهد و از عاملان حمایت و حفاظت می کند، برچیده شود.

انشعاب در گمادی مُبارزه با مفاسد اقتصادی

منصور امان

فراسوی خبر...سه شنبه ۱۹ دی

رئیس مجلس مَلاها، آقای علی لاریجانی، وزن تازه ای به موضوع "مُبارزه با مفاسد اقتصادی" داده است، البته فقط در کفه ای که جنبه ریشخندآمیز بودن آن مُحاسبه می شود. او پیشنهاد داده، تشکیلات جدید و "خاصی" برای این امر تحت نظارت خود و برادرش، آیت الله صادق لاریجانی ایجاد گردد.

پیشنهاد آقای لاریجانی در حالی مطرح می شود که وی و دیگر پایوران "نظام" تاکنون کارنامه ای از عملکرد و نتایجی که تشکیلات قبلی به نام "ستاد مُبارزه با مفاسد اقتصادی" داشته، ارایه نکرده اند. هفته گذشته اعلام گردید که "ستاد" مزبور، ترکیب شده از نمایندگان فراکسیونهای رقیب، به دلیل تشکیل نشدن نشستهایش در عمل تعطیل شده است. در یکی از موارد نادری که دستور کار ارگان یاد شده به بیرون درز کرده (شهریور ۱۳۹۰)، سُخن از بررسی "پرونده اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی" رفته است. همین پرونده می تواند یک معیار خوب برای بررسی کارنامه ی مُبتکر طرح ضد فساد تازه و اخوی، به عنوان نقش آفرینان اصلی در کنار فراکسیون نظامی - امنیتی دولت در "ستاد" از رده خارج شده باشد.

هیچیک از نهادها و افرادی قُدرتمندی که رانتهها و امکانات حُکومتی را برای سالها در اختیار مُتهمان پرونده گذاشته بودند، حتی به بازخواست کشیده نشدند. مُتهم ردیف اول پرونده، آقای امیرخُسروی، در دفاعیات خود ضمن تهدید به افشاگری بیشتر، از درخواست از او برای "گُمک به دور زدن تحریمها" سُخن گفته و در مواردی دیگر، پای مقامهای ارشد در مجلس، قُوه قضاییه و مجمع تشخیص مصلحت نظام را به میان آورده بود.

شاید بر اساس تجربه بالا باشد که دادگاه دیگر مُتهمان دُزدی سه هزار میلیارد تومانی، به طور پنهانی و با تلاش سخت کارگردانان آن برای پرهیز از برانگیختن هر گونه جلب توجه، در حال برگزاری است. گوشه دیگری از عملکرد "ستاد مُبارزه با مفاسد اقتصادی" در برخورد به "بُزرگترین فساد مالی تاریخ ایران" که به تازگی آشکار گردیده، تقسیم اموال و داراییهای زیر مجموعه (گروه امیر منصور آریا) است.

در حاشیه یک معامله کلان چای فاش گردید که یک شرکت وابسته به سپاه پاسداران به نام "صدرا"، تمام اموال و داراییهای "شرکت داماش گیلان"، شامل یک باشگاه ورزشی، صنایع آب معدنی، یک شرکت ترابری و چندین موسسه دیگر متعلق به متهم ردیف اول دزدی سه هزار میلیاردی را "خریداری" کرده است. هنوز روشن نیست معامله ای در این حجم چگونه با یک فرد در بازداشت سر گرفته، بهای اموال و داراییها چقدر بوده و به چه کسی یا کجا پرداخت شده و در اصل، معامله تحت شرایطی که فروشنده بسر می برد، قانونی هست یا خیر؟

رییس مجلس مَلاها به جای پاسخ به این سووالها، مُبتکر گشایش دُکان تازه ای شده است، یک "سازمان مُبارزه با مفسد اقتصادی" ویژه ی راست سُنّتی که به طور "خاصی" در نقش ابزار فشار و تلکه گیری برای آن عمل کند.

اکنون نوبت فراکسیون نظامی - امنیتی دولت است که برای مُبارزه با مفسد اقتصادی رقیب، بُنگاه خودش را تشکیل بدهد و این مضحکه را از جایی که آقای علی لاریجانی تمام کرده، از سر بگیرد.

ترس و نگرانی خامنه ای از تهدید امنیتی انتخابات

جعفر پویه

فراسوی خبر ... چهارشنبه ۲۰ دی

روز گذشته (سه شنبه) علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم جمهوری اسلامی، در یک سخنرانی تند و پر از تهدید و ناسزا، همه درهای ممکن برای سازش در انتخابات با باندهای رقیب را بست. او در این سخنرانی نشان داد که همچنان از تهدید امنیتی انتخابات واهمه دارد و رقبای قدرت یکدست خود را کسانی دانست که "به تحقق اهداف دولتهای مستکبر کمک می کنند". خامنه ای با تهدید گفت: "آن کسانی که راجع به انتخابات توصیه هایی می کنند، حواسشان باشد به دشمن کمک نکنند، دائما نگویند انتخابات باید آزاد باشد، از اول انقلاب ۳۴ انتخابات داشتیم، کدامش آزاد نبوده است؟"

او همچنان از گزینش افراد توسط شورای نگهبان پشتیبانی و از حذف رقبای قدرت خود با مهندسی انتخابات حمایت کرده و گفت: "در کدام کشور درباره صلاحیتها، ملاحظات لازم اعمال نمی شود؟ چرا اینقدر بر این مساله تکیه و تلاش می کنید در ذهن مردم این تصور بوجود بیاید که شرکت در انتخابات فایده ندارد؟"

او در حالی این حرفها را به زبان می آورد که باندهای مختلف رژیم این روزها به شدت با یکدیگر درگیر بوده و همدیگر را به فساد، کلاهبرداری و دزدی متهم کرده و تلاش می کنند تا یکدیگر را از چرخه قدرت به بیرون پرتاب کنند. خامنه ای امکان افشاگری دزدیهای افراد وابسته به خود در این درگیریها را کار دشمن دانسته و گفت: "ممکن است کسانی سعی کنند، در ایام انتخابات با بوجود آوردن حادثه‌ای یا ماجرای اقتصادی، سیاسی یا امنیتی سر مردم را به چیزهای دیگری گرم کنند که این هم جزو نقشه هاست."

کاملن مشخص است که تهدیدهای خامنه ای رو به کسانی است که این روزها در حال تدارک برای انتخابات سال آینده هستند. تلاش هاشمی رفسنجانی برای تثبیت وضعیت خود و جلوگیری از اخراج و سر و صدای عسگر اولادی و دار و دسته مولفه از یکسو و حرکات تهدید آمیز دار و دسته احمدی نژاد و نظامی - امنیتیهای دولتی از سوی دیگر، به شدت عرصه را بر او تنگ کرده است. این در حالی است که باندهای معروف به اصلاح طلب و خط امامیهای دوم خرداد، آخرین روزنه های امیدشان نیز بسته شده و خامنه ای آنها را کسانی دانست که "راه و روشهای بسیار خوب قوانین برای برگزاری انتخابات سالم" را نمی پذیرند و غیر قانونی عمل می کنند. و مثال زد: "همچنانکه برخی در سال ۸۸ این طور عمل کردند و برای مردم و کشور مزاحمت و ضرر به وجود آوردند و برای خودشان نیز در زمین و در ملاءاعلی، اسباب سرشکستگی و بدبختی فراهم کردند."

خامنه ای بار دیگر خطوط انتخابات آینده ریاست جمهوری رژیم را ترسیم کرد و به کاندیداها دستور داد: "کسانی که وارد عرصه انتخابات می‌شوند، باید بتوانند بار مسوولیت را بکشند، صلاحیتهای مورد نظر شورای نگهبان را در خود ملاحظه کنند و باید بخواهند که قانون اساسی را اجرا کنند."

تاکید او به لحاظ کردن "صلاحیتهای مورد نظر شورای نگهبان" از هم اکنون جلو هر گونه اعتراضی به حذف و طرد شدن توسط آن شورا را گرفته است. او اینگونه می‌گوید این کاندیداها هستند که باید خود را با شرایط شورای نگهبان وفق بدهند، در غیر این صورت شورای تحت نظر او مجاز است هر آنکس را که نمی‌پسندد، از چرخه رقابت داخل رژیم حذف کند و آن فرد از هم اکنون حق اعتراض اش سلب شده است.

اتهام "همکاری با دشمن" و "کمک به تحقق اهداف دولتهای مستکبر" خامنه ای به رقبای ترس از تهدید امنیتی انتخابات و فرار او به جلو است. سخنرانی خامنه ای در این روز از یک طرف خط کشی با مخالفانش است و از طرف دیگر نشانه ترس از مردمی است که دیگر حاضر نیستند به رژیم جنایتکاران و دزدان چپاولگر ولایت او گردن بگذارند.

صالحی از مصر دست خالی بازگشت

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۳ دی

سفر علی اکبر صالحی، وزیر خارجه رژیم به سوریه تیری بود که در تاریکی شلیک شد. رژیم امید داشت مصر را با سیاست ناعادلانه و خیانتکارانه خود علیه مردم سوریه که تفاوت‌هایی اساسی با دیدگاه این کشور دارد، همراه کند. اما همانطور که انتظار می‌رفت، با همه تعارفات، چرب زبانیها و مظلوم‌نماییها، این مانور دیپلماتیک هیچ دستاورد واقعی برای رژیم در بر نداشت.

اگر چه برخی رسانه‌ها تلاش کردند این سفر را مثبت ارزیابی کنند، اما از خلال تعارفات معمول، تفاوت‌های دیدگاهی حکومت مصر با جمهوری اسلامی که مهمترین آنها اختلاف بر سر حل بحران سوریه است، آشکار است. افزون بر آن، روابط دوستانه مصر با غرب، قرارگرفتن این کشور در جبهه کشورهای عربی و حمایت از امنیت و ادعاهای ارضی آنها و نقش بحث برانگیز جمهوری اسلامی در بحران اسرائیل و فلسطین، عوامل دیگری هستند که در این مناسبات تاثیرات جدی دارند.

موضع به کلی متفاوت مصر که بر رفتن رژیم اسد به عنوان شرط آغاز هرگونه مصالحه در سوریه تاکید دارد، دو روز پیش از سفر صالحی به این کشور، توسط محمد موری در واکنش به تازه‌ترین سخنرانی رییس جمهوری سوریه تکرار شده بود: "بشار اسد باید به عنوان جنایتکار جنگی محاکمه شود."

پیشتر، در نشست "گروه دوستان مردم سوریه که در ماه شهریور در مصر با حضور عربستان و ترکیه برگزار شده بود، صالحی، نماینده "دشمنان مردم سوریه"، نیز شرکت داشت. اما هدف اصلی از دعوت وی به این نشست، وادار کردن رژیم به دست کشیدن از حمایت از اسد بود.

دیدارهای صالحی با محمد موری، رییس جمهور و محمد کامل عمرو، وزیر امور خارجه مصر، اخضر ابراهیمی، نماینده سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب، دیدار با رهبر سنیها (در حالیکه جمهوری اسلامی به وقیح‌ترین شکل با پیروان اهل سنت در ایران رفتار می‌کند) و حتی ارایه دعوتنامه احمدی نژاد به موری برای سفر به ایران، پیش‌بینی نصیب رژیم نکرد. حتی زمانی که وی تلاش کرد موضوع دندانگیر "حوزه‌های اقتصادی و تجاری" را پیش بکشد، منجر به امضای هیچ

توافقنامه تجاری نشد. در عوض، محمد کامل عمرو تاکید کرد که رژیم ایران در زمینه پایان دادن به خونریزی در سوریه نقشی دارد که باید ایفا کند.

محمد موریسی که حمایت غرب به ویژه آمریکا را با نزدیکی به رژیم بدنام و زیر فشار جمهوری اسلامی معاوضه نمی کند، هیچ علایمی خلاف آن از خود نشان نداد. او در مصاحبه ای با سی ان ان تاکید کرد: "اگر اسد سرنگون شود، ایران متفق اصلی خود در منطقه را از دست خواهد داد."

چوبه های دار ولی فقیه در انتظار اجرای حکم اعدام

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۲۴ دی

در حالی که سرپای رژیم را بحران گرفته، چوبه های دار، شلاق و شکنجه از حرکت باز نمی ایستند. تشدید خشونت و افزایش سرکوبی همراه با افزایش اعدام، بیانگر وضعیت نامتعیین و متزلزل رژیم است. رژیم برای رهایی از بحران و مهار جنگ و جدال برای شراکت در قدرت، با سرکوب بیشتر ایجاد ترس می کند تا مبادا کنشگران اجتماعی شکاف در قدرت را به فرصت برای حرکت اجتماعی تبدیل کنند.

بر اساس خبرهای منتشر شده، حکم اعدام ۵ تن از زندانیان سیاسی در اهواز توسط دیوان عالی رژیم تایید و ابلاغ شده است. این ۵ زندانی سیاسی در سال ۲۰۱۱ دستگیر شده اند.

۵ زندانی سیاسی، هاشم شعبانی نژاد، هادی راشدی، سید یابر البوشو و سید مختار البوشو بعد از انقلاب ضد سلطنتی در سال ۱۳۵۷ متولد و دارای تحصیلات عالی هستند. همچنین این زندانیان سیاسی در مدت اسارت در سیاهچالهای رژیم به شدت شکنجه و مورد آزار و اذیت برای گرفتن اعتراف علیه خود شده اند.

از طرف دیگر دو جوان به نامهای زانیار و لقمان مرادی زیر حکم اعدام قرار دارند. خانواده های این دو زندانی که از اهالی مریوان هستند، برای نجات جان فرزندان خود از همه نهادهای مدافع حقوق بشر و اهالی مریوان کمک خواسته اند. تشدید خشونت و سرکوب نشاندهنده قدرت و ثبات رژیم نیست، بر عکس نشان از لرزش و شکاف در حکومت است. همه این جنایتها در حالی صورت می گیرد که مجمع عمومی ملل متحد در ماه گذشته قطعنامه ای در محکومیت نقض فاحش حقوق بشر در ایران به تصویب رساند. رژیم ایران بیش از هر زمان در مجامع بین المللی رسوا و در افکار عمومی ایزوله شده است. بر همین منظر از تمامی راههای ممکن برای فشار به رژیم جهت لغو حکم اعدام باید تلاش کرد.

عزل مجدد مرتضوی توسط دیوان عدالت اداری

جعفر پویه

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۷ دی

دیوان عدالت اداری برای دومین بار ریاست سعید مرتضوی، یکی از مهره های سرکوب دستگاه قضایی رژیم ولایت فقیه، بر سازمان تامین اجتماعی را لغو کرد.

سعید مرتضوی که یکی از نمادهای روابط منحط در سیستم قضایی رژیم جمهوری اسلامی است، پس از برکناری از منصب قضا در دادگاه های رژیم، به پاس نقشی که در سرکوب مطبوعات و نیروهای دگر اندیش به ویژه نقش اش در زندان کهریزک و سرکوبی جنبش ۸۸ ایفا کرد، مورد حمایت احمدی نژاد قرار گرفته و به مقام بالای حکومتی دیگری گمارده شد. او که مدتها ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز را به عهده داشت، در اسفند ۱۳۹۰ به ریاست صندوق تامین

اجتماعی منصوب شد. این انتصاب در کشاکش بین احمدی نژاد و مجلس آخوندی، مورد اعتراض تعدادی از مجلس نشینان قرار گرفت و پس از شکایت به دیوان عدالت اداری حکم عزل مرتضوی صادر شد. اما احمدی نژاد که حاضر به کنار گذاری این خادم گوش به فرمان دستگاه سرکوب نبود، با تغییر در اساسنامه صندوق تامین اجتماعی، نام آن را به سازمان تامین اجتماعی تغییر داد و اینگونه با کلاه شرعی از زیر بار حکم دیوان عدالت اداری فرار کرد.

اما کشاکش مجلس نشینان بر سر مرتضوی پایان نیافت و آنها بار دیگر شکایت جدیدی علیه این اقدام دولت به دیوان عدالت اداری طرح کردند. روز دوشنبه (۲۵ دی) بار دیگر دیوان عدالت، مصوبه دولت در تغییر نام صندوق تامین اجتماعی را مغایر با قانون و حکم مدیر عاملی مرتضوی توسط وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی بر آن را باطل اعلام کرد. این در حالی است که به گفته علی اکبر بختیاری، یکی از مقامهای دیوان عدالت اداری، "رییس مجلس هم این مصوبه را مغایر با قانون اعلام کرده بود که پس از مهلت قانونی در این خصوص ترتیب اثر داده نشد". هرچند به نظر می رسد این رای دیوان عدالت اداری هم توسط احمدی نژاد نادیده گرفته شود، اما پیشاپیش جمعی از نمایندگان مجلس آخوندی به عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر کار، هشدار داده اند که اگر مرتضوی را برکنار نکنند، از ابزارهای قانونی دیگری استفاده خواهند کرد.

سعید مرتضوی یکی از مهره های بدنام دستگاه قضایی و سیستم سرکوب تحت نظر ولایت خامنه ای است. کشاکش بر سر مقام و منصب مرتضوی هیچ ربطی به اعمال غیر انسانی و فجایعی که به دستور و تحت نظر او انجام گرفته ندارد، زیرا بسیاری از کسانی که امروز شاکی مرتضوی هستند، کارنامه بهتری از وی ندارند. به همین دلیل است که در گردش این پرونده از این دست به آن دست در کریدورهای بوروکراسی رژیم ولایت فقیه، مرتضویها به کار خود مشغولند و تنها هر از چندی در کنار گوشه، سر و صداهایی بلند می شود که منشا آن درگیری باندهای قدرت است و هیچ ربطی به پیگرد قضایی جنایتکاران ندارد.

اتمام حجت احمدی نژاد از تریبون مجلس

جعفر پویه

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۸ دی

روز گذشته (چهارشنبه) محمود احمدی نژاد، گماشته رهبر در منصب ریاست جمهوری با حضور در مجلس سخنرانی کرده و بدون اینکه منتظر پاسخ مجلسیان شود، آنجا را ترک کرد. در اعتراض به این حرکت، نمایندگان مجلس حرفهایی زدند که بیش از همه واکنش آنان به حرکت حساب شده احمدی نژاد معنا می دهد تا ارایه راهکاری اصولی برای مقابله با او. به نظر می رسد احمدی نژاد نظرات خود را پیچیده در لفافه الفاظی نرم تر از آنچه از او انتظار می رفت، بیان کرده است. آنچه می توان از این سخنرانی نتیجه گرفت این است که احمدی نژاد به بسیاری از انتقاداتی که از تریبونهای مختلف علیه او و دولتش بیان می شود، پاسخ داده و به مجلس حالی کرد که تصمیم دارد برنامه های خود را بدون توجه به نظرات دیگران به پیش ببرد و تاکید کرد که به مردم تعهد داده است که تا روز آخر کار کند. هرچند او در جملاتی به تفاهم بین دولت و مجلس اشاره کرد، اما بحث استقلال قوا را نیز پیش کشید و از مانع تراشی مجلس و نهادهای نظارتی برای دولت انتقاد کرده و گفت: "۷ دستگاه نظارتی بر ما نظارت دارند و آب خوردن من هم سخت است".

دو موضوع اصلی و محوری سخنرانی او اجرای فاز دوم هدمندی یارانه ها و استخدام نیروهای جدید تحت نام "طرح مهرآفرین" بود که گفت در اجرای آنها مصر است. او همچنین بر تاثیر تخریبی تحریمها انگشت گذاشت و گفت: "جهت

گیری مبنی بر اقدام متقابل برای دور زدن تحریمها در میان مدت به ضرر ماست... و ما با این روش نمی توانیم کار را جلو ببریم."

بدیهی است که مخاطب این حرفها کسی جز خامنه ای نیست که دور زدن تحریمها را راه موفق رژیم برای مقابله با آن قلمداد کرده و به آن می بالد. همچنین احمدی نژاد به نظر خامنه ای در مورد وعده های خود مربوط به اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها اشاره کرد و گفت: "در جلسه ای هم که خدمت رهبر معظم انقلاب بودیم ایشان هم دغدغه هایی در این خصوص داشتند" و در ادامه گفت: "می گویند چرا حرفهایت را به مردم می گویی؟ دولت کار محرمانه ای ندارد که بخواهد از مردم پنهان کند لذا اول همه چیز را باید مردم بدانند."

او همچنین از طرحهای خلق الساعه دولت دفاع کرده و گفت: "اگر اقدامات سریع دولت نبود، دشمنان به همه اهداف خود می رسیدند."

و اینگونه مجلس و کسانی که به اینگونه اعمال او انتقاد می کنند را در مقابله با مشکلات رژیم فشل دانست. احمدی نژاد همچنین از "طرح مهرآفرین" دفاع و با اشاره بر اینکه "قانون اساسی بر مبنای استقلال قوا و وظایف مشخص قوای سه گانه تدوین شده"، از دخالت مجلس در کار دولت انتقاد کرده و گفت: "رییس جمهور مسوولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیما برعهده دارد و می تواند اداره آن را به عهده دیگری بگذارد و اگر این از عهده رییس جمهور خارج شود، وی چگونه کشور را اداره کند، بودجه را برنامه ریزی کند؟"

همچنین احمدی نژاد در مورد طرحهای دیگری حرف زد که بیش از اینکه ارزش اجرایی داشته باشد، جنبه تبلیغاتی داشته و فاصله بین خطوط اصلی گفته های او را پر کرده است. به نظر می رسد او در این روز آب پاکی را روی دست مجلس و منتقدین خود ریخته و در آینده خواهد گفت که برای اجرای طرحهایش با مجلس سخن گفته است.

هرچند مجلس نشینان تلاش کردند با نظرات واکنشی خود، طرحها و حرفهای احمدی نژاد را ناکافی، تبلیغاتی و نادرست معرفی کنند، اما او نشان داد که حاضر به عقب نشینی از طرحهای خود نیست و همچنان به راهش ادامه خواهد داد. این موضوعی است که در روزهای آینده عواقب اش برای رژیم بیشتر هویدا خواهد شد و باعث عمیق تر شدن شکاف بین باندهای حکومتی رقیب خواهد گردید.

پزشکان «غیر بشاریون» زیر تیغ استبداد

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر آدینه ۲۹ دی

انتقاد به بشار اسد در رابطه با کشتار مردم سوریه برای ایرانیان در ردیف جرایمی قرار می گیرد که باید بهای آن را بپردازند. گروهی از پزشکان به دلیل نوشتن نامه انتقادی به بشار اسد مورد غضب ماموران جمهوری اسلامی قرار گرفته و از شرکت در انتخابات نظام پزشکی محروم و رد صلاحیت شدند.

در مهر ماه سال جاری حدود ۲۰۰ تن از پزشکان ایران طی نامه ای به بشار اسد از وی خواسته بودند که «با توجه به سوگند پزشکی که خورده طوری عمل کند که دستش به خون مردم آلوده نشود».

پایگاه اینترنتی العربیه به تاریخ ۲۷ دی، به نقل از یک عضو انجمن اسلامی جامعه پزشکی که روزنامه بهار آن را پوشش داده نوشته است: «ملاک تایید صلاحیت این است که «بشاری» هستید یا نه.» انتخابات در سازمان نظام پزشکی که در

اصل نهادی صنفی باید باشد با دخالت مستقیم رژیم خصلت انتخابی خود را از دست داده است. عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اعلام کرد که «فضای انتخابات نظام پزشکی نباید به گونه ای باشد که هر کس بتواند وارد شود». بر اساس خبر روزنامه بهار، «محافظه کاران گفته اند پزشکی نباید به گونه ای باشد که هر کس بتواند وارد شود». انتخابات را ندارند.» نامه اعتراضی عده ای از پزشکان عبور از خط قرمز رژیم در حمایت از بشار اسد است. دیکتاتوری بشار اسد علاوه بر کشتار بی رحمانه مردم سوریه و خراب کردن خانه های مردم، هزینه سنگینی برای مردم ایران داشته است. کمکهای بی دریغ تسلیحاتی، نفتی، مالی، کارشناسی و... برای حفظ دیکتاتوری بشار اسد توسط رژیم، از جیب مردم ایران و بر خلاف میل آنها هزینه می شود.

شکست سفر بازرسان، یک بُن بست برنامه ریزی شده

منصور امان

فراسوی خبر... ۳۰ دی

همانگونه که انتظار می رفت، تازه ترین دور گفت و گوهای آژانس با رژیم ولایت فقیه نیز بدون نتیجه به پایان رسید. بازرسان اعزامی آژانس بین المللی انرژی اتمی پس از دو روز مذاکره بی حاصل با پایوران جمهوری اسلامی برای کسب امکان راستی آزمایی از ادعای صلح آمیز بودن مقاصد اتمی آنها، به ماموریت خود خاتمه دادند. زبردستان آقای خامنه ای در حالی تلاشهای این نهاد بین المللی در جهت ابهام زدایی از ماهیت فعالیتهای هسته ای خود را به شکست کشانده اند که از تاثیر منفی این اقدام بر مذاکرات آتی با طرفهای خارجی خود و پیرو آن، بازتاب بی واسطه بُن بست در مذاکرات به صورت تشدید تحریمها به خوبی آگاه هستند. از این رو و با وجود آنکه رهبران و پایوران "نظام" به طور لفظی بر "آمادگی جمهوری اسلامی برای مذاکرات" تاکید می کنند، چنین می نماید که رفتار مُخرب آنها در برابر آژانس، بخشی از یک سیاست فراگیر است که روی حالت پات و بلا تکلیف ماندن پرونده بُحران هسته ای مُتمرکز گردیده و در این راستا پارامتر بُن بست مذاکرات نیز در آن گنجانده شده است.

آقای ولایتی، وزیر خارجه موازی در "بیت رهبر"، اندکی پس از اعلام بی نتیجه ماندن سفر بازرسان آژانس تاکید کرد، رژیم اش - که وی با نام مُستعار "ایران" از آن یاد کرد - "از منافع خود در حفظ حقوق هسته ای به هیچ وجه عقب نشینی نخواهد کرد".

اگر چه به دُرستی روشن نیست سیاست طفره روی و صبر و انتظار آقای خامنه ای بر پایه کدام توهم جدید بنا شده، در عوض اما ارزیابی این امر که گمانه های پیشین وی تا چه اندازه مبنای دُرستی داشته، چندان دُشوار نیست. مُعتبرترین شاهد، گُماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری است که هفته جاری از تریبون رسمی مجلس، شکست راهکار جادویی "نظام"، یعنی "دور زدن تحریمها" را اعلام کرد و به موازات آن نوید تحمیل باز هم بیشتر هزینه های بُحران هسته ای بر دوش مردم را داد. این در حالی است که به اعتراف یک پایور حُکومتی به نام حسن صادقی، نرخ تورم کالاهای اساسی به "۱۰۰ درصد" رسیده است.

از این زاویه، سیاست کُنونی "نظام"، به گونه آشکار در رویارویی با مردم ایران و علیه حق زیست انسانی آنها قرار دارد و بدون واکنش نخواهد ماند؛ حتی اگر وزیر خارجه مُلاها، آقای صالحی، برای تخفیف نتایج شکست سفر بازرسان آژانس اطمینان دهد: "به آینده مذاکرات امیدواریم و به ملت ایران می گوئیم که آینده ای روشن و تابناک در انتظار ماست، پس مقداری تحمل کنند."

شهدای فدایی بهمن ماه

رفقا: ابراهیم پور رضا خلیق - سعید پایان - فتحعلی پناهیان - منیژه اشرف زاده کرمانی - محمد طاهر رحیمی - محسن بطحایی - عبدالمجید پیرزاده جهرمی - مسعود پرورش - فاطمه افدرنیا - جعفر محتشمی - پوران یداللهی - مصطفی دقیق همدانی - انوشه فضیلت کلام - کیومرث سنجری - حسن فرجودی - حسین چوخاجی - کاووس رهگذر - جهانگیر قلعه میاندواب (جهان) - فرشاد مرعشی - حمید مؤمنی - محمدعلی خسروی اردبیلی - قاسم سیادتی - بابک سیلابی - خسرو پناهی - مهدی اقتدارمنش - محسن نیک مرام - بهروز عبدی - محمدجواد عرفانیان - محمدامین نورائی - اکبر پارسی کیا - عباس تبریزی - مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی نوروزی - بهنام قاسم زاده رضوی - جعفر (حر) رضایی - ابراهیم کردی - مراد میرزایی - اسد یزدانی - اسماعیل برزگر - فریدون بانه ای - فاطمه محمدی - محسن نوربخش - حسن توسلی - فردوس آقا ابراهیمیان - میرمحمد درخشنده (توماج) - عبدالکریم مختوم - واحدی - حسین جرجانی - حمیدرضا هزارخانی - خسرو گلسرخی - کرامت دانشیان - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیده اند.

NABARD - E - KHALGH

No : 331 20 janv. 2013 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید